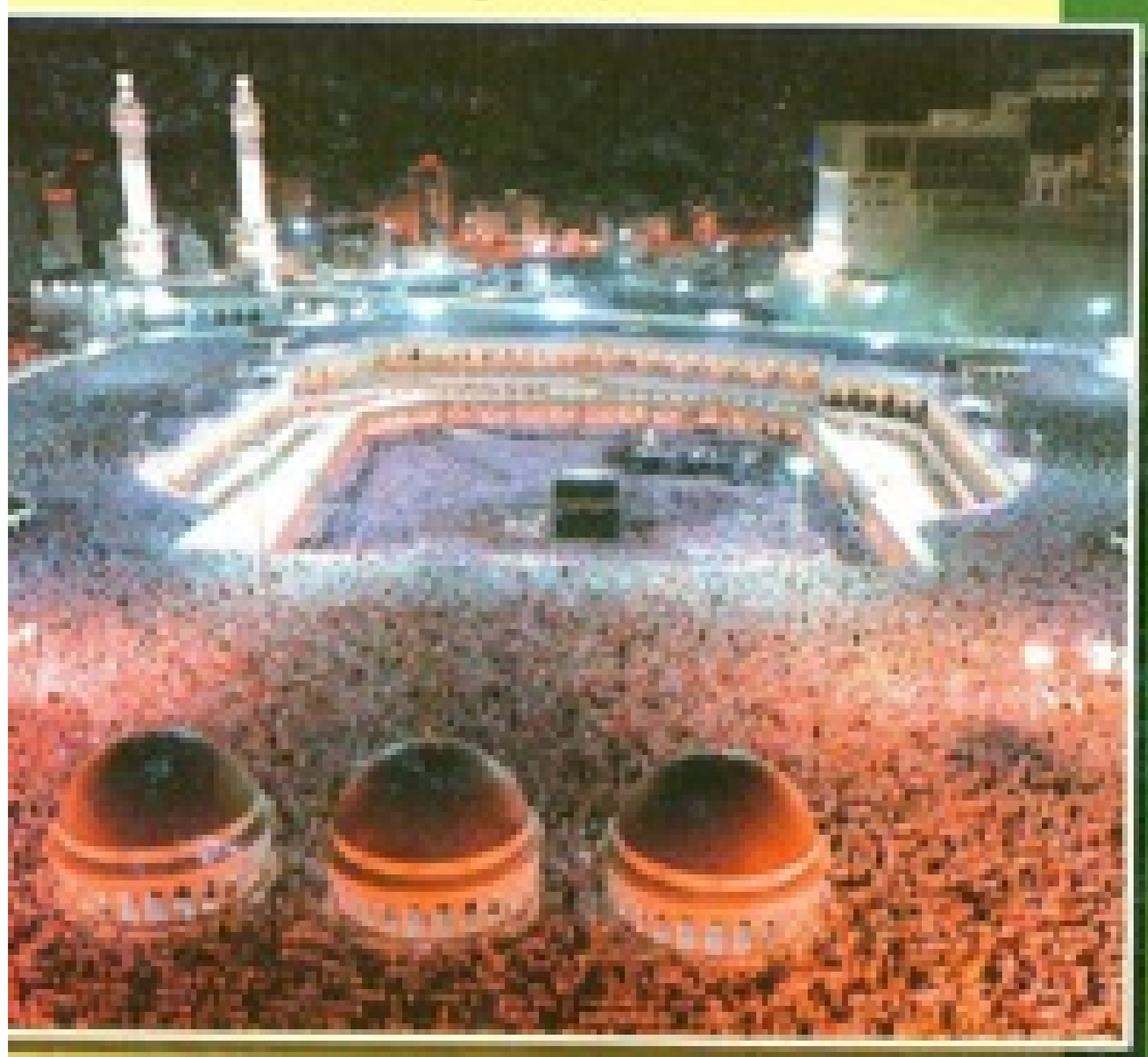
احکام عُمره مفرده

با تجدید نظر و اضافات



فقیه اهل بیت عصمت مرجع عالیقدر

حضرت آیة الله العظمی

آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی مدظله


بسم الله الرحمن الرحیم

احکام عمره مفرده

نویسنده:

محمد فاضل لنکرانی

ناشر چاپی:

امیر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احکام عمره مفرده (آیت الله فاضل لنکرانی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : فاضل‌موحدی‌لنکرانی، محمد، ۱۳۱۰ - ۱۳۸۶.

عنوان و نام پدیدآور : احکام عمره مفرده مطابق با فتاوای مرجع عالیقدر حضرت محمد فاضل‌لنکرانی/[تنظیم] دفتر آیت‌الله حضرت فاضل‌لنکرانی، بخش استفتاآت.

وضعیت ویراست : [ویراست ۲؟].

مشخصات نشر : قم: مطبوعاتی امیر [مرکز پخش]، ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری : ۲۵۶ص.؛ ۱۰×۱۴ س‌م.

شابک : ۲۰۰۰ ریال

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : چاپ ششم: پائیز ۱۳۷۷.

یادداشت : کتابنامه بهصورت زیرنویس.

موضوع : حج عمره.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه.

موضوع : فتواهای شیعه -- قرن ۱۴.

شناسه افزوده : دفتر آیت‌الله‌العظمی فاضل‌لنکرانی. بخش استفتاآت.

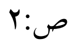
رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲/ف۲الف۳ ۱۳۷۷

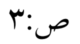
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

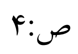
شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۹۵۹۴

ص:۱

اشاره


ص:۲


ص:۳




ص:۵



ص:۷

آیات و روایات درباره فضیلت عمره»

قوله تعالی: «وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ للَّهِ» بقره: ۱۹۶

همه اعمال و مناسک حجّ و عمره را برای خداوند بجا آورید و بپایان برسانید.

«تَابِعُوا بَیْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَانَّهُمَا یَنْفِیَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ کَمَا یَنْفِی الْکَیْرُ خُبْثَ الْحَدِیدِ.» کافی: ج ۴،ص ۲۵۵

: پی در پی حـج و عمره بجا آورید زیرا انجام مناسک حج و عمره فقر و بیچارگی را از شـما دور می کند و گناهان را از بین می‌برد همانگونه که حرارت آتش چرك و آلودگی و پوسیدگی آهن را می‌زداید و از بین می‌برد.

رسول اللَّهصلی الله علیه و آله:

«الْحَجَّةُ ثَوَابُهَا الْجَنَّةُ وَالْعُمْرَةُ کَفَّارَةُ کُلِّ ذَنْبٍ.»

الفقیه- الوسائل- الوافی

پیامبر بزرگوار اسلام فرمود: ثواب حجّ بهشت است و انجام مناسک عمره سبب از بین رفتن گناهان و کفّاره آنهاست.

ص:۸

الامام الصادق علیه السلام:

«الحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفْدُ اللَّهِ انْ سَأَلُوهُ اعْطَاهُمْ وَانْ دَعَوْهُ اجَابَهُمْ وَانْ سَكَتُوا إبْتَدَأَهُمْ وَيُعَوَّضُونَ بِالدِّرْهَمِ الْف الْف دِرْهَم.» کافی: ج ۴،ص ۲۵۵ وافی کتاب الحج

امام صادق علیه السلام فرمود:

حجّاج و کسانیکه عمره انجام می‌دهند میهمانان خدا هستند. اگر چیزی از خداوند درخواست کنند به آنان عنایت فرماید و اگر دعایی بکنند دعایشان را مقرون به اجابت نماید (محبّت خداوند نسبت به میهمانانش بحدّی است که) اگر میهمانان سکوت اختیار کنند سؤال نکنند و از درگاه خداوند هم چیزی مطالبه ننمایند پروردگار عالم خود ابتدا فرماید و میهمانان خود را مورد الطاف خاصّه‌اش قرار خواهد داد. (از جمله عنایات خداوند نسبت به میهمانانش آنکه) برای هر درهمی که در راه خدا مصرف کنند یک میلیون درهم عوض مرحمت فرماید.

الامام الصادق علیه السلام:

«الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ اسْوَاقِ الْآخِرَةِ اللَّازِمُ لَهُمَا فِی ضِمَانِ اللَّهِ انْ أَبْقَاهُ ادَّاهُ الَی عِیالِهِ وَانْ اماتَهُ ادْخَلَهُ الْجَنَّةَ.»

کافی: ج ۴،ص ۲۵۵

امامصادق علیه السلام فرمود:

حجّ و عمره دو سوق از سوقهای آخرت می‌باشند (یعنی حجّ و

ص:۹

عمره بمنزله دو بـازار و دو تجارتخانه بزرگی است که دارای انواع کالاهای کوچک و بزرگ است که خریـداران به تناسب قـدرت خریـد و بمیزان مال و سـرمایه خویش می‌توانند کالای مورد علاقه خود را خریداری کنند، حجّاج و معتمرین، علاقمندان و عاشـقان به انجـام مناسـک حـجّ و عمره نیز می‌تواننـد به تنـاسب میزان سـطح فکری و فرهنگی و در حـدّ بینش و تقـوی خـویش از زیبـاترین کالاهای معنوی موجود در بازار حجّ و عمره در راه کسب کمالات معنوی و انسانی خود بهره‌برداری کنند).

علاقمندانی که پی در پی در فکر سـفر حجّ و عمره هسـتند تا زمانیکه سـرگرم انجام مناسک حجّ یا عمره می‌باشـند در ضمان و پناه خداونـد قرار دارنـد (یعنی بیمه درگـاه خـدا هسـتند) اگر چنانچه مرگ حتمی آنان نرسـیده باشـد خداونـد آنها را از هر نوع خطری محافظت نموده به سـلامت به خانواده‌هایشان باز می‌گردانـد ولی اگر مرگ کسـی در مسیر حـجّ و عمره مقرّر شـده باشد و در حرم الهی و به هنگام انجام مناسک حج یا عمره جان دهد و در بین راه بمیرد، خداوند بهشت را نصیبش نموده او را داخل بهشت خواهد کرد.

عمره‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از هجرت:

الامام الصادق علیه السلام:

«اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهصلی الله علیه و آله ثَلاث عُمَرَ مُتَفَرِّقَاتٍ: عُمْرَةُ ذِی

ص:۱۰

الْقَعْدَهْ اهَلَّ مِنْ عُسْفانِ وَ هِیَ عُمْرَهُ الْحُدَیْبِیَّهِ، وَعُمْرَهٌ اهَلَّ مِنَ الْجُحْفَهَ وَهِیَ عُمْرَهُ الْقَضاءِ، وَعُمْرَهٌ مِنَ الْجِعِرَّانَهِ بَعْدَما رَجَعَ مِنَ الطائِفِ مِنْ غَزْوَهِ حُنَیْنٍ.»

رسول خدا بعد از هجرت به مدینه سه بار عمره مفرده بجا آوردند، یکی از آنها عمره مفرده‌ای بود که از عُسفان مُحرم شدند و بعنوان عمره حدیبیّه معروف گردید، بار دیگر از جُحفه مُحرم شدند که بنام عمرهٔالقضاء خوانده شده است، و بار سوّم از جعرّانه محرم شدند به احرام عمره مفرده و آن وقتی بود که از غزوه حنین مراجعت می کردند. وسائل الشیعه- احکام عمره

در بیان دیگری از امام علیّ بن موسی الرضا علیه السلام چنین آمده است:

الامام ابو الحسن الرّضا علیه السلام:

«الْعُمْرَهُ الَی الْعُمْرَهِ کَفَّارَهٌ ما بَیْنَهُما.» الوافی

امام هشتم علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام فرمود: انجام مناسک عمره و عمره بعد از عمره دیگر کفّاره گناهان بین دو عمره می‌شود.

ص:۱۱

فصل اوّل:

«اقسام عُمره مفرده»

عُمره مفرده هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرائط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می‌شود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست، بلکه اگر برای عمره مفرده مستطیع باشد واجب می‌شود، هر چند برای جج مستطیع نباشد؛ همچنانکه عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مفرده مستطیع نباشد باید حج بجا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند و فاصله منزلشان تا مکّه شانزده فرسخ و بیشتر از آن است مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتّع است هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره واستطاعت عمره از استطاعت حج، جدا نیست چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است. بخلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود.

ص:۱۲

مسأله ۱- واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود، واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است.

مسأله ۲- تکرار عمره مفرده مانند تکرار حجّ مستحب است، لکن باید هر عمره مفرده در یکی از ماههای سال واقع شود «ملاک عنوان ماه است» اگر چه به مقدار سی روز هم بین آنها فاصله نشده باشد. مثلًا می‌تواند در روز آخر ماه رجب یک عمره مفرده و در روز اوّل ماه شعبان نیز یک عمره مفرده دیگر انجام دهد.

مسأله ۳- در تکرار عمره مفرده اگر به نیابت از دیگری باشد رعایت فاصله لازم نیست، ولی اگر دو عمره مفرده غیر نیابی باشد (یعنی برای خودش انجام دهد) یا منوب عنه در هر دو واحد باشد باید عنوان ماه فاصله شود.

س ۱- اگر بین دو عمره مفرده کمتر از یک ماه فاصله باشد چنانچه عمره مفرده دوّم نیابت باشد آیا نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر؟ و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می‌کند یا خیر؟

ج- در فرض مزبور اجرت گرفتن اشکال ندارد، و کفایت از منوب عنه می‌کند.

ص:۱۳

«مسائل متفرقه عمره مفرده»

مسأله ۴- عمره مفرده را در تمـام روزهـای سـال می‌شود بجا آورد. و مشـروط به وقت معیّن نیست و بجا آوردن آن برای همه کس جایز است و افضل اوقات آن ماه رجب است.

مسأله ۵- اشخاصـی که از مکه شانزده فرسـنگ شرعی دور می‌باشند اگر استطاعت برای عمره مفرده داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج تمتع می کنند، گرچه احتیاط آن است که بجا آورند.

مسأله ۶- کسی که محرم شود به احرام عمره مفرده حرام می‌شود بر او جمیع محرمات احرام و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زنها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می‌شود.

مسأله ۷- کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شود اگر احرامش در ماههای حج بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع بجا آورد و در اینصورت هدی بر او واجب می‌شود.

س ۱- انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بینصَرُوره و غیرصروره هست یا نه؟

ص:۱۴

ج- مانع ندارد، وفرقی نمی کند.

س ۲- آیا انجام عمره مفرده را قبل از عمره تمتّع و لو با کمتر از فاصله شدن عنوان ماه تجویز می‌فرمایید، و آیا بعد از عمره تمتّع هم با کمتر از فاصله شدن عنوان ماه می‌توان عمره مفرده انجام داد یا باید رجاءاً انجام شود.

ج- در فرض مزبور فاصله و قصد رجاء لازم نیست لکن بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع نمی‌توان عمره مفرده انجام داد.

«صورت عمره مفرده»

صورت عمره مفرده اجمالًا: عمره مفرده از هفت جزء مرکّب شده است.

اوّل: احرام

دوّم: طواف کعبه

سوّم: نماز طواف

چهارم: سعی بین کوهصفا و مروه

پنجم: تقصیر یا سر تراشیدن (حلق)

ششم: طواف نساء

هفتم: نماز طواف نساء

مسأله- لازم نیست مکلّف این اعمال را قبل از ورود به عمره مفرده بداند و لو اجمالًا و کافی است که نیّت کند عمره مفرده را،

ص:۱۵

یعنی عبادتی را که خداوند بر او مستحب کرده است و کیفیّت و تفصیل هر یک را از رساله «مناسک عمره مفرده» در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند. ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

ص:۱۶

فصل دوّم:

«میقات در عمره مفرده»

«محل احرام عمره مفرده»

میقات عمره مفرده ادنی الحل است و جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه محرم شود.

بدانکه محل محرم شدن برای عمره مفرده که آن را میقات می‌نامند مختلف می‌شود به اختلاف راههایی که معتمرین از آنها بطرف مکّه می‌روند و آن هشت محلّ است:

اوّل: مسجد شجره است که آن را ذوالحلیفه می‌نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوّره به مکّه می‌روند.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۸- جایز است درصورت ضرورت احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات دیگر اگر چه آن میقات ادنی الحلّ «مسجد تنعیم» باشد.

مسأله ۹- احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود، نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

ص:۱۷

مسأله ۱۰- احتیاط واجب آنست که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و احتیاط مستحب آنست که در محل اصلی مسجد محرم شود اگر چه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.

مسأله ۱۱- شخص جنب و حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند، و نباید در مسجد توقف کنند.

مسأله ۱۲- اگر جنب بواسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواندصبر کند تا آب پیدا شود، یا استعمال آب برایش مضرّ باشد، باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد. و همچنین است حائض و نفساء که از خون حیض و نفاس پاک شده است.

دوّم: وادی عقیق است که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

سوّم: قرن المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکّه می‌روند.

چهارم: یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی که از راه یمن می‌روند.

پنجم: جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام

ص:۱۸

می‌روند.

ششم: تنعیم، در شمال مکّه که هم اکنون جزء شهر مکّه است.

هفتم: حدیبیّه، در شمال غربی مکّه قرار دارد.

هشتم: جعرانه، در شمال شرقی مکّه واقع شده است.

«مسائل متفرقه میقات»

مسأله ۱۳- اگر بیّنه شرعیه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بیّنه ممکن نشود می‌تواند اکتفا کند به اطمینان حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها می‌باشند.

مسأله ۱۴- کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله‌دار که می‌گوید فلان محل میقات است محرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند والا باید به عرف محل مراجعه نمایند.

مسأله ۱۵- درصورت ضیق وقت انسان می‌تواند برای درک عمره رجبیه قبل از رسیدن به میقات مُحرم به احرام عمره رجبیه شود و به مکّه برود و اعمال عمره مفرده را انجام دهد، و در اینصورت هنگام عبور از میقات نیاز به تجدید احرام نمی‌باشد.

مسأله ۱۶- کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و یا

ص:۱۹

عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد می‌تواند از ادنی الحلّ «مسجد تنعیم» برای عمره مفرده مُحرم شود و اعمال عمره را انجام دهد.

مسأله ۱۷- جایز نیست مُحرم شدن پیش از رسیدن به میقات، واگر احرام ببنددصحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلّی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، و باید از همانجا مُحرم شود.

مثلًا اگر نذر کرد که از «قم» مُحرم شود، واجب است عمل کند.

مسأله ۱۸- در عمره مفرده جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر بینـدازد، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد و اگر چنانچه بدون احرام از میقات عبور کرد می‌تواند از ادنی الحلّ برای عمره مفرده مُحرم شود ولی معصیت کرده است.

مسأله ۱۹- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشـرّف می‌شونـد چنانچه از یکی از مواقیت معروفه عبور نماینـد نباید بدون احرام از میقات تجاوز کنند و درصورت تجاوز، اگر از ادنی الحلّ مُحرم شوند عمره آنهاصحیح است هر چند مرتکب معصیت شده‌اند.

مسأله ۲۰- خـدمه کاروانها یا کسانی که می‌خواهنـد به مکه بروند و از مکه خارج شوند، درصورت خارج شدن از مکه اگر به جدّه یا مـدینه می‌روند، برای ورود به مکه در مرتبه دوّم و سوّم و بعد از آن چون از میقات «مسـجد تنعیم و مسـجد شـجره» عبور می کنند چنانچه همه در یک ماه باشد واجب است مُحرم شوند به احرام

ص:۲۰

عمره مفرده نیابی ولو تبرّعاً، واگر ورود به مکه در ماه بعد باشد واجب است مُحرم شوند به احرام عمره مفرده دیگر.

س ۱- جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قَرْن الْمَنازل آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قرن المنازل منع کردند و لذا در وادی عقیق مُحرم شدند، احرام آنان چهصورت دارد؟

ج-صحیح است.

س ۲- نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است آیا معتمرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج- میقات در جحفه مخصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌توانند محرم شوند و همچنین مسجد تنعیم خصوصیّت ندارد و احرام از ادنی‌الحلّصحیح است، هر چند در مسجد نباشد.

بنابراین درصورت توسعه مسجد باصدق جُحفه در اوّل، و ادنی الحل در دوّم، احرام اشکال ندارد.

س ۳- کسی از جدّه مُحرم شده و اعمال عمره مفرده را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج- جدّه میقات نیست و مُحرم شدن از آنجاصحیح نمی‌باشد و برای انجام عمره مفرده می‌تواند از ادنی الحلّ مُحرم شود.

ص:۲۱

س ۴- آیا جایز است کسی که به احرام عمره مفرده در یکی از میقاتها مُحرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه، مثلًا از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج- مانع ندارد.

س ۵- بعد از اتمام عمره مفرده اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است مُحرم شود یا خیر؟

ج- درصورتی که در همان ماهی که مُحرم شده، مراجعت کند لازم نیست مُحرم شود و می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود «مشروط بر آنکه از میقات عبور نکند.»

س ۶- کسی که عمره مفرده انجام داده است آیا می‌تواند در همان ماهی که مُحرم شده است بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج- احتیاط آن است که به نیّت عمره مفرده نیابی ولو تبرعاً مُحرم شود و بدون احرام تجاوز نکند.

س ۷- کسی که در جدّه و یا مدینه حالت روانی پیدا می‌کند، آیا لازم است مُحرماً وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج- مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

س ۸- آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

ص:۲۲

فصل سوّم:

«در واجبات احرام و آنچه متعلق به آنها است»

واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اوّل: نیت، یعنی انسان در حالیکه می‌خواهد مُحرم شود به احرام عمره مفرده، نیت کند عمره مفرده را، و لازم نیست قصد کند ترک محرّماتی را که بر مُحرم پس از احرام، حرام می‌شود، بلکه کسی که به قصد عمره مفرده لبیک‌های واجب را گفت، مُحرم می‌شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند.

پس کسی که می‌داند ارتکاب می‌کند بعضی از محرمات را؛ مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام اوصحیح است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرمات را.

مسأله ۲۱- آنچه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترک محرمات را در غیر آن محرّماتی است که عمره مفرده را باطل می‌کند مثل اکثر محرمات، و اما آنچه عمره مفرده را باطل می‌کند مثل نزدیکی با زن در بعضی ازصور که ذکر خواهد شد، پس با قصد ارتکاب آن احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.

ص:۲۳

مسأله ۲۲- عمره مفرده و اجزاء آن از جمله احرام، از عبادات است و باید با نیّت خالص برای اطاعت خداوند تعالی بجا آورد. و اگر عمره مفرده را به ریا یا غیر آن باطل کند می‌تواند عمره مفرده دیگری با نیّت خالص انجام دهد.

مسأله ۲۳- اگر بعضی از ارکان عمره مفرده را به نیّت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند عمره مفرده باطل می‌شود، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملشصحیح می‌شود، گرچه معصیت‌کار است.

دوّم: تلبیه، یعنی لبیک گفتن وصورت آن بنابر اصح آن است که بگوید:

«لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ لَاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ.»

وبه این مقدار اگر اکتفا کند مُحرم شده و احرامشصحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را بهصورتی که گفته شد گفت، بگوید:

«انَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لَاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ.»

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّیْکَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّیْکَ دَاعِیاً إِلی دَارِ السَّلَام لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ غَفَّارَ الذُّنُوب لَبَّیْکَ أَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَام لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَالْمَعَادُ إِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تَسْتَغْنِی وَیُفْتَقَرُ إِلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ

ص:۲۴

إلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْکَ، لَبَّيْکَ ذَا النَّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظَامِ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَيْکَ لَبَّيْکَ لَبَّيْکَ يَا کَرِيمُ لَبَّيْکَ.»

و در اینجا مسائلی است:

مسأله ۲۴- واجب استصحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همانطور کهصحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب است.

مسأله ۲۵- اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، ندانند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند؛ یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد، دنبال او به طورصحیح بگوید.

مسأله ۲۶- اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید بهتر آن است که به هر نحو که می‌تواند بگوید، و احتیاطاً نائب هم بگیرد.

مسأله ۲۷- اگر لبیک گفتن در عمره مفرده را فراموش کرد یا بواسطه ندانستن حکم نگفت، می‌تواند در میقات بعدی یا ادنی الحلّ به نیّت عمره مفرده بطورصحیح تلبیه بگوید و مُحرم شده، اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

مسأله ۲۸- اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه بواسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر مُحرم حرام است بر او حرام نمی‌شود،

ص:۲۵

و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود بجا آورد کفاره ندارد، و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسأله ۲۹- جایز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد و اگر تأخیر انداخت می‌تواند برگردد و در میقات لبیک بگوید و می‌تواند از میقات بعدی یا ادنی الحلّ به نیّت عمره مفرده لبیک بگوید و سپس اعمال عمره مفرده را انجام دهد، گرچه در عبور از میقات بدون تلبیه و احرام عمداً معصیت کرده است.

مسأله ۳۰- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید «لبیک اللهم لبیک» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

مسأله ۳۱- لازم است کسی که برای عمره مفرده مُحرم شده در وقتی که وارد حرم می‌شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید.

س ۱- یک نفر از معتمرین به کلی شنوائی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلمصحیح نیست، مسؤولین و سایر معتمرین همراه، به این موضوع توجه نداشته‌اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج- می‌تواند به ادنی الحلّ «مسجد تنعیم» برود و با نیّت و تلبیه

ص:۲۶

مُحرم شود هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند تلبیه راصحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید و نائب هم بگیرد.

س ۲- اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همانجا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می‌تواند بیاید مکه و به میقات برگردد، یا باید از همانجا مُحرم شود؟

ج- در فرض مذکور برای انجام عمره مفرده می‌تواند از ادنی الحلّ «مسجد تنعیم» محرم شود و داخل مکّه شود و اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

سوّم: پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «ردا» که باید آنرا به دوش بیندازند. و احتیاط واجب آن است که زنها نیز دو جامه را در حال نیّت و تلبیه گفتن بپوشند اگر چه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس دوخته خودشان باشند.

و در اینجا مسائلی است:

مسأله ۳۲- احتیاط واجب آن است که مردان لباسهای دوخته را بکنند و این دو جامه را قبل از نیّت احرام و لبیک گفتن بپوشند و اگر

ص:۲۷

بعد از لبیک پوشیدند احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگویند.

مسأله ۳۳- لازم نیست که لنگ، ناف و زانو را بپوشانـد، و کفایت می کنـد که به نحو متعارف باشـد، ولی مسـتحب است که ناف و زانو را بپوشاند.

مسأله ۳۴- احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

مسأله ۳۵- در پوشـیدن دو جامه احرام ترتیب خاصـی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشـد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهـد بـه هر کیفیـتی که می‌خواهـد، و یکی را ردا قرار دهـد به کیفیـتی که می‌خواهـد، و احتیـاط واجب آن است که ردا شانه‌هـا را بپوشاند. و بگونه‌ای باشد کهصدق ردا بکند.

مسأله ۳۶- احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکنـد به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را ردا قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

مسأله ۳۷- در پوشـیدن جـامه احرام احتیاط واجب آن است که نیّت کنـد و قصـد امر الهی و اطاعت او کنـد و احتیاط مسـتحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

مسأله ۳۸- شرط است در این دو جامه که نماز در آنهاصحیح باشد، پس کفایت نمی کند جامه حریر و غیر مأکول و جامه‌ای که

ص:۲۸

نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

مسأله ۳۹- لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد بطوری که بدن‌نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که ردا هم بدن‌نما نباشد.

مسأله ۴۰- احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

مسأله ۴۱- اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را کفاره ندارد.

و احرام او هم باطل نمی‌شود.

مسأله ۴۲- احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

مسأله ۴۳- لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد.

مسأله ۴۴- افضل آن است که مُحرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می‌شود برای طواف همان جامه‌ای را که در آن مُحرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاطِ استحبابی است.

مسأله ۴۵- اگر مُحرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن، می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و بدوش بیندازد، و دست از آستین آن بیرون

ص:۲۹

نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید بدوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی‌شود مگر با پوشیدن قبا و پیراهن می‌تواند بپوشد.

مسأله ۴۶- لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد وبرای حمام رفتن آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

مسأله ۴۷- شخص مُحرم می‌تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه ردا و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر. لکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

مسأله ۴۸- اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می‌خواهد مُحرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و احرامشصحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامشصحیح است.

مسأله ۴۹- گره زدن لباس احرام اشکالی ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آنرا که لنگ قرار داده به گردن گره نزند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز است.

مسأله ۵۰- شرط نیست در مُحرم شدن پاک بودن از حدث اصغر

ص:۳۰

و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس مُحرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

مسأله ۵۱- اگر پیراهن بپوشد بعد از آنکه مُحرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد ولی اگر در پیراهن مُحرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آنرا بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر دوصورت احرامشصحیح است.

مسأله ۵۲- اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات عمره مفرده، عمره‌اش باطل است و می‌تواند برای عمره مفرده از ادنی الحلّ مُحرم شود و اعمال عمره مفرده را بجا آورد.

«مسائل متفرقه احرام»

س ۱- مردها معمولًا برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می‌بندند و یکی هم بر روی شانه‌ها می‌اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلوار ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد، آیا این عملصحیح است یا اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد.

ص:۳۱

س ۲- آیا می‌شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج- اخْرَس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد اگر چه بهتر است نایب هم بگیرد.

س ۳- اگر کسی بداند درصورتصحیح نگفتن تلبیه، مُحرم نمی‌شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال عمره را انجام دهد آیا اعمالشصحیح است یا نه؟

ج- با توجّه به اینکه عالم به حکم بوده اگر نسبت به موضوع جاهل بوده حکم ترک احرام از روی جهل و سهو را دارد (یعنی احرامش باطل است و می‌تواند برای انجام عمره مفرده از ادنی الحلّ مُحرم شود و اعمال عمره مفرده را بجا آورد) و اگر علاوه بر علم به حکم عالم به موضوع هم باشد احرامش باطل است.

س ۴- ترجمه تلبیه «لبّیک اللّهمّ لبّیک لبّیک لا شریک لک لبّیک» چیست؟

ج- ترجمه مذکور چنین است: اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

س ۵- لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ص:۳۲

ج- با فرض شک لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.

س ۶- کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می‌کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر بقصد انجام عمره مفرده تلبیه نگفته و نیت نکرده مُحرم نشده است، لذا می‌تواند از ادنی الحلّ مُحرم به احرام عمره مفرده شده و بعد اعمال عمره را انجام دهد.

س ۷- آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج- مقدار واجب آن دو جامه است و زیادتر مانع ندارد.

«مستحبات احرام»

مستحبات احرام چند چیز است:

۱- آنکه قبلًا بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعده و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یکماه موی سر و ریش را رها کند.

۳- آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیزصحیح است و تقدیم این غسل بخصوص درصورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و درصورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل

ص:۳۳

را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر مُحرم حرام است، باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵- آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد درصورت تمکّن بعد از فریضه ظهر، و درصورت عدم تمکّن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضاء مُحرم شود. و درصورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوّم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل اوصلوات بفرستد.

۶- آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف- وقت برخاستن از خواب.

ب- بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج- وقت رسیدن به سواره.

د- هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه- وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و- اوقات سحر.

ص:۳۴

زن حائض و نفساء و جُنُب نیز این تلبیه‌ها را بگویند.

و شخص معتمر «کسی که عمره مفرده انجام می‌دهد» تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه وارد حرم شود و اگر از ادنی الحل مُحرم شود با مشاهده کعبه تلبیه را قطع کند.

«مکروهات احرام»

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن مُحرم در رختخواب و بر بالش زرد رنگ.

۳- مُحرم شـدن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آنرا نشوید.

۴- مُحرم شدن در جامه راه راه.

۵- استعمال حنا پیش از احرام درصورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و أولی آن است که مُحرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او راصدا نماید.

۸- ساییدنصورت چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود.

۹- کشتی گرفتن.

ص:۳۵

فصل چهارم:

«در آنچه بر مُحرم حرام می‌شود»

و آن چند امر است:

اوّل: شکارصحرایی که وحشی باشد، مگر درصورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

و در اینجا مسائلی است:

مسأله ۵۳- خوردن گوشت شکار بر مُحرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه مُحرم شکار کند یا غیر مُحرم.

مسأله ۵۴- نشان دادن شکار را به شکارچی حرام است و همینطور اعانت او به هر نحوی حرام است.

مسأله ۵۵- اگر مُحرمیصید را ذبح کند از نظر اکل در حکم میته خواهد بود بنابر اقوی، و به احتیاط واجب هم درباره مُحرم و هم مُحل.

مسأله ۵۶- شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

مسأله ۵۷- ذبح و خوردن حیوانات اهلی؛ مثل مرغ خانگی و گاو

ص:۳۶

و گوسفند و شتر مانع ندارد.

مسأله ۵۸- پرندگان، جزء شکارصحرایی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکارصحرایی است.

مسأله ۵۹- احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

مسأله ۶۰- نگاه داشتنصید حرام است اگر چه خودش قبل از احرام مالك آن باشد، وبا خود آورده باشد. پس باید آنرا رها کند و نگاه ندارد.

مسأله ۶۱- اگر پرنده‌ای که نزد او است «پر» در نیاورده یا پر او را چیده‌اند واجب است آنرا حفظ کند تا پر درآورد و آنرا رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد حفظ بچهصید را، مثل آهو بره تا بزرگ شود و رها کند آنرا.

مسأله ۶۲- هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است. بدانکه در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان آنها خودداری شد.

دوّم: جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن مرد با زوجه خودش، و نگاه بشهوت مرد نسبت به زوجه خودش، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن از زن.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۶۳- اگر کسی در احرام عمره از روی علم و عمد با زن چه

ص:۳۷

در قُبُل و چه در دُبُر جماع کنـد ظاهراً عمره‌اش باطل نشود و لکن بنابر احتیاط موجب کفّاره است که بیان آن می‌آیـد و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آنرا دو مرتبه بجا آورد.

مسأله ۶۴- حرمت نفسی و ذاتی وطی با مرد گرچه خیلی شدید و موجب حدّ است لیکن ارتباط آن با احرام محلّ اشکال است.

مسأله ۶۵- اگر در عمره این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود عمره اوصحیح است ولی بنابر احتیاط کفاره بر او واجب می‌شود و کفّاره آن یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند است به اختیار خودش اگر چه بهتر است که شتر را اختیار کند.

مسأله ۶۶- اگر زنی را از روی شـهوت ببوسـد و منی هم از او خـارج شود کفّـاره آن یـک شتر است و اگر در این فرض منی خارج نشود کفّاره‌اش یک گوسـفند است، و اگر بدون شهوت ببوسد از جهت احرام حرمتی ندارد، اگر چه در بعضی ازصور حرمت ذاتی وجود دارد ولی در هیچیک ازصور مذکوره کفّاره ثابت نیست.

مسأله ۶۷- اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود اقوی آن است که اگر متموّل است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفّاره بدهد و درصورت عدم انزال مرتکب معصیت شده است ولی کفّاره ندارد.

مسأله ۶۸- اگر مُحرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت

ص:۳۸

و انزالش شود اقوی آن است که یک شتر کفّاره بدهد ولی اگر از روی شهوت نباشد کفّاره ندارد.

مسأله ۶۹- اگر کسی با زن خودش دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود یک گوسفند کفّاره آن است و اگر انزالش شود بنابر احتیاط واجب یک شتر کفّاره بدهد.

مسأله ۷۰- هر یک از این امور «غیر ازصید» که موجب کفّاره است اگر با جهل به مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره مفرده او ضرر نمی‌رساند و بر شخص کفّاره نیست.

مسأله ۷۱- اگر مردی با زن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفّاره خود کفّاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفّاره خودش را بدهد، وکفاره‌ای که باید بدهند گذشت.

سوّم: عقد کردن زن از برای خود یا غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُحِل باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۷۲- جایز نیست شخص مُحرم شاهد شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر مُحرم باشد.

مسأله ۷۳- جایز است شهادت دادن بر عقد مخصوصاً درصورتی که در حال مُحرم نبودن شاهد عقد شده باشد لکن احتیاط مستحبی

ص:۳۹

در ترک آن است.

مسأله ۷۴- احتیاط واجب آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز نیست.

مسأله ۷۵- رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

مسأله ۷۶- اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود.

مسأله ۷۷- اگر زنی را بـا جهـل به مسـأله برای خـود عقـد کنـد عقـدی که کرده است باطـل است، لکن حرام دائمی نمی‌شود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسأله ۷۸- ظاهراً فرقی بین زن عقدی وصیغه‌ای نیست در احکامی که ذکر شد.

مسأله ۷۹- احتیاط لازم آن است که زن اگر مُحرم باشـد و مرد مُحرم نباشـد و عقـد کنـد او را عقد باطل است و طلاق لازم ندارد و مرد نبایـد با زن نزدیکی کنـد، و درصورت علم زن به مسأله علاوه بر اینکه عقـد باطل است زن نیز حرام ابـدی می‌شود و نباید با او هیچ وقت ازدواج کند و طلاق لازم ندارد.

مسأله ۸۰- اگر کسـی عقـد کنـد زنی را برای مُحرمی و مُحرم دخول کند پس اگر هر سه عالم به حکم و موضوع باشـند بر هر یک آنها یک شتر کفاره است، و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این

ص:۴۰

حکم فرق نیست بین آنکه زن و عاقد محل باشند یا مُحرم، و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند بر آنکه می‌داند کفاره است.

چهارم: استمناء، یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن، هر چند بخیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است، و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم: استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۸۱- مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد اگر چه قبلًا به آن عطر مالیده شده باشد.

مسأله ۸۲- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد مثل زعفران جایز نیست.

مسأله ۸۳- اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد اضطرار پیدا کند باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

ص:۴۱

مسأله ۸۴- از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می‌دهد باید اجتناب کند، مگر بعضی از انواع آن کهصحرایی است، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزامی» که می گویند از خوشبوترین گلها است.

مسأله ۸۵- احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگر چه اقوی حرام نبودن آنها است.

مسأله ۸۶- از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست و خوردن و بوییدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط استحبابی آن است که بوییدن را ترک کند.

مسأله ۸۷- اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

مسأله ۸۸- خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

مسأله ۸۹- کفاره استعمال بوی خوش از روی علم و عمد یک گوسفند است بنابر احتیاط واجب. و همچنین اگر استفاده از بوی خوش بهصورت اکل و خوردن بوده باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۹۰- مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوشبو می کنند حرام نیست.

مسأله ۹۱- اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد

ص:۴۲

بعیـد نیست یک گوسـفند کفایت کنـد، لکن احتیاط در تعـدد است، و اگر در اوقات متعدده اسـتعمال کرد بنابر اقوی باید کفّاره را متعدّد بدهد، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد.

ششم: پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۹۲- چیزهـایی که شبیه به دوخته است؛ مثـل پیراهن‌هـایی که بـا چرخ یـا بـا دست می‌بافنـد یا چیزهایی را که با نمـد، بشـکل بالاپوش می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، جایز نیست پوشیدن آنها.

مسأله ۹۳- اقوی اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمربند دوخته و شب کلاه.

مسأله ۹۴- همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد، هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی‌گره باشد. امّا اگر بتواند همیان دوخته نشده تهیه کند نمی‌تواند از همیان دوخته شده استفاده نماید.

مسأله ۹۵- فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد لیکن بهتر آن است که کفاره بدهد.

مسأله ۹۶- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد،

ص:۴۳

ولی کفاره باید بدهد.

مسأله ۹۷- جـایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره نزدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.

مسأله ۹۸- جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است.

مسأله ۹۹- از برای زنهـا جـایز است لباس دوخته هر قـدر می‌خواهنـد بپوشـند و کفاره نـدارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشـیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زنهای عرب در آن پنبه می‌گذاشتند و دست می‌کردند برای حفظ از سرما.

مسأله ۱۰۰- کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

مسأله ۱۰۱- اگر مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر یک باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آن اسـت که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

مسأله ۱۰۲- اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید، کفاره ساقط نمی‌شود.

مسأله ۱۰۳- اگر یـک قسم لبـاس بپوشـد مثل پیراهن و کفاره بدهـد و باز پیراهن دیگر بپوشـد یا آنرا که پوشـیده است، بکَنـد و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

ص:۴۴

مسأله ۱۰۴- احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد؛ مثل چند قبا یا چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر یک کفاره بدهد، امّا اگر یک مرتبه آنها را بپوشد کفاره متعدّد نمی‌شود.

هفتم: سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد، هر چند قصد زینت نکند، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنابر اقوی حرام است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۰۵- حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

مسأله ۱۰۶- در سرمه کشیدن کفاره نیست، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط کفاره دادن است. ولی اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد اقوی کفّاره دادن است.

مسأله ۱۰۷- درصورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن، مانعی ندارد.

هشتم: نگاه کردن در آینه.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۰۸- در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مسأله ۱۰۹- نگاه کردن به اجسامصافصیقل داده شده که

ص:۴۵

عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آبصاف اشکال ندارد.

مسأله ۱۱۰- عینک زدن اگر زینت نباشد و قصد زینت هم نداشته باشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود و به قصد زینت استفاده کند جایز نیست.

مسأله ۱۱۱- در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مسأله ۱۱۲- اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آنرا بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مسأله ۱۱۳- احتیاط آن است که به آینه نگاه نکند اگر چه برای زینت نباشد.

نهم: پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می‌گیرد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۱۴- این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.

مسأله ۱۱۵- اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

مسأله ۱۱۶- در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد احوط ثبوت کفاره گوسفند است.

ص:۴۶

دهم: فسوق است، و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد، بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است خواه موجب نقص دیگران باشد یا نباشد، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم: جدال است، و آن گفتن «لا واللَّه» و «بلی واللَّه» است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۱۷- آنکه گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد یعنی تحقق جدال با مرادف لا وبلی در سایر لغات مشکل است، و قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

مسأله ۱۱۸- قسم اگر به لفظ «اللَّه» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است، و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

مسأله ۱۱۹- احتیاط واجب الحاق سایر اسماء اللَّه است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سماوات و ارض، جدال محسوب می‌شود به احتیاط واجب، درصورتی که مشتمل بر کلمه لا و بلی باشد.

مسأله ۱۲۰- در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن.

ص:۴۷

مسأله ۱۲۱- اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه کفاره باید بدهد، و کفاره آن یک گوسفند است.

مسأله ۱۲۲- اگر در جدال دروغگو باشد در مرتبه اوّل باید یک گوسفند و بنابر احتیاط واجب در مرتبه دوّم یک گاو و در مرتبه سوّم یک شتر کفاره بدهد و احتیاط کامل استحبابی آن است که در مرتبه دوّم و سوّم جمع کند بین کفاره ذکر شده و یک گوسفند.

مسأله ۱۲۳- اگر در جدال به دروغ در دفعه اوّل یک گوسفند کفاره ذبح کند بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ کفاره آن یک گاو باشد.

مسأله ۱۲۴- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، بعید نیست کفاره‌اش شتر باشد. و اگر بعد از ذبح گاو دومرتبه دروغ گفت و جدال کرد بعید نیست دو شتر کفاره آن باشد.

مسأله ۱۲۵- اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه هر چند مرتبه باشد یک گوسفند کفاره است مگر آنکه بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در اینصورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست ثبوت کفاره محلّ اشکال است.

مسأله ۱۲۶- اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند کفاره یک شتر است ظاهراً، مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادتر، کفاره را ذبح

ص:۴۸

کند که در اینصورت بعید نیست که برای هر جدال اضافی یک بدنه واجب باشد.

دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن انسان یا حیوان ساکن می‌شوند مثل شپش و کک و کنه که در بدن حیوان است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۲۷- جایز نیست انداختن شپش را از بدن. و در غیر شپش احتیاط واجب در نیانداختن است.

مسأله ۱۲۸- جایز نیست نقل کردن آنرا از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و در غیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.

مسأله ۱۲۹- احتیاط مستحب آن است که آنرا از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اوّل محفوظتر باشد.

مسأله ۱۳۰- بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد، لکن احتیاطاً یک کف از طعامصدقه بدهد. و این احتیاط در شپش ترک نشود.

سیزدهم: انگشتر به دست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۳۱- اگر انگشتر به دست کند نه برای زینت و نه برای

ص:۴۹

استحباب مثل آنکه برای خاصیتی به دست کند اشکال ندارد.

مسأله ۱۳۲- احتیاط واجب آن است که مُحرم «حنا» برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند، احتیاط در ترک است.

مسأله ۱۳۳- اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.

مسأله ۱۳۴- انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

چهاردهم: پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۳۵- اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزیین نداشته باشد.

مسأله ۱۳۶- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام، اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

مسأله ۱۳۷- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.

مسأله ۱۳۸- پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

پانزدهم: روغن مالیدن است به بدن.

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱۳۹- اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگر چه بوی

ص:۵۰

خوش در آن نباشد.

مسأله ۱۴۰- جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می‌ماند تا وقت احرام.

مسأله ۱۴۱- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

مسأله ۱۴۲- خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

مسأله ۱۴۳- اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.

مسأله ۱۴۴- اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند است، امّا اگر استعمال روغن مزبور به غیر طریق اکل باشد احتیاط در کفاره است.

شانزدهم: ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُحِل.

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱۴۵- در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

مسأله ۱۴۶- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و دردسر و موی چشم که اذیت می کند.

مسأله ۱۴۷- اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصد کننده شود اشکال ندارد.

ص:۵۱

مسأله ۱۴۸- در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

مسأله ۱۴۹- کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد به نحو تخییر یا دوازده «مد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. و «مد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

مسأله ۱۵۰- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیّن گوسفند در اینصورت بعید نیست.

مسأله ۱۵۱- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند، باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، و احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند سه فقیر را اطعام کند.

مسأله ۱۵۲- احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن کفاره تراشیدن را بدهد.

مسأله ۱۵۳- اگر در غیر حال وضو یا غسل دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است که یک کف طعامصدقه بدهد.

هفدهم: پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۵۴- احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر

ص:۵۲

پوششی هم نپوشاند، مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

مسأله ۱۵۵- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

مسأله ۱۵۶- جایز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آنکه دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک است.

مسأله ۱۵۷- جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه بنابر احتیاط جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند.

مسأله ۱۵۸- بنابر اقوی در تغطیه در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را هم بپوشاند.

مسأله ۱۵۹- گوشها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

مسأله ۱۶۰- پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

مسأله ۱۶۱- گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثنا شده و مانع ندارد.

مسأله ۱۶۲- دستمالی را که برای سردرد به سر می‌بندد عیب ندارد.

مسأله ۱۶۳- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

مسأله ۱۶۴- اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازد به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کنند برای حفظ از پشه مانع ندارد،

ص:۵۳

و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد.

مسأله ۱۶۵- زیر دوش حمام رفتن برای مُحرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.

مسأله ۱۶۶- اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند و بعض سر هم در حکم همه است.

مسأله ۱۶۷- در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آنرا باز کند، و همینطور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.

مسأله ۱۶۸- اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحاء، کفاره آن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند است، و احتیاط واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر.

مسأله ۱۶۹- احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید مکرر کفاره بدهد، یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی‌آید واجب نبودن.

مسأله ۱۷۰- اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست.

مسأله ۱۷۱- کفاره درصورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا

ص:۵۴

غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد.

هیجدهم: پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۷۲- پوشانیدن رو را به هر چیز اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنابر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

مسأله ۱۷۳- اقوی آن است کهصورت را از بینی تا چانه نپوشاند امّا نسبت به قسمت بالایصورت احتیاط واجب در عدم پوشش است.

مسأله ۱۷۴- اگر دست‌های خود را رویصورت بگذارد مانع ندارد.

مسأله ۱۷۵- اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

مسأله ۱۷۶- واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

مسأله ۱۷۷- جایز است برای روی گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه درصورت احتیاج تا گردن، و چیزی بر او نیست.

مسأله ۱۷۸- بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به

ص:۵۵

صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است.

مسأله ۱۷۹- بعضی برای دور نگه نداشتن جامه را ازصورت کفاره لازم دانسته‌اند، و آن احوط است گر چه اقوی واجب نبودن آن است.

مسأله ۱۸۰- در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود در حال سیر و راه پیمودن.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۸۱- سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زنها و بچه‌ها جایز است، و کفاره هم ندارد.

مسأله ۱۸۲- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص به حال منزل طی کردن است، و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.

مسأله ۱۸۳- فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل بین آنکه در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

ص:۵۶

مسأله ۱۸۴- در وقت طی منزل حرکت در جنب مَحمل و استظلال به محمل برای ماشی (پیاده) جایز است ولی احتیاط آن است که مُحرمی که سواره است به پهلوی محمل استظلال نکند، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوّت نیست.

مسأله ۱۸۵- کسانی که از تهران یا جای دیگر می‌خواهند به مکه مشرّف شوند با هواپیما اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران، نذر آنهاصحیح است و باید مُحرم شوند، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند به عمره مفرده، لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

مسأله ۱۸۶- کسی که نذر کند از تهران یا جای دیگر مُحرم شود باید مُحرم شود و می‌تواند در طی طریق از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد یعنی زیر سایه ثابت رفتن جایز است بنابراین عبور مُحرم از زیر تونل‌ها و پل‌ها و عبور از زیر سایه درختان که سایه ثابت دارند مانع ندارد.

مسأله ۱۸۷- کسانی که می‌خواهند با هواپیما به مکه بروند و عمره مفرده انجام دهند می‌توانند با هواپیما به مدینه بروند و از آنجا بنابر احتیاط واجب در مسجد شجره مُحرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جدّه به قصد رفتن به جُحفه و در جُحفه مُحرم شوند و با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه و اگر رفتن به جُحفه امکان نداشت می‌توانند از ادنی الحلّ برای

ص:۵۷

عمره مفرده مُحرم شوند و سپس اعمال عمره مفرده را انجام دهند.

مسأله ۱۸۸- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست. بنابراین بعید نیست جایز بودن نشستن مُحرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند.

مسأله ۱۸۹- در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق نیست بین سواره و پیاده.

مسأله ۱۹۰- استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد.

مسأله ۱۹۱- کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیاط بنابر اقوی.

مسأله ۱۹۲- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره مفرده، هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد.

بیستم: بیرون آوردن خون است از بدن خود.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۹۳- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن در حال ضرورت حرام نیست.

مسأله ۱۹۴- جایز نیست به مثل خراشیدن بدن، خون از آن بیرون آورد، و همینطور جایز نیست به مسواک نمودن، خون از بُن دندانها بیرون آورد.

ص:۵۸

مسأله ۱۹۵- جایز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن، و همینطور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جرب را خاریدن درصورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون درآید.

مسأله ۱۹۶- خون از بدن در آوردن کفاره ندارد، اگر چه بدون عذر باشد.

بیست و یکم: ناخن گرفتن.

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱۹۷- جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار شود، مثل آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

مسأله ۱۹۸- جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

مسأله ۱۹۹- فرقی نیست بین آلات ناخن‌گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن‌گیر، و اقوی آن است که ازاله ناخن نکند به هیچوجه حتی به سوهان و دندان.

مسأله ۲۰۰- اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد بنابر احتیاط واجب، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط لازم آن است که ناخن آن را نگیرد.

بیست و دوّم: کندن دندان است هر چند خون نیاید بنابر احتیاط،

ص:۵۹

و احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

بیست و سوّم: کندن یا بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۰۱- اگر گیاهی یا درختی در منزل مُحرم روییده شده باشد بعد از آنکه منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آنرا بکند و یا قطع کند.

مسأله ۲۰۲- اگر گیاه یا درختی در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده، لکن خودش آنرا نکاشته باشد احتیاط آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است.

مسأله ۲۰۳- اگر منزلی که در آن سکونت کرده و لو نخریده باشد دارای درخت و گیاه است نباید آنرا قطع کند.

مسأله ۲۰۴- درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می‌تواند میوه‌های آنها و شاخه‌هایی از آنها را که در کمیّت یا کیفیّت میوه تأثیر می‌گذارند قطع کند امّا خود آنها را نباید قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

مسأله ۲۰۵- اگر درختی را که جایز نیست کندنش، بکند احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند.

ص:۶۰

مسأله ۲۰۶- اگر بعض درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آنرا کفاره بدهد.

مسأله ۲۰۷- در قطع گیاه‌ها کفاره نیست بجز استغفار.

مسأله ۲۰۸- جایز است که شتر خود را بگذارد که علف بخورد حتی خودش هم می‌تواند برای ناقه‌اش علف‌ها را چیده و قطع کند.

مسأله ۲۰۹- آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به محرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است.

مسأله ۲۱۰- اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد.

بیست و چهارم: جایز نیست سلاح در بر داشتن مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت.

و همراه داشتن سلاح اگر بگونه‌ای باشد که عرفاً مسلّح به حساب بیاید حرام است و اگر مسلّح بودنصدق نکند اشکال ندارد و دلیلی هم بر کراهت آن قائم نشده است.

«مسائل متفرقه محرمات احرام»

مسأله ۲۱۱- اگر مُحرم در حال احرام برای سردرد دستمالی به دور سر ببندد اگر چه تمام سر را بگیرد کفاره ندارد.

مسأله ۲۱۲- آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنابر این اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده برود

ص:۶۱

و به ناچار مُحرمین از زیر پلها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شود و مُحرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد.

مسأله ۲۱۳- شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

مسأله ۲۱۴- پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد.

مسأله ۲۱۵- در شب، استظلال نیست بنابر این جایز است مُحرم در شب با ماشین سقف‌دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر بطوری تیره باشد که استظلالصدق نکند.

مسأله ۲۱۶- جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر مُحرم شود ولی اگر زیر سقف سفر می‌کند باید کفاره بدهد.

مسأله ۲۱۷- تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

مسأله ۲۱۸- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرق است بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و بین سایه ثابت مثل پل و تونل و غیره بنابراین حرمت استظلال سایه ثابت را شامل نمی‌شود لذا مُحرم می‌تواند از زیر پُلها و تونل‌هایی که

ص:۶۲

در جاده‌ها هست عبور کند، ولی در حرام بودن استظلال فرقی بین اجبار و اختیار نیست.

مسأله ۲۱۹- بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند می‌تواند برای رفتن به مسجدالحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.

س ۱- آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج- از مُحرمات احرام محسوب نیست.

س ۲- آیا شوهر پس از مُحل شدن می‌تواند زوجه مُحرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج- بر مرد مزبور منعی نیست، و حُرمت در زن محل اشکال است اگر چه لذت می‌برد.

س ۳- فردی که از احرام در آمده، زنش را که مُحرم است می‌بوسد اگر چه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج- تحقّق حرمت برای هیچکدام از آنها ثابت نیست و کفّاره هم بر هیچیک از آنها لازم نیست.

س ۴-صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارند، آیا می‌شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم ندارند.

ج- چنانچه از انواع طیب‌های مُحرّم (از قبیل مشک و زعفران

ص:۶۳

و کافور و عود و عنبر) در او بکار رفته باشد استفاده از آن جایز نیست و در غیر اینصورت احتیاط واجب در ترک است.

س ۵- حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می‌شود برای مُحرم چهصورت دارد؟

ج- حکم همیان را دارد یعنی اگر مُحرم بتواند محفظه دوخته نشده تهیّه کند نمی‌تواند از محفظه دوخته شده استفاده کند ولی دست گرفتن آن مانع ندارد.

س ۶- در مورد نظر کردن در آینه، گاهی نگاه می‌کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلًا برای علاج دردی، آیا برای مُحرم فرق می‌کند و یا یکسان است؟

ج- احوط، اجتناب است در همه موارد ذکر شده در سؤال، درصورتیکه ضرورتی نباشد.

س ۷- در حال احرام عده‌ای از همدیگر عکس می‌گیرند، و در دوربین عکاسی که آینه است و یا حالت شفاف و آینه مانندی دارد نظر می‌کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج- نظر در آینهصدق نمی‌کند و اشکال ندارد.

س ۸- آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج- قسم به غیر خدا و به غیر اسماءاللّٰه از مُحرّمات احرام نیست.

س ۹- بعضی به علت عرق سوز شدن بدن، احتیاج به پمادی

ص:۶۴

دارند که چربی دارد، آیا مُحرم می‌تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج- نمی‌تواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت، مگر آنکه بوی خوش داشته باشد، که حرام است و کفاره آن بنابر احتیاط یک گوسفند است.

س ۱۰- در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر وصورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج- فرقی نمی‌کند به شرط آنکه دست کشیدن عمدی باشد.

س ۱۱- اگر غیر مُحرم از مُحرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر مُحرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج- نسبت به مُحل مطلقاً کفّاره‌ای نیست و نسبت به مُحرم اگر در موقع ازاله بی‌اختیار بوده و یا اسناد ازاله به مُحرم ولو تسبیباً محرز نباشد کفّاره ندارد.

س ۱۲- مُحرم سرش تر است، اگر بخواهدصبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، آیا وظیفه‌اش تیمم است؟

ج- اگر نمی‌تواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.

س ۱۳- کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای

ص:۶۵

عمره مفرده مُحرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟

ج- ضرر به عمره مفرده ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد.

س ۱۴- کسی که از تنعیم مُحرم می‌شود استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج- چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.

س ۱۵- میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست می‌تواند در اتوبوس سقف‌دار سوار شود یا خیر، با توجه به اینکه محل سکونت او مکه است؟

ج- در فرض مذکور مانع ندارد.

س ۱۶- افرادی که از مسجد شجره مُحرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف‌دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستادند و می‌خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج- برای مدّتی که خواب بوده‌اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب

ص:۶۶

نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، کفاره واجب است.

س ۱۷- در حال احرام وقتی ماشینهای بی‌سقف حرکت می‌کند و سفر انجام می‌شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، درصورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟

ج- مانع ندارد.

س ۱۸- آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می‌شود؟

ج- فرق نمی‌کند.

س ۱۹- آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می‌باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلالصدق می‌کند؟

ج-صدق نمی‌کند.

س ۲۰- آیا استظلال فقط مربوط به سقف می‌باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می‌شود؟

ج- شامل نمی‌شود.

س ۲۱- در شهر مکه تونل‌هایی احداث کرده‌اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ متر می‌باشد آیا بعد از احرام عمره مفرده می‌شود داخل آن با اتومبیل سفر کرد با علم به اینکه مسقف است؟

ص:۶۷

ج- مانع ندارد حتّی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال ندارد.

س ۲۲- آیا مُحرم به محض وصول به مکه می‌تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج- مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.

س ۲۳- آیا گرفتن ناخن توسط مُحرم از غیر مُحرم جایز است؟

ج- اشکال ندارد.

س ۲۴- آیا مُحرم می‌تواند ناخن مُحرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

س ۲۵- کندن دندان که بر مُحرم حرام است مقصود دندان خودش می‌باشد یا شامل دندان غیر هم می‌شود؟ و در تقدیر حرمت درصورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج- شامل دندان غیر نمی‌شود، هر چند خون از آن بیرون آید.

س ۲۶- آیا در حال احرام می‌توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می‌کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج- اگر ضرورت دارد مانع ندارد، و کفاره هم ندارد.

س ۲۷- هرگاه مُحرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ص:۶۸

ج- باید دو کفاره بدهد مگر درصورت جهل و نسیان.

س ۲۸- در بین مردم معروف است که مُحرم نبایـد به کسـی دسـتور بدهـد، مثلًا نباید به کسـی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهیـد و بایـد خودش بردارد، آیـا اگر در حـال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکنـد گنـاه کرده است یـا نه؟ و درصورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

«مستحبات دخول حرم»

۱- همین که مُحرم به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضـرت حق جـلّ و علاـ یـا برهنه شـده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آنرا بجود.

«مستحبات دخول مکه معظمه»

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلّف غسل بنماید.

و هنگـامی که وارد مکه می‌شود بـا حـالت تواضع وارد شود، و کسـی که از راه مـدینه برود از بالاـی مکه داخل شـده و وقت بیرون آمدن از

ص:۶۹

پایین آن بیرون آید.

«آداب دخول مسجدالحرام»

مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگـام ورود از درب «بنی شـیبه» وارد شود و گفته‌انـد که باب بنی شـیبه در حال کنونی مقابل باب‌السـلام است بنابر این نیکو این است که شخص از باب‌السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.

و مستحب است بر درب مسجدالحرام ایستاده، بگوید:

«السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلی أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلی إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ.»

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَی اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَخَیْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ، السَّلَامُ عَلی أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلی خَلِیلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلامُ

ص:۷۰

عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ، السَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلی عِبَادِ اللّهِ الصَّالِحِینَ، اللّهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی إبْرَاهِیمَ وآلِ إبْرَاهِیمَ إنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ اللَّهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ اللَّهُمَّصَلِّ عَلی إبْرَاهِیمَ خَلِیلِکَ وَعَلی أَنْبِیَائِکَ وَرُسُلِکَ وَسَلِّمْ عَلَیْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَاسْتَعْمِلْنِی فِی طَاعَتِکَ وَمَرْضَاتِکَ وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإیمَانِ أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِکَ، الْحَمْدُ للّهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ وَجَعَلَنِی مِمَّنْ یَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِی مِمَّنْ یُنَاجِیه، اللَّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ وَزَائِرُکَ فِی بَیْتِکَ وَعَلی کُلِّ مَأْتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَیْرُ مَأْتِیٍّ وَأَکْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُکَ یَا اللّهُ یَا رَحْمنُ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللّهُ لَاإلهَ الَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَاشَرِیکَ لَکَ بِأَنَّکَ وَاحِدٌ احَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ (لَکَ خ. ل) کُفُواً أَحِدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَصَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَعَلی أَهْلِ بَیْتِهِ یَا جَوادُ یَا کَرِیمُ یَا مَاجِدُ یَا جَبَّارُ یَا کَرِیمُ أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إیَّایَ بِزِیَارَتِی إیَّاکَ أَوَّلَ شَیْءٍ تُعْطِینِی فَکَاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ.»

پس سه مرتبه می گوید:

ص:۷۱

«اللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ.»

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلَالِ الطَّیِّبِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ شَیَاطِینِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ فِی مَقَامِی هَـذَا وَفِی أَوَّلِ مَنَاسِکِی أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی وَأَنْ تَضَعَ عَنِّی وِزْرِی، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّ هَـذَا بَیْتُکَ الْحَرَامُ الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً مُبَارَکاً وَهُدًی لِلْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ وَالْبَیْتَ بَیْتُکَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأَؤُمُّ طَاعَتَکَ مُطِیعاً لِأَمْرِکَ رَاضِیاً بِقَدَرِکَ أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْفَقِیرِ إِلَیْکَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِکَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَمَرْضَاتِکَ.»

بعد خطاب می کند بسوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَظَّمَکِ وَشَرَّفَکِ وَکَرَّمَکِ وَجَعَلَکِ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً مُبَارَکاً وَهُدًی لِلْعَالَمِینَ.»

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَاإِلَهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَاشَرِیکَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ

ص:۷۲

وَالْعُزَّی وَبِعِبَادَةِ الشَّیْطَانِ وَبِعِبَادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعَی مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لَاأَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ وَلَا إِلهَ الَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ، اللَّهُ أَکْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَکْبَرُ مِمَّا أَخْشَی وَاحْذَرُ، لَاإِلهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ وَیُحْیِی وَهُوَ حَیٌّ لَایَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیر، اللَّهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ کَأَفْضَلِ مَاصَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَتَرحَّمْتَ عَلی إِبْرَاهِیمَ وآلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ، وَسَلَامٌ عَلی جَمِیعِ النَّبِیِّینَ وَالْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی اومِنُ بِوَعْدِکَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَکَ وَأَتَّبِعُ کِتَابَکَ.»

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، وصلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که عمل تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

اللَّهُمَّ أَمَانَتِی أَدَّیْتُهَا وَمِیثَاقِی تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتَابِکَ وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَصَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ

ص:۷۳

اشْهَدُ أنْ لَاإِلَهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَاشَرِيکَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْکَ بَسَطْتُ يَدِی وَفِيمَا عِنْدَکَ عَظُمَتْ رَغْبَتِی فَاقْبَلْ سُبْحَتِی وَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی، اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْیِ فِی الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.»

«مستحبات دیگر مکه معظمه»

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَرِزْقاً وَاسِعاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.»

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ.»

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخولصبح دو طواف،

ص:۷۴

و بعد از ظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد وشصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود خصوصاً کسی که سفر اوّل اوست و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِناً فَآمِنِّی مِنْ عَذَابِ النَّارِ.»

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد در رکعت اوّل بعد از حمد، «حم سجده» و در رکعت دوّم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَو اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَإِلَیْکَ یَا سَیِّدِی تَهْیِئَتِی وَتَعْبِئَتِی وَإِعْدَادِی وَاسْتِعْدَادِی رَجَاءَ رِفْدِکَ وَنَوَافِلِکَ وَجَائِزَتِکَ، فَلَا تُخَیِّبِ الْیَوْمَ رَجَائِی یَا مَنْ لَایَخِیبُ عَلَیْهِ سَائِلٌ وَلَا یَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّی لَمْ آتِکَ الْیَوْمَ بِعَمَلٍصَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلکِنِّی أَتَیْتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ

ص:۷۵

وَالْإِسَاءَةِ عَلی نَفْسِی فَإِنَّهُ لَاحُجَّةَ لِی وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُکَ یَا مَنْ هُوَ کَذلِکَ أنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِیَنِی مَسْأَلَتِی وَتَقْلِبَنِی بِرَغْبَتِی وَلَا تَرُدَّنِی مَجْبُوهاً مَمْنُوعاً وَلَا خَائِباً یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ أَرْجُوکَ لِلْعَظِیم، أَسْأَلُکَ یَا عَظِیمُ أنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ لَاإِلهَ الَّا أَنْتَ.»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ اکْبَرُ» بگوید پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَاتَجْهَدْ بَلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّکَ أَنْتَ الضَّارُ النَّافِعُ.»

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

ص:۷۶

فصل پنجم:

«در طواف واجب و بعضی از احکام آن»

کسی که مُحرم شد به احرام عمره و وارد مکه معظمه شد اوّل چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف بکند به دور خانه کعبه برای عمره.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۲۰- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

مسأله ۲۲۱- طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.

مسأله ۲۲۲- چنین کسی که عمره خود را باطل کرد، تا طواف و سعی و تقصیر را انجام ندهد از احرام خارج نمی‌شود.

مسأله ۲۲۳- اگر از روی سهو ترک کرد طواف را، لازم است آنرا بجا آورد هر وقت که باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند

ص:۷۷

برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

مسأله ۲۲۴- اگر سعی را بجا آورده پیش از آنکه طواف را بجا آورد احتیاط واجب آن است که سعی را هم بجا آورد، و اگر نماز طواف را بجا آورده باید آنرا هم بعد از طواف اعاده کند.

مسأله ۲۲۵- اگر شخص مُحرم بواسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند و بهتر است درصورت امکان به هنگام طواف پاهای او به زمین کشیده شود و اگر امکان ندارد او را بدوش بگیرند یا بر تخت بگذارند و طواف دهند و اگر آنهم ممکن نباشد باید برای او نایب بگیرند.

مسأله ۲۲۶- شخص مریض را که طواف می‌دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

«در واجبات طواف»

و آن دو قسم است:

قسم اوّل- چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اوّل: نیت است یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد و نیز نیت کند که هفت دور طواف خانه کعبه انجام می‌دهم برای عمره مفرده.

ص:۷۸

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۲۷- نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را بجا آورد و با این بنا بجا آورد، کفایت می کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همانطور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور بجا آورد با نیت بجا آورده.

مسأله ۲۲۸- باید عبادت را برای اطاعت خدا بجا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند بجا آورد.

مسأله ۲۲۹- اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره که عبادی است ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن بجا آورد طواف او و همینطور هر چه را اینطور بجا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

مسأله ۲۳۰- ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی‌شود.

مسأله ۲۳۱- کفایت می کند درصحیح بودن عمل آنکه برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.

ص:۷۹

مسأله ۲۳۲- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوّم: آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۳۳- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف نساء.

مسأله ۲۳۴- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً یا جهلًا طواف مستحب کردصحیح است.

مسأله ۲۳۵- طواف- یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن- مستحب است، و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است.

و در این طواف طهارت شرط نیست.

مسأله ۲۳۶- اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.

مسأله ۲۳۷- اگر در اثنای طواف حدث اصغر عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند.

ص:۸۰

مسأله ۲۳۸- اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث عارض شود چنانچه بعد از گذشتن از نصف و قبل از اکمال شوط چهارم باشد احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، بلکه بطلان آن خالی از قوّت نیست امّا اگر قبل از تمامیّت نصف طواف باشد اقوی بطلان طواف است.

مسأله ۲۳۹- اگر در اثنای طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجدالحرام بیرون رود، پس اگر پیش از نصف طواف باشد بعد از غسل باید طواف را اعاده کند ولی اگر بعد از نصف طواف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد باید بنابر احتیاط واجب بعد از غسل طواف قبلی را کامل و بعد از نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده نماید و اگر بعد از شوط چهارم باشد بعد از غسل طواف را کامل کند.

مسأله ۲۴۰- اگر عذری داشته باشد از وضو و غسل، و وقت طواف تنگ شود واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

مسأله ۲۴۱- اگر تیمم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اوّل کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

مسأله ۲۴۲- احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از

احکام عمره مفرده (آیت الله فاضل لنکرانی)،

ص:۸۱

وضو یا غسل مرتفع شودصبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.

مسأله ۲۴۳- اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

مسأله ۲۴۴- اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اوّل وضو بگیرد و در فرض دوّم غسل کند.

مسأله ۲۴۵- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آنرا بجا آورده یا نه یا شک کند با غسل آنرا بجا آورده یا نه طواف اوصحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسأله ۲۴۶- اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه، چنانچه قبل از شروع طواف هم نمی‌داند که آیا وضو داشته یا نداشته باید طواف را رها کند و وضو بگیرد و بنابر احتیاط واجب طواف را تمام کند و اعاده کند خواه بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن. و چنانچه بداند قبل از شروع طواف وضو داشته بنابر طهارت بگذارد و طواف را تمام کند قبل از دور چهارم باشد یا بعد از آن و اگر بداند قبل از شروع طواف وضو نداشته باید طواف را رها کند و وضو بگیرد و آنرا اعاده کند قبل از دور چهارم باشد یا بعد از آن.

ص:۸۲

مسأله ۲۴۷- در تمامصورت‌هایی که در شک گفته شد که بنابر طهارت بگذارد یا طوافشصحیح است، بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل بجا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.

مسأله ۲۴۸- اگر در اثنای طواف شک کند که غسل کرده از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بود و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را بجا آورد، و بنابر احتیاط واجب دوباره آنرا اعاده کند و اگر قبل از شوط چهارم شک کرده بعد از غسل طواف را اعاده کند.

مسأله ۲۴۹- اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مأیوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون بجا آوردن غسلهایی که بر او لازم است می‌تواند وارد مسجدالحرام شود و طواف کند، بنابر این به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجدالحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوّم: طهارت بدن و لباس است از نجاست.

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۲۵۰- ظاهر آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده

ص:۸۳

مثل خون، کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خوانـد، مثل عرقچین و جوراب بایـد اجتناب کند ولی در انگشتر و ساعت و حلقه و مانند آنها که ثوب به آنهاصدق نمی‌کند طهارت شرط نیست.

مسأله ۲۵۱- در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

مسأله ۲۵۲- در خون قروح و جروح تـا آن انـدازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لبـاس را عوض کرد لازم است تطهیر کنـد یا جامه را عوض کند.

مسأله ۲۵۳- احتیـاط آن است که اگر می‌توانـد تأخیر بینـدازد طواف را، تا بشود بی‌مشـقت تطهیر کرد، تأخیر بینـدازد به شـرطی که وقت تنگ نشود.

مسأله ۲۵۴- اگر طـواف کنـد و بعـد از آنکـه از طـواف فـارغ شـود علـم پیـدا کنـد به نجـاست در حـال طـواف، اظهر آن است که طوافشصحیح است.

مسأله ۲۵۵- اگر شک داشـته باشـد که لباسـش یا بـدنش نجس است می‌توانـد با آن حال طواف کنـد، وصـحیح است چه بداند که پیشتر از این پاک بوده یا ندانـد، لکن اگر بدانـد که پیشتر نجس بوده و ندانـد که تطهیر شـده است نمی‌تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسأله ۲۵۶- اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض

ص:۸۴

شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند، و طواف اوصحیح است.

مسأله ۲۵۷- اگر در بین طواف نجاستی در بـدن یا لباس خود ببینـد و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً حکم مسأله هفتم را دارد.

مسأله ۲۵۸- اگر در بین طواف علم پیـدا کنـد که نجـاست به بـدن یا لباس او از اوّل بوده، ظاهراً طوافشصـحیح است اگر چه احتیاط مسـتحبی آن است که طواف را رها کنـد و تطهیر کنـد، و از همانجا بقیه طواف را تمام کنـد و بعد از آن طواف را اعاده کند، و در اینصورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند. و نماز طواف را نیز اعاده کند.

مسأله ۲۵۹- اگر فراموش کنـد نجاست را و طواف کنـد، احتیاط واجب اعاده است، و همینطور است اگر در بین طواف یادش بیاید، ولی اگر بعد از نماز یادش بیاید فقط نماز طواف را اعاده کند و اعاده طواف لازم نیست.

چهارم: ختنه کردن است در حق مردان و بچّه‌های ممیّز و این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که درباره بچه‌های غیر ممیّز هم مراعات شود.

مسأله ۲۶۰- اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را مُحرم کنند احرام اوصحیح است ولی طواف اوصحیح نیست، امّا

ص:۸۵

اگر غیر ممیّز باشد بنابر احتیاط واجب طوافشصحیح نیست، پس اگر مُحرم به احرام عمره مفرده شود چون طواف نساء او باطل است بنابر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می‌شود مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آنکه نایب برای او بگیرند تا طواف کند، گرچه نیابت قبل از ختنهصحیح نیست.

مسأله ۲۶۱- اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف اوصحیح است.

پنجم: ستر عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس بنابر احتیاط واجب با ساتر غصبی طوافصحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنابر احتیاط مستحب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنماید.

مسأله- احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف واجب بکند، یعنی در بین دورهای طواف آنقدر طول ندهد که ازصورت یک طواف خارج شود.

قسم دوّم- چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، گرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است:

اوّل: آنکه ابتدا کند به حجرالاسود.

ص:۸۶

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۶۲- آنچه که برایصحت طواف لازم است آن است که شروع و ختم طواف عند العرف از حجر و محاذی حجر باشد و می‌تواند برای یقین به حصول این معنی از باب مقدّمه علمیّه کمی قبل از حجرالاسود نیّت کند انجام طوافی را که شروعش از حجر و ختمش به حجر باشد و از همانجا دورهای طواف را آغاز و در پایان کمی پس از حجر ختم کند.

مسأله ۲۶۳- در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجرالاسود» بدون دقتهایصاحبان وسوسه، شروع کنند. و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود.

مسأله ۲۶۴- گاهی دیده می‌شود که اشخاص نادان در هر دوری که می‌زنند می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

دوّم: ختم نمودن هر دوری است به حجرالاسود و این حاصل می‌شود به اینکه بدون توقف، هفت دور را ختم کند به طوری که عرفاً بگویند به حجر ختم کرده است و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهّال را نباید بکنند.

سوّم: آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپِ طواف کننده واقع شود.

ص:۸۷

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۶۵- لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً بشانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.

مسأله ۲۶۶- اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود.

مسأله ۲۶۷- گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می‌کند، و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل است، و اگر طواف نساء را اینطور بجا آورد زنها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

مسأله ۲۶۸- احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند دور بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن

ص:۸۸

به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه بطوریکه خلاف متعارف و خلاف تقیّه نباشد و موجب انگشت نمایی نشود مانع ندارد، گرچه احتیاط در ترک آن است.

مسأله ۲۶۹- اگر بواسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد مثل آنکه روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.

مسأله ۲۷۰- اگر بواسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود، بردند و دور دادند کفایت نمی‌کند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده.

مسأله ۲۷۱- در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و می‌تواند بدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند، لکن بهتر آن است که بطور میانه‌روی برود.

جهارم: داخل کردن حِجر اسماعیل علیه السلام است در طواف، و حجر اسماعیل محلّی است که متّصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۷۲- اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید اعاده کند.

ص:۸۹

مسأله ۲۷۳- اگر عمداً اینکار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

مسأله ۲۷۴- اگر سهواً اینکار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

مسأله ۲۷۵- اگر در بعضی از دورها، حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد اظهر آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده طواف لازم نیست.

مسأله ۲۷۶- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله چهارم عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی‌کند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم: بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۷۷- مراد از اینکه طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و ما بین مقام و خانه چنانچه گفته‌اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همینقدر بیشتر دور نباشد.

مسأله ۲۷۸- اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام

ص:۹۰

ابراهیم هم داخل طوافش شود، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

مسأله ۲۷۹- اگر بعضی از دورها رااز پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء.

مسأله ۲۸۰- در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ نمی‌شود زیرا در هیچ روایتی به آن اشاره نشده بنابر این حدّ مطاف در طرف حجر اسماعیل علیه السلام از دیوار حجر تقریباً ۵/ ۲۶ ذراع است مانند سایر اطراف کعبه.

ششم: خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۸۱- در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آنرا «شاذروان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آنرا هم داخل قرار دهد.

مسأله ۲۸۲- اگر کسی در بعضی از احوال بواسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید آن را اعاده کند.

مسأله ۲۸۳- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که

ص:۹۱

شاذروان است بنابر احتیاط واجب جایز نیست، و به طواف ضرر می‌رساند و باید همان قسمت را اعاده کند.

مسأله ۲۸۴- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام بنابر احتیاط واجب جایز نیست و به طواف ضرر می‌رساند و باید همان قسمت را اعاده کند.

هفتم: آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتر.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۸۵- اگر از روی عمد، طواف کننده از اوّل قصد کند کمتر از هفت دور بجا آورد و یا بیشتر بجا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند.

مسأله ۲۸۶- اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده بنابر احتیاط اصل طواف باطل و هر چه به این قصد عمل کرده باطل است و باید اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر آورد اصل طواف باطل می‌شود.

مسأله ۲۸۷- اگر از اوّل قصد کند که هشت دور بجا آورد لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرّک یا مقصد دیگر باشد طواف اوصحیح است.

ص:۹۲

مسأله ۲۸۸- اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همانطور که هفت دور واجب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یکدور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف اوصحیح است.

مسأله ۲۸۹- اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور بجا آورد طوافشصحیح است.

مسأله ۲۹۰- اگر کم کند از طواف واجب، چه یکدور یا کمتر یا بیشتر از یکدور، از روی عمد واجب است آنرا اتمام کند، و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده- که در مسائل فصل قبل گذشت- به احتیاط واجب، و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.

مسأله ۲۹۱- اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می‌آید.

مسأله ۲۹۲- اگر سهواً از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را درصورتی که فعل کثیر نکرده باشد، والا احتیاط مستحب اتمام و اعاده است، در جایی که فعل کثیر انجام داده باشد.

مسأله ۲۹۳- اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، لکن احتیاط استحبابی به تمام کردن طواف ناقص و اعاده آن است.

ص:۹۳

مسأله ۲۹۴- اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد، و چون بین اجزای طواف فاصله زیاد شده و موالات بهم خورده احتیاط استحبابی در اتمام و اعاده است.

مسأله ۲۹۵- در طواف واجب، قران جایز نیست بلکه موجب باطل شدن طواف می‌شود، یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است.

مسأله ۲۹۶- اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است.

مسأله ۲۹۷- در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اوّل را اعاده کند، و اگر بعد از تمام شدن، قصد بجا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اوّل، زیاده را آورد اقویصحت طواف اوّل است، و احوط اعاده است.

مسأله ۲۹۸- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است، قطع کند آن را و طوافشصحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد

ص:۹۴

قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و بنابر احتیاط واجب دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اوّل را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اوّل یا طواف دوّم است.

مسأله ۲۹۹- جایز است قطع طواف نافله را بـدون عـذر و اقوی جواز قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و بهتر قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه بهم بخورد.

مسأله ۳۰۰- اگر بـدون عـذر طواف را قطع کرد احوط آن است که اگر چهار دور بجا آورده باشـد طواف را تمام کنـد و بعد اعاده کند، و این درصورتی است که منافی بجا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه بهم بخورد.

مسأله ۳۰۱- اگر طواف را قطع کند و منافی بجا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طوافشصحیح است.

مسأله ۳۰۲- اگر در بین طواف عـذری برای اتمام آن پیـدا شـد مثل مرض یا حیض یا حـدث بی‌اختیار، پس اگر بعـد از تمام شـدن چهار دور بوده بعـد از رفع عـذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از رسیدن به نصف طواف بوده طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشـته و قبل از اتمام شوط رابع بوده احتیاط واجب آن است که بعـد از رفع عـذر طواف را تمام کند و بعد از نماز آن را اعاده کند.

ص:۹۵

مسأله ۳۰۳- اگر شخصی که بخاطر مرض طواف را قطع کرده نتوانست بجا آورد تا آنکه وقت تنگ شد اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند و بنابر احتیاط واجب نایب باید همه طواف را انجام دهد.

مسأله ۳۰۴- اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همانجا طواف را تمام کند، والا اعاده کند.

مسأله ۳۰۵- جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۲۰ عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

مسأله ۳۰۶- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور بجا آورده یا نه یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه درصورت اوّل اعتنا نکند و طوافشصحیح است ولی درصورت دوّم اگر داخل در نماز طواف نشده عدم اعتنا به شک خالی از اشکال نیست لذا نباید احتیاط ترک شود.

مسأله ۳۰۷- اگر بعد از طواف شک کند کهصحیح بجا آورده آن را یا نه مثلًا احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا مُحدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش

ص:۹۶

صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، درصورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

مسأله ۳۰۸- اگر در آخر دور که به حجرالاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافشصحیح است.

مسأله ۳۰۹- اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.

مسأله ۳۱۰- اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

مسأله ۳۱۱- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل گذارد و طوافشصحیح است، امّا در طواف واجب باطل است.

مسأله ۳۱۲- شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

مسأله ۳۱۳- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

مسأله ۳۱۴- اگر مشغول سعی بینصفا و مروه شد و یادش آمد که طواف بجا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسأله ۳۱۵- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص بجا

ص:۹۷

آورده بایـد برگردد و طواف را از همانجـا که نـاقص کرده تکمیـل کنـد و برگردد تتمه سـعی را بجـا آورد و طواف و سعیشصـحیح است، لکن احتیاط واجب آن است که اگر کمتر از چهار دور بجا آورده طواف را تمام کنـد و اعاده نماید، و سـعی را در این فرض اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

مسأله ۳۱۶- اگر سـهواً یـا غفلتـاً یـا جهلًـا طواف را بی‌وضو بجـا آورد طوافش باطـل است، و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

مسأله ۳۱۷- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دوصحیح است.

مسأله ۳۱۸- در حال طواف تکلم کردن و خنـده نمودن و شـعر خوانـدن اشـکال نـدارد لکن کراهت دارد و مسـتحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسـأله ۳۱۹- واجـب نیسـت در حـال طـواف روی طـواف کننـده طرف جلـو باشـد بلکـه جـایز اسـت بـه یمیـن و یسـار نگـاه کند وصفحهصورت را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۳۲۰- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، ولی نباید

ص:۹۸

آنقـدر طول دهـد که موالات عرفیه بهم بخورد، و اگر آن قدر نشـست که موالات عرفیه بهم خورد احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

«مسائل متفرقه طواف»

مسأله ۳۲۱- در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت،صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

مسأله ۳۲۲- درصورت امکـان ولو در وقت خلوت بایـد طواف در حـد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شـش ذراع و نیم است باشـد و دورتر از آن حـد کفایت نمی‌کند؛ یعنی با ورود به مسـجدالحرام اگر بخاطر جمعیت زیاد نتواند در مطاف طواف کند باید منتظر بماند تا خلوت شود گرچه انتظار به شب یا روزهای بعد بیانجامد، و درصورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

مسأله ۳۲۳- هرگاه در طواف خانه خدا مثلًا در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی‌اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سـر بگیرد، و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد. ولی اگر قبل از اصلاح و تدارک آن چند قدم به طواف

ص:۹۹

ادامه دهد، آن چند قدم و هرچه از آن شوط بعد از آن انجام داده باطل است.

مسأله ۳۲۴- اگر در طواف بی‌اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است و باید طواف راصحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در اینصورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طوافشصحیح است.

مسأله ۳۲۵- اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به اینصورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید.

مسأله ۳۲۶- اگر طواف کننده در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

مسأله ۳۲۷- اگر کسی پس از انجام اعمال عمره فهمید که در طواف عمره چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، عمره اوصحیح است و بنابر احتیاط واجب آن چند شوط را اعاده کند و پس از آن اصل طواف را هم اعاده کند.

ص:۱۰۰

س ۱- جوان ۱۷ ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مُحرم شده برای عمره مفرده آیا تکلیف او نسبت به اعمال عمره و طواف چیست؟

ج- باید خودش طواف کند و نایب هم بگیرد برای طواف و بعد از طواف خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایبش نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و درصورتی که دو طواف باهم انجام شود یا با فاصله اندکی که به مبادرت و موالات بین طواف و نماز لطمه وارد نشود هر دو طواف تمام بشوند و بعد از هر دو طواف خودش یک نماز بخواند کفایت می‌کند.

س ۲- اگر در اثنای طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج- اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند. و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

س ۳- کسی که بعد از تقصیر در عمره متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف

ص:۱۰۱

خوانده است، وظیفه او چیست؟

ج- طواف و نماز را اعاده کند و بنابر احتیاط سعی را نیز اعاده کند و عمره اوصحیح است.

س ۴- شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده و احتمال می‌دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلًا وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج- طواف اوصحیح است.

س ۵- اگر در اثنای طواف شک درصحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد؟

ج- اگر مسأله را می‌دانسته و می‌خواسته است عملصحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طوافصحیح است و در غیر اینصورت باطل است.

س ۶- اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفاره دارد یا نه؟

ج- باید عمل باطل شده را جبران کند و اگر طوافش باطل بوده احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد.

ص:۱۰۲

س ۷- کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله، طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل اوصحیح است یا خیر؟

ج- اگر طواف دوّم به قصد ما فی الذّمه «اعمّ از اتمام و اعاده» و به عنوان مقدّمه علمیّه برای یقین به برائت ذمّه بوده باشدصحیح است در غیر اینصورت احتیاطاً باید نقص طواف قبلی را تکمیل و نماز آنرا بخواند و سپس طواف و نماز و سعی را اعاده کند و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور عملصحیح است.

س ۸- کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طواف اوصحیح است یا خیر؟ و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر بجا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر بجا آورد، و با فرض جهل، ظاهر این است که اعمال مترتبهصحیح و از احرام خارج شده است.

س ۹- کسی در شوط آخر مُحدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است

ص:۱۰۳

و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیاصحیح است و وظیفه او چیست؟

ج- باید قسمتی از طواف را که بی‌وضو انجام داده با وضو بجا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند و سپس احتیاطاً سعی را اعاده کند مگر آنکه طواف دوّم را به قصد ما فی الذّمه «اعمّ از اتمام و اعاده» انجام داده باشد.

س ۱۰- کسی توهم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست، و چون نمی‌توانسته برگردد و تدارک کند، بقیه شوط تا محلّ تدارک را به قصد احتیاط و رجاء انجام می‌دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط اوصحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را بجا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طوافصحیح است یا خیر؟

ج-صحیح نیست.

س ۱۱- کسی در وقت طواف شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود، بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین بهصحّت طواف خود پیدا کرد آیا طواف اوصحیح است؟

ج-صحیح است.

س ۱۲- کسی در شوط چهارم از حجرالاسود تا اوّل حِجْر

ص:۱۰۴

اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اوّل شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته، و از حجرالاسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می‌شود؟

ج- اشکال دارد.

س ۱۳- کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می‌کنند و بلافاصله از نو شروع می‌کنند، طواف آنها چهصورت دارد؟

ج- اشکال دارد و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده بنابر احتیاط واجب باید آن را اتمام کنند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

س ۱۴- درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن اینکه متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مَطاف طواف می‌دهند؟

ج- احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگر چه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می‌کند.

س ۱۵- شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حِجْر اسماعیل علیه السلام می‌شود و بعد که متوجه شد برمی‌گردد و از همان جا که وارد حِجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می‌نماید، آیا طوافشصحیح است یا نه؟

ص:۱۰۵

ج- اشکال دارد. بلی، اگر پس از تـذکّر در حجر اسـماعیل از حجرالاسود شوط فاسـد را اتیان می‌کرد طوافش اشکال نداشت ولی بهتر آن است که طواف و نماز را اعاده کند.

س ۱۶- اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کنـد که شوط چنـدم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شدصحیح است؟

ج- اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.

س ۱۷- زنی بـا شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد، و با او ادامه داد و بعـد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او بجـای اینکه یـک شـوط دیگر بیـاورد تـا طـوافش کامـل شود، طواف را از سـر گرفت، آیـا طواف اوّل و دوّم زن چگونه است؟

ج- باطل است و باید طواف و نماز را اعاده کند.

س ۱۸- در مَطاف چیزهایی از افراد می‌افتـد از قبیل ساعت، احرامی و غیره، و کسانی که طواف می‌کنند پا روی آن می‌گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی‌شود؟

ج- موجب بطلان طواف نمی‌شود.

ص:۱۰۶

س ۱۹- اگر انسان می‌داند که پا گذاشتن روی احرامیِ دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج- به طواف ضرر نمی‌زند.

س ۲۰- شخصی طواف را از حجرالاسود شروع کرد، و در هر شوط به رکن یمانی که می‌رسید نیتِ ختم می کرد و از حجرالاسود نیت شوط بعد را می‌نمود و هفت شوط طواف را اینگونه تمام کرد به گمان اینکه ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- این طواف اشکال دارد، و باید اعاده شود.

س ۲۱- گاهی مأمورین نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم می‌دهند و همان طور توسعه می‌دهند تا انسان از مَطاف خارج می‌شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مَطافصحیح باشد یا بایدصبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج- اگر امکان دارد که در حد، طواف کند بایدصبر کند و در حد طواف کند، و در اینصورت طواف در خارج حدصحیح نیست. و افرادی که به طریق مذکور عمل کرده‌اند اگر از روی جهل بوده اعمال مترتبه بر طوافصحیح واقع شده و از احرام خارج شده‌اند امّا

ص:۱۰۷

طواف و نماز آن را بایـد اعاده کنند و بنابر احتیاط سعی را هم اعاده کنند و اگر کیفیّت مزبور در طواف نساء واقع شده باشد زن بر آنها حلال نشده است.

س ۲۲- کسی که از اوّل بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نـداده است، اگر به عمره مشرّف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیّه و مصارف در عمره بکند آیا برای عمره او ضرر ندارد؟

ج- اگر پول او از درآمـد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بـدون تخمیس حکم غصب را دارد که بنابر احتیاط واجب طوافصحیح نیست.

س ۲۳- شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن مُحرم شده، و طواف و نماز بجا آورد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره اوصحیح است، ولی درصورتی که جاهل مقصر باشد بنابر احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند.

س ۲۴- اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد آیا لازم است خمس آن را بدهـد و اگر نـداد طواف با آن چهصورت دارد؟

ج- با فرض شک لازم نیست خمس بدهد و طوافصحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.

س ۲۵- شخصی در سال گذشته که عمره خود را انجام

ص:۱۰۸

می‌داده، تنها نماز طواف را به گمان اینکه کفایت می‌کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- با فرض اینکه طواف عمره را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلش برگشته است باید طواف و نماز را اعاده کند و سعی را نیز بنابر احتیاط واجب بعد از آن انجام دهد.

س ۲۶- تعدادی مشغول طواف عمره بودند، که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده‌ها از مَطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه بهم خورده است، طواف را از سر گرفته‌اند، بفرمایید درصورتی که بهم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج- اشکال دارد.

س ۲۷- کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوطها طواف قطع شد مثل اوّل، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج- فرقی نیست.

س ۲۸- شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می‌تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج- اگر قبل از شوط چهارم و قبل از رسیدن به نصف طواف

ص:۱۰۹

بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده کند. و اگر از نصف گذشت و قبل از اتمام شوط رابع چنین عذری واقع شد احتیاط واجب آن است که بعد از رفع عذر طواف را تمام کند و بعد از نماز آن را اعاده کند، و اگر بعد از شوط چهارم بوده باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

س ۲۹- آیا بعض شوطهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

ج- باید آنها را با تخت و امثال آن طواف دهند اگر ممکن نباشد بنابر احتیاط واجب در همه طواف نیابت انجام شود.

س ۳۰- اگر جمعیت زیاد باشد بطوریکه عده‌ای از ضعفا نتوانند در مَطاف طواف کنند، آیا توسعه در مَطاف هست؟ و نیز خلف مقام که یا نمی‌شود نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصاً برای ضعفا نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می‌تواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود یا باید در حال احرام بماند تا مَطاف خلوت شود؟

ج- اگر می‌توانند ولو در وقت خلوت در مَطاف طواف کنند باید در حد آن طواف نمایند، و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد، وصبر لازم نیست.

س ۳۱- شخصی در اثنای طواف، مُحدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال را تمام کرده و به ایران

ص:۱۱۰

بازگشته، مستدعی است بفرمایید:

۱- عمره‌اش چه‌صورت دارد؟

۲- اگر اعاده لازم است، آیا می‌تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام دهد؟

ج- اگر با اعتقادصحت، اعمال را اتمام کرده عمره‌اش‌صحیح است و نسبت به اتمام یا اعاده طواف باید به تفصیلی که در مسأله ۵ و ۶ در شرط دوّم فصل پنجم بیان شده است عمل نمایند و اگر کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به‌صحت انجام شده در بعضی ازصور آنصحّت عمره مشکل است.

س ۳۲- ما در شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذانصبح به کعبه رسیدیم، و چون زائران قبلی مشغول نمازصبح بودند سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمیصبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد چون آب در دسترس خود نمی‌دیدم و جایی را نمی‌شناختم، تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل عمره من با این توصیفصحیح است یا نه؟

ج- با اینکه برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلًا برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیممصحیح نبوده است، و اگر عمل شما با اعتقاد به‌صحت بوده از

ص:۱۱۱

احرام خارج شده‌اید و باید طواف‌ها و نماز آنها را اعاده کنید و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نمایید، و اگر خودتان نمی‌توانید بروید باید نایب بگیرید.

س ۳۳- اگر کسی قبل از حجرالاسود طواف را شروع نمود و به همانجا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج- بلی، طواف باطل است.

س ۳۴- اگر در هنگام خروج از مَطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را به قصد جزئیت بجا بیاورد، آیا مُبطل طواف است؟

ج- اگر عمدی باشد مُبطل است، و درصورت سهو قطع کند، و طوافشصحیح است.

س ۳۵- شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج- اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند. و اگر قصد هفت شوط را هم در ابتدا داشته و عمداً یا با جهل تقصیری طواف را به این کیفیت انجام داده باشد باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

ص:۱۱۲

س ۳۶- کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج- با فرض بقای عذر و عدم امکان طواف دادن او نیابتصحیح است ولی بنابر احتیاط واجب باید در همه طواف نیابت گرفته شود.

س ۳۷- آیا می‌شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر بهم زد و آن را کأن لم یکن دانست، و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج- قطع مانع ندارد، ولی قبل از فوات موالات نمی‌توان آن را از سر گرفت.

س ۳۸- کسی که از طواف حتی در خارج مَطاف عاجز است و بخاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی‌کند؟

ج- اگر از طواف با تخت روان نیز معذور یا برایش حرجی باشد نایب بگیرد.

س ۳۹- اگر کسی یک شوط طواف را از درون حِجْر بجا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج- باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند و بنابر احتیاط واجب سعی را نیز اعاده کند و اگر با اعتقادصحّت بوده بقیه

ص:۱۱۳

اعمالصحیح است.

س ۴۰- در مواردی که شخص شک در اشواط کند حکم به بطلان طواف می‌فرمایید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اوّل شش شوط داشته، و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- طواف دوّم محکوم بهصحّت است همان را به اتمام رساند.

س ۴۱- بعضی به تصوّر اینکه طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده‌اند، آیا مُخل به طواف است؟

ج- اگر به قصد ۱۴ شوط طواف کرده، طوافش باطل است.

س ۴۲- اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آنرا ناقص انجام داد تکلیف چیست؟ و آیا انجام و یا تتمیم آن فوریت دارد؟

ج- درصورت اوّل بایـد قضا کنـد و بنابر احتیاط سـعی را نیز بعد از آن بجا آورد و درصورت دوّم چنانچه بیش از چهار شوط انجام داده طوافش را تکمیل کند و احتیاطاً سـعی را نیز اعاده کند و اگر کمتر از نصف طواف را انجام داده طواف و سـعی را اعاده کند و اگر کمتر از چهار شوط و بیشتر از نصف طواف را انجام داده احتیاط واجب آن است که تکمیل کند و سـپس طواف و نماز و سعی را اعاده کند.

س ۴۳- شخصـی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاءاً برای جبران نقص احتمالی بجا می‌آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می‌رساند؟

ص:۱۱۴

ج- ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی کند.

س ۴۴- شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند، یا طواف دیگری انجام دهد؟

ج- باید همین طواف را تکمیل کند و احتیاطاً سعی را اعاده کند.

س ۴۵- شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می‌بیند و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می‌نماید، آیا این طوافصحیح است؟

ج- اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و درصورتیکه با تطهیر موالات بهم نخورده باشد طواف را تکمیل کند و چنانکه با تطهیر موالات بهم خورده باشد اگر قبل از نصف طواف باشد طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از نصف طواف و قبل از چهار شوط باشد بنابر احتیاط واجب آنرا تمام کند و پس از نماز طواف دوباره طواف و نماز را اعاده کند و اگر بعد از چهار شوط باشد پس از تطهیر آنرا تکمیل کند و همچنین است اگر دستمال نجس یا متنجّس همراه او بوده باشد.

س ۴۶- شخصی در شوط دوّم طواف شک می کند که آیا طواف را به نیّت منوب عنه یا به نیت خود آغاز کرده است، وظیفه او چیست؟

ج- باید طواف را رها کند وصبر کند تا موالات عرفیه بهم بخورد

ص:۱۱۵

و بعد اعاده کند ولی بهتر است طواف را بهمان نیّتی که بوده تمام کند و بعد از نماز آنرا اعاده کند.

س ۴۷- شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای اینکه همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می‌شود، آیا این طوافصحیح است؟

ج- طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

س ۴۸- شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مَطاف انجام داد، و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- اگر ممکن نبوده ولو در وقت دیگر که در حد، طواف کند اشکال ندارد، و گرنه باید طواف و نماز اعاده شود و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نماید.

س ۴۹- کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیمم است اما از روی جهل، بدون تیمّم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج- طواف و نماز آن و احتیاطاً سعی را باید اعاده کند.

س ۵۰- شخصی شوط اوّل طواف را خارج از مَطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مَطاف آغاز نموده و بعد از طواف

ص:۱۱۶

اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج- مانع ندارد.

س ۵۱- کسی که اشتباهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همانجا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجرالاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مُضر به طوافش می‌باشد یا خیر؟

ج- طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دوصورت نیست.

س ۵۲- کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می‌دهد، یعنی جمعیت او را می‌برند، آیا می‌تواند از اوّل نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می‌برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج- باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.

س ۵۳- مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچهصحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت

ص:۱۱۷

نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

ج- این عملصحیح است.

س ۵۴- شخصی در عمره بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی وصحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج- طواف و سعی اوصحیح است، و اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

س ۵۵- شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اوّل و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالاسود شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحوصحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طوافصحیح است؟

ج-صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در اینصورتصوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

س ۵۶- کسی که به حدود مَطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک می‌کند که در مَطاف بوده است یا نه، آیا طوافشصحیح است یا نه؟

ج- اگر از اوّل در مَطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش

ص:۱۱۸

صحیح است. و اگر از اوّل شک دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی‌تواند به طواف مزبور اکتفا کند.

س ۵۷- شخصی در شوط اوّل طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می‌کند و مشغول نماز می‌شود و پس از نماز، طواف را از سر می‌گیرد و هفت شوط کامل بجا می‌آورد، آیا طواف اوصحیح است؟

ج- اگر موالات عرفیه بهم خورده طواف دوّمصحیح است والاّ باطل است و باید اعاده کند.

س ۵۸- شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می‌نماید و از این تماس ملتذذ می‌گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می‌کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- مضر به طواف نیست. امّا اگر موجب انزال شود طواف باطل است و کفّاره هم دارد.

س ۵۹- اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می‌تواند در ماههای بعد انجام دهد؟

ج- مانع ندارد.

س ۶۰- شخصی شوط اوّل طواف را در حالی که ناقص بوده رها می‌کند و پس از آن شش شوط دیگر بجا می‌آورد و بعد از آن نقیصه شوط اوّل را بجا می‌آورد، آیا طواف اوصحیح است؟

ص:۱۱۹

ج- اگر هنوز موالات عرفیه بهم نخورده باید نقصان شوط اوّل را جبران و اتمام کند و بنابر احتیاط اعاده هم بکند.

س ۶۱- اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج- اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

س ۶۲- شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اوّل طواف خسته شده و از مَطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همانجا که طواف را قطع نموده بود شروع می‌کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ج- اگر موالات بهم نخوردهصحیح است.

س ۶۳- آیا واجب است برای درك خلوتی مَطاف و طواف در محدوده بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد؟

ج- درصورت امکانِ طوافِ در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند ولو با تأخیر، گرچه به شب یا روزهای بعد برسد.

س ۶۴- آیا مُحرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره و چه طواف نساء، می‌تواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند؟

ج- مانع ندارد.

س ۶۵- شخصی در طواف عمره در اثر فشار احساس می‌کند

ص:۱۲۰

که لنگِ احرامش تر و نجس شـده ولی اعتنا نمی‌کند و با همان حال طواف را تمام می‌کند و نماز طواف و سـعی و تقصـیر را انجام می‌دهـد و به منزل می‌رود، بعد از بررسـی می‌بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می‌کند که در همـان حـال طواف چنین شـده است، بعـد از مراجعت به وطن به او می‌گوینـد باطل است، مسـتدعی است حکم اللّٰه را با توجه به اینکه نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده درباره این شخص بفرمایید، و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج- اگر در حال طواف، شـبهه داشـته و یقین نداشـته که نجس شـده و وضوی او باطل شـده، از احرام خارج شـده است، و فقط باید طواف و نماز و احتیاطاً سعی را اعاده کند هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد.

س ۶۶- آیـا یقین به هـل خـوردن در حین طـواف، مصـداق عـدم امکـان طـواف در محـدوده معین و مجوز برای تجـاوز به غیر این محدوده می‌شود یا خیر؟

ج- شامل نیست.

س ۶۷- شخصی غسل مسّ میت به گردنش بوده ولی بعد از اعمال عمره متذکر می‌شود، وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد- چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده- غسل جنابت کفایت می‌کند و عملش

ص:۱۲۱

صحیح است، والا باید طواف و نماز آن و احتیاطاً سعی را اعاده کند.

س ۶۸- مُحرمی است که مبتلاـ به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا می‌شود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی‌الجمله تخفیف پیدا می کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می‌شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج- حکم مبطون را دارد، و علی ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند، و بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد و همچنین است حکم در نماز طواف.

س ۶۹- مدتی است که به علت ابتلای به بیماری و در اثر عمل جراحی هنگام خروج مدفوع احساس نمی کنم و از کیسه مخصوصی استفاده می کنم، ولی چون به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم عمره تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

ج- اگر در طواف و نماز آن، رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارید بنمایید، عمل عمره شماصحیح است. لکن بنابر احتیاط واجب باید نایب هم بگیرید.

س ۷۰- شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلًا

ص:۱۲۲

کیسه‌ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لکن نه از مجرای بول بلکه از موضع جراحی که در پهلوی اوست، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

ج- حکم مسلوس را دارد.

س ۷۱- کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می‌کند، مقداری که می‌آید گمان می‌کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی‌گردد و نیت را به زبان می‌گوید و طواف را از نو شروع می‌کند، آیا طوافشصحیح است یا خیر؟

ج- اشکال دارد.

س ۷۲- به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال و اداء مناسک داده می‌شود، و بخصوص در طوافها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجاء چندین بار بجا می‌آورند ولو اینکه عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد وسواس هم نمی‌رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج- وسواس همین است، و نباید به وسوسه اعتنا شود، و در تکرار طواف و سعی در برخی ازصور موجب بطلان است اگر چه بدون وسواس هم باشد، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

س ۷۳- کسی که به جهتی طواف یا سعیش قطع می‌شود و به جلو می‌رود، می‌خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در

ص:۱۲۳

اثر ازدحام نمی‌تواند خود را به آنجا برساند و در مُحاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می‌گیرد، آیا می‌تواند از مُحاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج- لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه مُحاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

س ۷۴- قران که در طواف حرام است آیا طواف را باطل می‌کند یا خیر؟

ج- اگر از اوّل یا در اثنای طواف اوّل، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اوّل قصد قران کرده طواف باطل نمی‌شود.

س ۷۵- آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی بجا آورد و بعد نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

ج- استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبورصحیح است.

س ۷۶- معیار در کثیرالشک بودن در طواف چیست؟

ج- عرفی است.

س ۷۷- طواف کردن در محدوده ۵/ ۲۶ ذراع، و نماز خواندن پشت مقام هر چه نزدیکتر به مقام، آن طوری که در مناسک بیان

ص:۱۲۴

شده است، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف می‌کنند و دور از مقام نماز می‌خوانند انجام شود؟

ج- چنین چیزی نیست، و باید به وظیفه عمل شود.

س ۷۸- اینکه فرموده‌اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج- بلی، احتیاط به این است که قبلًا اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و سپس اعاده نماید.

س ۷۹- کسی که در سعی یا طواف عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که مُحرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مَخیط هم جایز است؟

ج- در فرض سؤال هیچیک از احرام یا لباس در نایب لزوم ندارد.

س ۸۰- شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

ج- اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک بجا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد درصورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث

ص:۱۲۵

از اوصادر شود یک وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد، و بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

س ۸۱- آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است با لباس احرام باشد؟

ج- لازم نیست.

س ۸۲- هرگاه مُحرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلًا یا عمداً، آیا طواف و سعی اوصحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟

ج- طواف و سعی مزبورصحیح، و عمره مذکور مُجزی است.

س ۸۳- هرگاه مُحرم به احرام عمره جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد، آیا طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است؟

یا باید نایب هم بگیرد؟

ج- نایب گرفتن لازم نیست.

س ۸۴- شخصی در عمره طواف را تمام کرده است، ولی می‌گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اوّل بجا می‌آورد و نماز و سعی بجا می‌آورد و تقصیر می‌کند، آیا عملشصحیح است یا نه؟

ج- عمل اوصحیح است.

س ۸۵- اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ص:۱۲۶

ج- مانع ندارد.

س ۸۶- کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می‌کند، و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.

س ۸۷- کودک نابالغی با اذن پدر مُحرم شد و طواف را نیمه کاره به تصوّر اینکه همین مقدار کافی است رها کرده و سعی را نیز از طبقه دوّم انجام داده است، تکلیف چیست؟

ج- اگر از اوّل قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

س ۸۸- کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری بجای او بقیه را بجا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خوانده و بعداً متوجه شده است که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی‌رساند و او با استراحت می‌توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج- بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.

س ۸۹- شخصی طواف خود را بهم می‌زند و طواف دوّم را شروع می‌کند، آن را نیز بهم می‌زند و طواف سوّم را آغاز کرده به

ص:۱۲۷

اتمام می‌رساند، وظیفه او چیست؟

ج- اشکال دارد و باید طواف را اعاده کند ولی اگر بعد از قطع طواف دوّمصبر کند تا موالات عرفیه بهم بخورد و سپس طواف سوّم را شروع کند و به اتمام برساند طواف سوّمصحیح است.

س ۹۰- اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجرالاسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجرالاسود شروع کرد و هفت شوط کامل بجا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ج- طواف مزبور باطل است، و باید تدارک شود.

س ۹۱- گاهی انسان شک می‌کند که این شوط طوافم بهم خورد یا نه، آیا می‌شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج- به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود، و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً اشکال رفع نمی‌شود.

س ۹۲- شخص در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شوط اوّل و ۵ متر در شوط سوّم بی‌اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج- باید از همانجایی که در شوط اوّل طواف را خراب کرده

ص:۱۲۸

طواف را تصحیح و اتمام و احتیاطاً اعاده هم بکند و اگر موالات عرفیه بهم خورده ظاهراً همان اعاده کافی است.

س ۹۳- شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج- ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثناء نکرده معتبر است.

س ۹۴- آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ج- بلی شرط است.

س ۹۵- مُحرم وارد مکه شد، آیا می‌تواند قبل از اعمال عمره طواف مستحبی بجا آورد یا خیر؟ و اگر بجا آورد به عمره‌اش ضرر می‌زند یا نه؟

ج- احوط ترک طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره ضرر نمی‌زند.

س ۹۶- آیا می‌شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین بجا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر بجا آورد؟

ج- نیابت در یک شوطصحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

س ۹۷- آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب بجا آورد یا نه؟

ص:۱۲۹

ج- جایز نیست مگر در مورد ضرورت.

س ۹۸- آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجدالحرام می‌توان نماز آنرا خواند؟

ج- حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.

«آداب و مستحبات طواف»

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشَی بِهِ عَلی ظُلَلِ الْمَاءِ کَمَا یُمْشَی بِهِ عَلی جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِکَتِکَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَکَذَا.»

وبه جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّی إِلَیْکَ فَقِیرٌ وَإِنِّی خَائِفٌ مُسْتَجِیرٌ فَلَا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِی.»

ص:۱۳۰

وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:

«سَائِلُکَ فَقِیرُکَ مِسْکِینُکَ بِبَابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّهِ، اللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِی وَوَالِدَیَّ وَأَهْلِی وَوُلْدِی وَإِخْوَانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النَّارِ یَا جَوَادُ یَا کَرِیمُ.»

و وقتی به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّهَ وَأَجِرْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ وَعَافِنِی مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا ذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«یَا اللَّهُ یَا وَلِیَّ الْعَافِیَهِ وَخَالِقَ الْعَافِیَهِ وَرَازِقَ الْعَافِیَهِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِیَهِ وَالْمَنَّانُ بِالْعَافِیَهِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِیَهِ عَلَیَّ وَعَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ یَا رَحْمنَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَرَحِیمَهُمَاصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِیَهَ وَتَمَامَ الْعَافِیَهِ وَشُکْرَ الْعَافِیَهِ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.»

ص:۱۳۱

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی شَرَّفَکَ وَعَظَّمَکَ وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً وَجَعَلَ عَلِیّاً إِمَاماً اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیَارَ خَلْقِکَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِکَ.»

و چون میان رکن یمانی و حجرالاسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهَذَا مَکَانُ الْعَائِذِ بِکَ مِنَ النَّارِ.»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاءاللَّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعَافِیَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی وَاغْفِرْ لِی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی وَخَفِیَ عَلی خَلْقِکَ أَسْتَجِیرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.»

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالاسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَبَارِکْ لِی فِیمَا آتَیْتَنِی.»

ص:۱۳۲

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید: «أَمَانَتِی أَدَّیْتُهَا وَمِیثَاقِی تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوَافَاهِ.»

ص:۱۳۳

فصل ششم:

«در نماز طواف است»

و در آن مسائلی است:

مسأله ۳۲۸- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نمازصبح.

مسأله ۳۲۹- می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند مگر سوره‌های سـجده، و مستحب است در رکعت اوّل بعد از «حمد» سوره «قل هو اللّٰه احد» را بخواند، و در رکعت دوّم سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

مسأله ۳۳۰- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نمازصبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

مسأله ۳۳۱- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و بایـد اعاده کنـد و ظنّ در افعال و رکعات نماز حجّت است. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

مسأله ۳۳۲- اقوی آن است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد.

مسأله ۳۳۳- واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود.

ص:۱۳۴

و اظهر آن است که پشت مقام بجا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود، و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیک‌تر بایستد، لکن نه بطوری که مزاحمت با سایرین کند.

مسأله ۳۳۴- اگر بواسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد بطوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند بواسطه دوری زیاد، در یکی از دو جانب بجا آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند.

مسأله ۳۳۵- اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را بجا آورد باید در پشت مقام با رعایت الاقرب فالاقرب بخواند و بهتر آن است که اگر در یکی از دو طرف می‌تواند نماز نزدیکتر به مقام نسبت به جانب پشت بخواند و عرفاً هم بر هیچکدام نماز در نزد مقامصدق نمی کند نماز را در آنجا اعاده کند و احتیاط بیشتر آن است که تا زمانی که وقت سعی ضیق نشده اگر امکان نماز در پشت مقام فراهم آمد نماز را در آنجا اعاده کند.

مسأله ۳۳۶- جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام که بخواهد بجا آورد اگر چه در حال اختیار، بلکه گفته‌اند که آنرا می‌تواند عمداً ترک کند.

مسأله ۳۳۷- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۶ به بعد ذکر شده عمل نماید.

ص:۱۳۵

مسأله ۳۳۸- اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بینصفا و مروه یادش بیاید از همانجا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همانجا تمام کند.

مسأله ۳۳۹- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد اگر چه احتیاط استحبابی در اعاده است.

مسأله ۳۴۰- اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را بجا آورد اگر چه در شهر دیگر باشد و می‌تواند نایب هم بگیرد و برگشتن به حرم لازم نیست اگر چه آسان باشد، لکن بهتر است که برگردد به حرم.

مسأله ۳۴۱- اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که آنرا قضا کند به نحوی که در کتاب «صلاهٔ» تفصیل داده شده است.

مسأله ۳۴۲- جاهل به مسأله در احکامی که برای ناسی ذکر شد شریک است با او.

مسأله ۳۴۳- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را بطورصحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به مکّه برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند اگر نماز او درست

ص:۱۳۶

نباشد عمره او باطل است، و بنابر این قول ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نشود.

مسأله ۳۴۴- اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلی اقتدا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.

مسأله ۳۴۵- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اوّل نماز یومیه را بخواند.

مسأله ۳۴۶- اگر کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد نماز را به هر نحو که می‌تواند باید بخواند وصحیح است، لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۱۷ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

«مسائل متفرقه نماز طواف»

مسأله ۳۴۷- نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجدالحرام جایز است بخصوص در موقع

ص:۱۳۷

ازدحام، مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

س ۱- کسی نماز طواف عمره را در داخل حِجْر اسماعیل بجا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟

ج- باید نماز را اعاده کند.

س ۲- شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی‌وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و مُحل شده است، وظیفه او چیست؟

ج- باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

س ۳- کسی که هر چه سعی نمود که موارد غیرصحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائتصحیح پیدا نکرد وظیفه‌اش چیست؟

ج- به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.

س ۴- در موقعی که شخص طواف می‌کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز اوصحیح است یا خیر؟

ج- اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.

س ۵- برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می‌خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می‌توانند نماز طواف عمره

ص:۱۳۸

را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست اقتدا کنند یا نه؟

ج- اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می‌شود.

س ۶- کسی که قرائتش درست نیست، آیا می‌تواند تبرعاً از کسی که طواف واجب بر عهده دارد نیابت کند و یا عمره انجام دهد؟

ج- نیابت چنین شخصیصحیح نیست هر چند تبرعی باشد، مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی‌الاعذار محسوب نباشد، که در اینصورت می‌تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

س ۷- افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمی‌توانند درست بگویند، در عمره نایب می‌شوند و عمره را به نیت منوب عنه انجام می‌دهند، بعد متوجه می‌شوند که نمی‌توانند نایب شوند. این افراد چگونه از احرام خارج می‌شوند، و برای عمره چه وظیفه‌ای دارند؟

ج- درصورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، هر چند به سالهای بعد بکشد لکن اگر بنظر عرفی به کلّی امکان تصحیح قرائت در او وجود نداشته و ندارد احرامش باطل بوده و مُحرم نشده است.

س ۸- کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکری که در نماز

ص:۱۳۹

می گوید درست است و نماز طواف را اعم از طواف عمره و نساء همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است آیا باید چه کند؟

ج- اگر احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازشصحیح است.

س ۹- چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است کهصف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه‌السلام می‌آید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر اینکه چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرمایید آیا حتماً نماز باید خَلْف مَقام و نزدیک آن باشد ولو به اینصورت، یا دورتر تا هر جا که می‌تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج- اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند ولو به کمک دیگران، و در مورد ضرورت، مقداری دورتر مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

س ۱۰- در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج- اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته مانع ندارد، و در غیر اینصورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

س ۱۱- آیا محمول نجس و متنجّسی که در طواف معفو

ص:۱۴۰

نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج- در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد. در محمول متنجّس اگر نمی‌توانـد با آن ستر عورت کنـد معفو است و اگر بتواند با آن ستر عورت کند و یا اعیان نجسه باشد محل اشکال است.

س ۱۲- بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر بجا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج- احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

س ۱۳- گـاهی در پشت مقـام ابراهیم علیه السـلام جمعیت زیـاد است، و چون زن و مرد کنـار هم قرار می‌گیرنـد احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می‌شوند، بدون اینکه ریبه و فسادی در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی‌رساند؟

ج- درصورت امکان باید رعایت عدم تقدم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود.

س ۱۴- احیاناً انسان می‌دانـد که اگر نماز طواف را شـروع کنـد، طواف کننـده‌ها می‌آیند و او را حرکت می‌دهند و جابجا می‌کنند، در عین حال نماز را شروع می‌کند، آیا اگر این نماز را تمام کند،صحیح است؟

ج- اگرصحیحاً تمام کند، مانع ندارد.

س ۱۵- در مناسک فرموده‌اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه‌اش را یاد بگیرد خصوصاً برای زیارت خانه

ص:۱۴۱

خدا، حال اگر کسی کوتاهی کرد و برای تعلم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت می کند و یا اینکه باید نایب بگیرد، و درصورتی که نیابت را لازم نمی‌دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج- اگر وقت ضیق شود به طوری که اگر بعد از طواف بخواهد نماز را یاد بگیرد موالات بین نماز و طواف فوت می‌شود، خودش هر طور می‌تواند بخواند.

س ۱۶- کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد می‌فرمایید نماز طواف را به همان کیفیت که می‌تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می‌تواند عمره مفرده مستحبی بجا بیاورد؟

ج- اشکال ندارد.

س ۱۷- شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

ج- باید نماز و سعی را بجا آورد، و با فرض جهل یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

س ۱۸- آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می‌شود؟

ج- باید خلف مقام باشد.

س ۱۹- اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با

ص:۱۴۲

اعتقاد بهصحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج- فقط نماز را باید اعاده کند.

س ۲۰- اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمینصحیح است؟

ج- درصورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده،صحیح نیست.

س ۲۱- شخصی نماز طواف را به اعتقاد اینکه حِجْر اسماعیل مقام ابراهیم است در حِجْر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟

ج- باید نماز را اعاده کند.

س ۲۲- آیا نماز طواف واجب را می‌توان با نماز جماعت یومیه بجا آورد؟

ج-صحت آن محل اشکال است.

س ۲۳- پشت مقام تا چه اندازه‌ایصادق است، و آیا حد معینی نمی‌توان برای آن فرض کرد؟

ج- عرفی است.

س ۲۴- آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولًا چه مقدار فاصله مُخل است؟

ج- مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هرصورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

س ۲۵- گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می‌رسد، آیا

ص:۱۴۳

در اینصورت می‌شود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان بجا آورد، و آیاصدق پشت مقام می‌نماید؟

ج-صـدق خَلْف، به نظر عرف است، لیکن در چنین شـرایطی بایـد منتظر بمانـد تا خلوت شود بعد طواف و نماز را انجام دهد ولو به شب یا روزهای بعد بیفتد.

س ۲۶- شخصـی مُحرم به احرام عمره شـده و وارد مکه شـده است و هفت روز مثلًا در مکه توقف دارد و نمـاز او غلطهـای زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری دارد؟

ج- اگر می‌تواند قرائتش را تصـحیح کند باید طواف را تأخیر بیندازد و ابتداءً قرائت خود را تصـحیح کند و اگر نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند نماز بخواند.

س ۲۷- اینجـانب چنـد سـال قبـل به مکه معظمه مشـرف شـدم و در آنجـا اولًا نمـاز طواف نسـاء و نماز طواف برای عمره مفرده را نخوانده‌ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوّم هم در شک می‌باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ج- اگر بعـد از طـواف و انصـراف از آن، شـک در عـدد اشواط کرده‌ایـد به شـک اعتنـا نکنیـد و نمازهـایی را که نخوانده‌ایـد اگر نمی‌توانیـد به مکه برویـد در محل خود بخوانیـد و تا نخوانده‌ایـد حرمت نساء باقی است. البته این حکم در موردی است که از روی نسیان یا

ص:۱۴۴

جهل باشد و می‌تواند نایب هم بگیرد.

«مستحبات نماز طواف»

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اوّل سوره توحید و در رکعت دوّم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی، الْحَمْدُ للّٰهِ بِمَحَامِدِهِ کُلِّهَا عَلی نَعْمَائِهِ کُلِّهَا حَتَّی یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ إِلی مَا یُحِبُّ وَیَرْضَی، اللّٰهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَزَکِّ عَمَلِی.»

و در روایت دیگر است:

«اللّٰهُمَّ ارْحَمْنِی بِطَاعَتِی إِیَّاکَ وَطَاعَةِ رَسُولِکَصَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللّٰهُمَّ جَنِّبْنِی أَنْ أَتَعَدّی حُدُودَکَ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَیُحِبُّ رَسُولَکَ وَمَلَائِکَتَکَ وَعِبَادَکَ الصَّالِحِینَ.»

و در بعضی از روایات است که حضرتصادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَکَ وَجْهِی تَعَبُّداً وَرِقّاً لَاإِلٰهَ الَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً الْأَوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ وَهَا أَنَاذَا بَیْنَ یَدَیْکَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ فَاغْفِرْ لِی إِنَّهُ لَایَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ

ص:۱۴۵

فَاغْفِرْ لِی فَإِنِّی مُقِرٌّ بِذُنُوبِی عَلی نَفْسِی وَلَا یَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ.»

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

ص:۱۴۶

فصل هفتم:

«در سعی و بعض احکام آن»

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۳۴۸- واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف سعی کند بینصفا و مروه که دو کوه معروفند.

مسأله ۳۴۹- مراد از سعی آن است که از کوهصفا برود به مروه و از مروه برگردد بهصفا.

مسأله ۳۵۰- واجب است سعی بینصفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که ازصفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه بهصفا برگشتن نیز یک شوط است.

مسأله ۳۵۱- واجب است اوّل ازصفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و ازصفا شروع کند.

مسأله ۳۵۲- احتیاط آن است که ابتدا کند از جزء اوّلصفا و از آنجا شروع به سعی کند، و درصورتی که روی کوه برود و همانطور به نحو متعارف سعی کند کفایت می‌کند.

مسأله ۳۵۳- در سعی مابینصفا و مروه جایز است سواره و بر

ص:۱۴۷

روی محمل، چه در حال اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.

مسأله ۳۵۴- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

مسأله ۳۵۵- واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن بجا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها بجا آورد باید بعد از طواف و نماز، آنرا اعاده کند.

مسأله ۳۵۶- اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی آن است که آنرا اعاده کند و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.

مسأله ۳۵۷- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف بهصفا برود یا به مروه سعیش باطل است.

مسأله ۳۵۸- اگر بینصفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است سعی کند گرچه احوط سعی از همان راهی است که از اوّل متعارف بوده.

مسأله ۳۵۹- اگر طبقه زیر زمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آندو واقع شدصحیح است علی‌الظاهر، و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

مسأله ۳۶۰- واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آنجا، و وقت رفتن بهصفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب

ص:۱۴۸

برود یا پهلو را به طرفصفا یا مروه کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکالی ندارد.

مسأله ۳۶۱- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن برصفا یا مروه، و همینطور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوی. ولی بنابر احتیاط واجب باید به مقداری نباشد که موالات عرفیه بهم بخورد زیرا موالات در همه اشواط معتبر است.

مسأله ۳۶۲- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

مسأله ۳۶۳- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.

مسأله ۳۶۴- سعی از عبادات است و باید آنرا با نیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد.

مسأله ۳۶۵- سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

مسأله ۳۶۶- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسأله ۳۶۷- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر سعی اوصحیح است، اگر چه مستحب است که آنرا تا

ص:۱۴۹

هفت شوط دیگر کامل کند.

مسأله ۳۶۸- اگر سعی را کم کند سهواً چنانچه قبل از تمام کردن شوط رابع باشد بنابر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد ولی اگر شوط رابع را تمام کرده واجب است آنرا اتمام کند هر وقت یادش بیاید و در هر دوصورت اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد باید مراجعت کند، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید در کل سعی نایب بگیرد.

مسأله ۳۶۹- اگر کمتر از چهار شوط سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد، و اگر بعد از تمام کردن چهار شوط یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند لازم است از همانجا سعی را تمام کند.

مسأله ۳۷۰- با تمام کردن سعی حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود بواسطه احرام.

مسأله ۳۷۱- اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره پس به گمان اینکه اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد واجب است برگردد و سعی را اگر ۳ دور یا کمتر فراموش کرده تمام کند، و اگر ۴ دور یا بیشتر فراموش کرده احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد و احتیاط واجب آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند.

مسأله ۳۷۲- اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره و تقصیر کرد

ص:۱۵۰

و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد احتیاط واجب آن است که به دستور مسأله سابق عمل کند.

مسأله ۳۷۳- اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر اعتنا نکند، چه شک در زیاده بکند و چه در نقیصه و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در زیاده بکند.

و اگر شک در نقیصه کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد طبق مسائل قبل اتمام کند، خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است.

مسأله ۳۷۴- اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شک در دُرست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است، و همینطور اگر در بین رفت و آمد شک درصحیح بجا آوردن جزء پیش کند اعتنا نکند.

مسأله ۳۷۵- اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر مثل اینکه شک کند بین هفت و نه اعتنا نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.

مسأله ۳۷۶- اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شک کرد که

ص:۱۵۱

سعی کرده است یا نه اگر چیزی که مشکوک است تأخیر انداختن سعی بدون عذر است بعید نیست بناگذاری برآوردن اگر چه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است تأخیر با عذر باشد در اینصورت وجهی برای بناگذاری بر این که آورده شده نیست.

«مسائل متفرقه سعی»

مسأله ۳۷۷- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بینصفا و مروه سعی کند و با همین نیت ازصفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی را اعاده کند اگر چه اقوی کفایت همان سعی است.

مسأله ۳۷۸- کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را بجا می‌آورد و سعی را شب انجام می‌دهد اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد اگر چه اقوی کفایت است.

مسأله ۳۷۹- سعی در طبقه فوقانی اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست.

س ۱- کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟

ص:۱۵۲

ج- احتیاطاً سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود، پس از آن همه را اعاده کند.

س ۲- اگر از مروه شروع و بهصفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج- باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند. و اگر با اعتقاد بهصحّت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر اینصورت باید تقصیر را اعاده کند.

س ۳- کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی درصفا گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفته‌اند که باید یک شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل اوصحیح است یا خیر، و کفاره دارد یا نه؟

ج- عملصحیح است و کفاره ندارد.

س ۴- کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چهصورت دارد؟

ج- چنانچه مقدار انحرافی را به عنوان سعی انجام نداده و در برگشت از جایی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کردهصحیح است.

س ۵- شخصی در اثنای عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلًا وظیفه او چیست؟

ص:۱۵۳

توضیح آنکه کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه اوست و او را از احرام خارج می کند بجا آورد.

ج- وظیفه او در مکّه این بود که درصورت امکان بوسیله چرخ و مانند آن در دو شوط باقیمانده او را سعی می‌دادند و پس از آنکه خودش تقصیر می کرد او را طواف نساء داده بعد نماز طواف نساء بجا می‌آورد امّا وظیفه فعلی او با فرض اینکه خود شخص نمی‌تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و توضیح آنکه مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلًا خوب شده و اینکه نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

س ۶- کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

ج- لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

س ۷- اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بینصفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می‌شود که پنج شوط بوده، اولًا آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا

ص:۱۵۴

تقصیر اوّل کافی است؟

ج- باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

س ۸- شخصی بعد از طواف عمره گم شده و بعد از پیدا شدن به رفقایش گفته که سعیصفا و مروه را بجا آورده‌ام، و تقصیر نمود بعد از مراجعت به ایران متوجه می‌شود لذا چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده، و قبل از فوتش وصیت نموده است برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وُرّاث او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال عمره او را انجام بدهم، آیا نظر حضرت عالی چیست؟

ج- ورثه می‌توانند شما را نایب کنند برای عمل عمره، ولی باید نایب سعی را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد. گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن برای سعی لازم نیست.

س ۹- بینصفا و مروه طوری است که از یک طرف می‌روند و از طرف دیگر آن برمی‌گردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که بهصفا رفته، به مروه برگردد اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

س ۱۰- شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت گذاری کرده‌اند بطور عادی سیر

ص:۱۵۵

کرده است، گمان می‌کرد لازم است هَرْوَله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج- اشکال دارد.

س ۱۱- شخصی در سعی بینصفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید برای شوط بعدی شروع نمی‌کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می‌آید و شروع می‌کند، و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود: چه می‌کنی؟ جواب می‌دهد: سعی می‌کنم، آیا مضر نیست؟

ج- راه رفتن مزبور روی کوه مضرّ به سعی نیست، و در فرض مسأله سعیصحیح است.

س ۱۲- آیا سعی کردن از همانجا که مریضها را با چرخ می‌برند و برمی‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سراشیبی شروع می‌کنند)صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اوّل کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگهای سیاه بعد از سنگهایصاف که بقایای کوه است برسند؟

ج- سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.

س ۱۳- در مناسک فرموده‌اید کسی که بینصفا و مروه، سعی

ص:۱۵۶

می کنـد واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشـد و بالعکس، آیا این وجوب توجه تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج- وضعی است.

س ۱۴- زیادی در سعی جهلًا، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج- محل اشکال است.

س ۱۵- کسـی که نمی‌توانـد بـدون سوار شـدن در چرخهای معمولی در مَسْعی سـعی کنـد لکن تمکن مالی نـدارد، چون ارز خود راصرف سوغات کرده، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر می‌تواند با چرخ سـعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سـعی کند و استنابهصحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

س ۱۶- شخصـی شوط سوم سـعی را بهم زد و با فاصـله انـدکی هفت شوط دیگر بجا آورد، و تقصـیر نمود، آیا این سـعی صـحیح است؟

ج- اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

س ۱۷- شخصـی به اعتقاد اینکه هر شوط سـعی رفت و برگشت ازصـفا به مروه است سـعی را شروع می‌کند و در شوط سوّم متوجه مسأله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد،

ص:۱۵۷

سعی او چه حکمی دارد؟

ج- سعی اوصحیح است.

س ۱۸- شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یاصفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را تدارک کند. و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

س ۱۹- سعی از طبقه دوّم فعلی که بالاتر از کوهصفا و مروه می‌باشد، جایز است یا نه؟

ج- اشکال دارد.

س ۲۰- شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی گاهی به عقب برمی‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده، آیا سعی اوصحیح است؟

ج- اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

س ۲۱- شخصی سعی بینصفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می‌شود انجام داده است، و آنگاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج- در فرض سؤال احوط اعاده سعی است.

س ۲۲- شخصی به تصوّر اینکه رفتن بالای کوهصفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا

ص:۱۵۸

برای اعاده آن مقـداری وارد سـعی شـده و بعـد به نیّت سـعی برگشـته است و در واقع مقـداری مسافت را دوبار طی کرده است، آیا سعی او درست است؟

ج- اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.

س ۲۳- شخصی به تصوّر اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می‌کند و وضو می‌گیرد و هفت شوط دیگر سعی می‌نماید، تکلیف او چیست؟

ج- اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند، امّا اگر بعد از وضو و فوت موالات عرفیه سعی کندصحیح است.

س ۲۴- کسـی که قـدر متیقّن عدد اشواط را می‌داند، امّا تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه، مثلًا می‌داند پنج شوط انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- فرض مزبور شک در اشواط است، و مُبطل است.

س ۲۵- اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

ج- از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را بجا آورد.

س ۲۶- اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شک کرد، تکلیف او چیست؟

ج- مُبطل است، و باید سعی را اعاده کند.

س ۲۷- آیا موالات در تمام اشواط معتبر است، و یا اختصاص

ص:۱۵۹

به بعض دارد.

ج- بنابر احتیاط واجب موالات در تمام اشواط سعی معتبر است.

س ۲۸- شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می‌کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکهصد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل می‌کند و با یقین، باقی سعی را هم انجام می‌دهد، آیا این سعیصحیح است یا نه؟

ج-صحیح است.

«مستحبات سعی»

مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آنرا بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَرِزْقاً وَاسِعاً وَشِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.»

پس از آن به نزد حجرالاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به سویصفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالایصفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در اوست رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را بخاطر بیاورد آنگاه این اذکار را بگوید:

ص: ۱۶۰

«اللَّهُ اکْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ للَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلهَ الَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَاشَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَایَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدِیرٌ» سه مرتبه.

پسصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ اکْبَرُ عَلی مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ للَّهِ عَلی مَا أَبْلَانَا وَالْحَمْدُ للَّهِ الْحَیِّ الْقَیُّومِ وَالْحَمْدُ للَّهِ الْحَیِّ الدَّائِمِ.» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَاإِلهَ الَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ الَّا إِیَّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَالْعَافِیَةَ وَالْیَقِینَ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

ص:۱۶۱

«اللَّهُ اکْبَرُ»صد مرتبه.

«لَا إِلهَ الَّا اللَّهُ»صد مرتبه.

«الْحَمْدُ للَّهِ»صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ»صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِکْ لِی فِی الْمَوْتِ وَفِیمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِیْ فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لَاظِلَّ الَّا ظِلُّکَ.»

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«اسْتَوْدِعَ اللَّهَ الرَّحمنَ الرَّحِیمَ الَّذِی لَاتَضِیْعُ وَدَائِعُهُ دِینِی وَنَفْسِی وَأَهْلِی، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِی عَلی کِتَابِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَتَوَفَّنِی عَلی مِلَّتِهِ وَأَعِذْنِی مِنَ الْفِتْنَةِ.»

پس بگوید:

«اللَّهُ اکْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر

ص:۱۶۲

قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرَهْ فَإِنَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَانَّکَ إنْ تَفْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِی وَإِنْ تُعَذِّبْنِی فَأَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذَابِی وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلی رَحْمَتِکَ، فَیَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلی رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِی، اللَّهُمَّ لَاتَفْعَلْ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ فَانَّکَ إنْ تَفْعَلْ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِی وَلَمْ تَظْلِمْنِی أَصْبَحْتُ أَتَّقِی عَدْلَکَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَکَ فَیَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَایَجُورُ ارْحَمْنِی.»

پس بگوید:

«یَا مَنْ لَایَخِیبُ سَائِلُهُ وَلَا یَنْفَدُ نَائِلُهُصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجِرْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ.»

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن برصفا را طول دهد و هنگامی که ازصفا پایین می‌آید بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضِیْقِهِ وَضَنْکِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِی فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لَا ظِلَّ الَّا ظِلُّکَ.»

سپس احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

ص:۱۶۳

«یَا رَبَّ الْعَفْوِ یَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ یَا مَنْ هُوَ أَوْلی بِالْعَفْوِ، یَا مَنْ یُثِیبُ عَلَی الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ یَا جَوَادُ یَا کَرِیمُ یَا قَرِیبُ یَا بَعِیدُ، ارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَمَرْضَاتِکَ.»

و مستحب است پیاده سعی نماید و ازصفا تا به مناره میانه آرام و با وقار راه رود و از آنجا تا جایی که مشخص کرده‌اند مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حدّ را فی‌الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز آرام و با وقار برود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ اکْبَرُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَکْرَمُ، وَاهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ، فَضَاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی، اللَّهُمَّ لَکَ سَعْیِی، وَبِکَ حَوْلِی وَقُوَّتِی تَقَبَّلْ مِنِّی عَمَلِی یَا مَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِینَ.»

و همین که از حدّ هروله گذشت بگوید:

«یَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْکَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی، إِنَّهُ لَایَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.»

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که درصفا بجا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

ص:۱۶۴

«اللَّهُمَّ یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ یَا مَنْ یُحِبُّ الْعَفْوَ یَا مَنْ یُعْطِی عَلَی الْعَفْوِ، یَا مَنْ یَعْفُو عَلَی الْعَفْوِ یَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ.»

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ حُسْنَ الظَّنِ بِکَ عَلی کُلِّ حالٍ وَصِدْقَ النِّیَّهِٔ فِی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ.»

ص:۱۶۵

فصل هشتم:

«در تقصیر یا سر تراشیدن»

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۳۸۰- واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر یا حلق کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند، و از مو هم قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است و کندن مو هم کفایت نمی‌کند اگر چه حرمتش محرز نباشد و یا بجای تقصیر سر بتراشد.

مسأله ۳۸۱- این عمل نیز از عبادات است و باید با نیّت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند.

مسأله ۳۸۲- اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که از مکّه خارج شود می‌تواند هر کجا باشد تقصیر کند و از احرام خارج شود.

مسأله ۳۸۳- اگر عمداً تقصیر یا حلق را ترک کند تا از مکّه خارج شود از احرام بیرون نمی‌رود و محرّمات احرام تا تقصیر یا حلق نکند بر او حرام می‌باشد.

ص:۱۶۶

مسأله ۳۸۴- بعد از آنکه شخص مُحرم تقصیر یا حلق کرد حلال می‌شود بر او به غیر از زن وصید که بعد از انجام طواف نساء و نماز آن، زن هم بر او حلال می‌شود و امّاصید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه مُحرم باشد و چه مُحلّ.

مسأله ۳۸۵- همانطور که گفته شد در عمره مفرده پس از سعی مردان مخیّرند بین حلق و تقصیر ولی زنها باید تقصیر کنند یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بگیرند و ظاهراً برای آنها سر تراشیدن کافی نیست.

مسأله ۳۸۶- احتیاط آن است که کسی که سر را می‌تراشد تمامش را بتراشد.

مسأله ۳۸۷- جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد و همچنین در تقصیر ولی باید خودش نیّت کند.

مسأله ۳۸۸- تراشیدن ریش کفایت نمی‌کند از تقصیر یا حلق.

مسأله ۳۸۹- بنابر احتیاط، جایز نیست بواسطه زیادی مو، اوّل سر را ماشین کنند و بعد آنرا بتراشند، هر چند فوراً بتراشند و درصورت علم و عمد کفاره دارد ولی می‌توانند به نیّت تقصیر قدری از موی سر را بچینند بعداً سر را ماشین کنند.

مسأله ۳۹۰- کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد.

ص:۱۶۷

مسأله ۳۹۱- جایز نیست مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیّه را ماشین کند و تا حلق تمام نشده کوتاه کردن موی سر جایز نیست و وقتی که تمام سر را بتراشد از حلق کفایت می‌کند.

«مسائل متفرقه تقصیر یا سر تراشیدن»

مسأله ۳۹۲- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و ظاهر آن است که تحقق تقصیر با گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

س ۱- آیا کسی که تقصیر یا سرتراشیدن او محکوم به بطلان است و بعد از آن مُحرّمات احرام را بجا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج- با جهل کفاره ندارد مگر درصید به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.

س ۲- کسی که بعد از سعی در عمره تقصیر یا حلق کرد، بعد به شک افتاد که آیا تقصیر یا حلقی که کردمصحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج- اگر در حال عمل عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

س ۳- یکی از خدمه کاروانها به احرام عمره مفرده از میقات مُحرم می‌شود و به مکه می‌آید و طواف و نماز آن و سپس سعی

ص:۱۶۸

بینصفا و مروه را به همان عنوان بجا می‌آورد، ولی برای تقصیر، گمان می‌کرد نتف یعنی کندن مو کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر کَنْد و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس طواف نساء و نماز آنرا بجا می‌آورد. اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه‌اش چیست؟

ج- کندن مو در تقصیر کافی نیست و باید از احرام عمره مفرده با تقصیرصحیح یا حلق خارج شود.

س ۴- اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می‌تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است، و آیا نیازی به طواف نساء مجدّد هست؟

ج- تقصیر را در هر جا می‌تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند. و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

س ۵- هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چهصورت دارد؟

ج- اشکال ندارد.

س ۶- شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را بجا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.

س ۷- اگر کسی به جای تقصیر حلق نمود آیا کفایت می‌کند؟

ج- در عمره مفرده کفایت می‌کند.

س ۸- کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده

ص:۱۶۹

است، وظیفه‌اش چیست؟

ج- مانع ندارد.

س ۹- در مناسک آمده است اگر کسی تقصیر را به ریا انجام دهد عمره‌اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چیست؟ دیگر اینکه وظیفه او چه می‌شود؟

ج- مقصود این است که اگر در تقصیر ریا کند و بدون تدارک تقصیر طواف نساء و نماز آنرا انجام دهد در اینصورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال بعد شده است و در هرصورت لازم است با تقصیرصحیح از احرام خارج شود و طواف نساء و نماز آنرا اعاده کند.

س ۱۰- اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نمود، وظیفه او چیست؟

ج- اگر عمداً تقصیر نموده باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده احوط اعاده تقصیر است و اگر از اوّل سعی، قصد هفت شوط نداشته سعی اعاده دارد.

س ۱۱- اگر کسی از روی جهل، تقصیر یا حلق را ترک نمود چه حکمی دارد؟

ج- در این مسأله جهل حکم عمد را دارد.

س ۱۲- در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی

ص:۱۷۰

جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید، و فرقی بینصور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الأحوط.

ص:۱۷۱

فصل نهم:

«در طواف نساء»

مسأله ۳۹۳- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سرتراشی بجا آورد و کیفیّت و شرایط آن مانند طواف عمره است که به تفصیل گذشت و هیچگونه فرقی با طواف عمره ندارد مگر در نیّت که باید به نیّت طواف نساء طواف کند.

مسأله ۳۹۴- شخص مُحرم که بواسطه احرام چیزهایی بر او حرام شد که در سابق به تفصیل ذکر شد بعد از تقصیر یا سر تراشیدن همه چیز حلال می‌شود مگر زن وصید از جهت احرام نیز حلال می‌شود نه از جهت حرم، بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن که در کیفیّت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت زن نیز بر او حلال می‌شود و امّاصید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه مُحرم و چه محلّ.

مسأله ۳۹۵- طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود، و نیز

ص:۱۷۲

اگر زن آن را ترک کنـد مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولیّ، او را مُحرم کرد بایـد او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

مسأله ۳۹۶- طواف نساء و نماز آن اگر چه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، لکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن عمره نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسـی که عمره بجا آورده آنرا بجا آورد، و اگر بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود بنابر احتیاط واجب.

مسأله ۳۹۷- جـایز نیست مقـدم داشـتن سـعی را بر طواف عمره یـا بر نمـاز آن اختیاراً، و جایز نیست مقـدم داشـتن طواف نساء را بر طواف عمره و بر سعی اختیاراً، و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسأله ۳۹۸- جایز است طواف نساء را قبل از سـعی بجا آورد در حال ضـرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن بجا آورد.

مسأله ۳۹۹- اگر سـهواً طواف نساء را قبل از سـعی بجا آورد یا بواسـطه ندانسـتن حکم مقـدم بـدارد طواف و سعیشصـحیح است، و احتیاط در اعاده طواف است.

مسأله ۴۰۰- اگر طواف نساء را سهواً یا عمداً بجا نیاورد تا برگشت

ص:۱۷۳

از مکه پس اگر می‌توانـد بایـد خودش برگردد و بجا بیاورد، و اگر نمی‌تواند یا مشـقت دارد نایب بگیرد و پس از بجا آوردن زن به او حلال می‌شود.

مسأله ۴۰۱- اگر کسـی طـواف واجـب را- چـه طـواف عمره و چـه طـواف نسـاء- فرامـوش کرد و برگشـت و بـا زن نزدیکی کرد درصورتی که نسیان مبدّل به علم شود و استمرار نداشته باشد باید یک هدی در مکه قربانی کند. والا چیزی بر او نیست و بهتر آن است که شتر باشد، و اگر می‌تواند خودش برود و طواف و نماز آن را بجا آورد.

و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم بجا آورد. و اگر نمی‌تواند یا مشقف دارد نایب بگیرد.

مسأله ۴۰۲- اگر کسـی طواف عمره را از روی جهل به مسأله بجا نیاورد و برگشت به محل خود بایـد عمره را اعاده کند و یک شتر قربانی کند اگر چه با زن هم نزدیکی نکرده باشد.

مسأله ۴۰۳- اگر شـخص، چنـدین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچکدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.

مسأله ۴۰۴- نـایب، در طواف نساء بایـد طواف را برای خود انجام دهـد نه به نیّت منوب عنه ولی اگر نایب در خصوص طواف نساء باشد باید به نیّت منوب عنه انجام دهد.

س ۱- آیا پیش از بجا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق یا

ص:۱۷۴

تقصیر، تمام انواع تلذذ و تمتّع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟

ج- از مطلق تلذّذ از زن باید اجتناب نماید.

س ۲- آیا تأخیر طواف نساء تا چند روز، جایز است یا خیر؟

ج- مانع ندارد، و جواز تأخیر طواف حدّ مشخصی ندارد.

س ۳- شخصی بعد از بازگشتن از مکه ازدواج کرد و دارای اولاد شد، بعداً متوجه می‌شود که در عمره طواف نساء را نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج- با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد ولی عقد ازدواج باطل است، و باید طواف نساء را انجام دهد، و اگر بخواهد بعد از آن تجدید عقد نماید.

س ۴- مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری! زن بجای نیت طواف نساء طواف رجال ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج- اگر منظورش ادای وظیفه است مانع ندارد.

س ۵- کسی که عمره مفرده انجام می‌داد بدون اینکه تقصیر یا حلق کند طواف نساء را بجا آورد، آیا وظیفه او چیست، و عمره او باطل است یا نه؟

ج- عمره باطل نمی‌شود، لکن باید بعد از تقصیر یا حلق، طواف

ص:۱۷۵

نساء را اعاده نماید، و بدون آن حرمت نساء باقی است.

س ۶- شخصی پس از مراجعت از مکه شک می‌کند که طواف نساء عمره مفرده را بجا آورد یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، بایـد طواف نساء را انجام دهد، و همچنین است درصورت التفات علی الاحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

س ۷- اگر کسـی بعـد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده با زوجه خود مواقعه نمایـد، آیا به عمره لطمه‌ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج- عملصحیح است و کفاره ندارد، اگر چه حرام مرتکب شده است.

س ۸- بجا نیاوردن طواف نساء از روی جهل چهصورت دارد؟

ج- ترک طواف نساء، عمره را باطل نمی‌کند و کفاره هم ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.

س ۹- شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج- کفّاره دارد مگر درصورت جهل.

س ۱۰- اگر نایب، طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه‌اش هم مشـغول است، هر چنـد بعـد از مردن باشـد، که باید برای او قضا کند؟

ص:۱۷۶

ج- ذمه او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد.

س ۱۱- شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره مفرده دیگر مُحرم شده است آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمره مفرده بجا آورد یا قبل از آن؟

ج- طواف نساء عمره مفرده دوّم کفایت از آن می کند.

س ۱۲- پیرمردان و پیرزنانی که عمل زناشوئی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی‌کنند و نیز کسی که عنین است، آیا اگر طواف نساء را نیاورند اشکال دارد؟

ج- گرچه طواف نساء جزء اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

س ۱۳- شخصی به عمره مفرده رفته و پس از مراجعت به وطن شک می‌کند که طواف نساء را انجام داده یا نه؟ وظیفه او چیست؟

ج- احتیاط واجب آن است که درصورت عدم امکان یا مشقف نایب بگیرد و طواف نساء را انجام دهد.

«طواف وداع»

بدانکه برای هر کسی که می‌خواهد از مکه بیرون برود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی

ص:۱۷۷

درصورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسید مستحباتی که قبلًا برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید وصلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُم َصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَأَمِینِکَ وَحَبِیبِکَ وَنَجِیِّکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِکَ وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِکَ وَصَدَعَ بِأَمْرِکَ وَاوذِیَ فِی جَنْبِکَ وَعَبَدَکَ حَتّی أَتَاهُ الْیَقِینُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِی مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا یَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَکَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِیَةِ.»

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حنّاطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آنرا بر فقرا تصدّق نماید.

ص:۱۷۸

فصل دهم:

«مسائل زنان در احرام عمره مفرده»

مسأله ۴۰۵- اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدنصبر کند و بواسطه زیادی جمعیّت نتواند در حال عبور از مسجد شجره مُحرم شود، باید نزدیک مسجد مُحرم شود و نیاز به تجدید احرام در جحفه یا تنعیم ندارد، و همینطور است حکم زنی که در حال نفاس است.

مسأله ۴۰۶- زن حائض اگر مسأله نمی‌دانست و عقیده داشت که نباید در میقات مُحرم شود و بدون احرام از میقات عبور کرد می‌تواند برای عمره مفرده از ادنی الحلّ «مسجد تنعیم» مُحرم شود.

مسأله ۴۰۷- زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرائط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازشصحیح نیست و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالشصحیح است و درصورت اوّل عمره اوصحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند.

ص:۱۷۹

س ۴۰۸- زنی که احتمال می‌دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجدالحرام شود، آیا می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج- اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید. و همچنین مریض می‌تواند در میقات مُحرم شود ولی اگر می‌تواند باید خودش طواف کند و اعمال عمره مفرده را بجا آورد و اگر نتواند باید او را طواف و سعی بدهند و چنانچه هیچکدام امکان نداشته باشد نایب از طرف او طواف و سعی کند و در هر ۳صورت نماز طواف‌ها و تقصیر را خود مریض باید انجام دهد.

س ۴۰۹- در مناسک مرقوم است که زنهای حائض بایـد عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمی‌توانند در خارج و نزدیک مسجد مُحرم شوند، آیا بر آنان لازم است که محاذی جُحفه تجدید احرام کنند؟ و آیا اجازه می‌فرمایید که اینگونه اشخاص در مدینه با نذر مُحرم شوند؟

ج- تجدید احرام در محاذی جحفه بر آنها لازم نیست، و احرام در خارج و نزدیک مسجد شجرهصحیح است و نذر لزوم ندارد، و احرام قبل از میقات نیز با نذرصحیح است و زنهای حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند می‌توانند در مدینه با نذر برای

ص:۱۸۰

عمره مفرده مُحرم شوند و در اینصورت لازم نیست به مسجد شجره بروند ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.

س ۴۱۰- زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود گمان می‌کرد که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند مُحرم شود و وظیفه‌اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید، دید به جهت ازدحام نمی‌تواند با عبور مُحرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر مُحرم شد آیا کفایت می‌کند یا خیر؟

ج- اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر مُحرم شده است مانع ندارد، و همچنین می‌تواند از خارج و نزدیک مسجد مُحرم شود و نذر لازم نیست.

س ۴۱۱- زن در حال حیض به خیال اینکه می‌تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می‌خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی‌شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج-صحیح است.

س ۴۱۲- کسانی که به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند باید در خارج آن مُحرم شوند و در

ص:۱۸۱

مُحاذی جُحْفه تجدید احرام نمایند، با توجه به اینکه مُحاذی جُحْفه نقطه مشخصی نیست، وظیفه چیست؟

ج- تجدید احرام برای آنها لازم نیست، احرام از خارج و نزدیک مسجد شجره برایصاحب عادت ماهانه کافی است.

س ۴۱۳- زن حائضی که نمی‌توانستصبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره مُحرم شد و بنا داشت مُحاذی جُحْفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج- تجدید احرام برای او لازم نیست زیرا احرام از خارج مسجد و نزدیک آنصحیح است و باید اعمال دیگر عمره مفرده را انجام دهد.

س ۴۱۴- هرگاه حائض یا جنب عصیاناً وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و مُحرم شود، آیا احرام اوصحیح است یا نه؟

ج- احرامصحیح است.

س ۴۱۵- زن بدون اذن شوهرش نذر می‌کند و قبل از میقات با نذر مُحرم می‌شود به احرام عمره مفرده آیا احرامش درست است و چنانچه با همان احرام اعمالش را بجا آورده باشد چگونه است؟

ج- بعید نیست که اگر اصل سفر زن با اجازه شوهر باشد این اجازه شامل نذر هم بشود و دیگر در خصوص نذر نیازی به اذن جدید نیست.

ص:۱۸۲

س ۴۱۶- با توجه به حرمت پوشیدنصورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزءصورت محسوب می‌شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لبها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج- زیر چانه جزءصورت محسوب نمی‌شود، ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد.

س ۴۱۷- آیا زن مُحرم می‌تواندصورت خود را با حوله پاك کند، یا حکم سر مرد را دارد که نمی‌تواند روی آن را بپوشاند؟

ج- جایز نیست.

س ۴۱۸- زنها که در حال احرام برای پوشیدن و درآوردن مقنعه،صورتشان پوشیده می‌شود، چهصورت دارد؟

ج- باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

س ۴۱۹- آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق دارد؟

ج- در حال طواف برای زن حفظ از نامحرم وجوب نفسی دارد ولی شرط برای طواف نیست.

س ۴۲۰- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می‌رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده

ص:۱۸۳

طواف او باطل است یا نه؟

ج- اگر عمدی باشد ظاهراً طوافصحیح است امّا معصیت کرده و در غیر مورد عمدصحیح است.

س ۴۲۱- در طواف مستحبی زنـان می‌داننـد که به بـدن مردان نگاه می کننـد و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرنـد، از نظر شرع اشکال دارد یا نه؟

ج- اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هرصورت طوافصحیح است.

س ۴۲۲- درصـورتی که یقین دارد در حـال طواف در محـدوده معین بـا اجنـبی یـا اجنـبیه برخورد می کنـد بـاز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج- آنچه ذکر شده عذر نیست.

س ۴۲۳- اگرصـاحب عادت وقتیه و عـددیه که عـددش مثلًا هفت روز است، روز هفتم پاک شـد و غسل کرد و اعمال عمره را بجا آورد ولی بعداً لک دید، اعمالش چگونه است؟

ج- اگر خون دیـده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است والا محکوم به اسـتحاضه است و درصورت اوّل که محکوم به حیض است باید طواف‌ها و نمازهایی را که در آن حال خوانده و احتیاطاً سعی را اعاده کند.

س ۴۲۴- بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت

ص:۱۸۴

ماهانه‌شان برهم می‌خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می‌بینند، آیا وظیفه اینگونه زنان در عمره چیست؟

ج- اگر شرایط حیض را داشته باشد محکوم به حیض است والا محکوم به استحاضه است.

س ۴۲۵- اگر زن در حال طواف در عمره مفرده حیض ببیند وظیفه او چیست؟

ج- باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود پس اگر می‌تواند در مکه بماند تا پاک شود پس از تطهیر چنانچه حیض قبل از نصف طواف بوده، طواف را اعاده کند و اگر بعد از نصف و قبل از چهار شوط بوده بنابر احتیاط واجب طواف را تکمیل کند و بعد از نماز دوباره طواف و نماز را اعاده کند و اگر بعد از چهار شوط بوده پس از تطهیر باید آنرا تکمیل کند، ولی اگر نمی‌تواند تا زمان پاک شدن در مکه بماند باید برای طواف‌ها و نماز آنها نایب بگیرد ولی سعی و تقصیر را خودش انجام بدهد.

س ۴۲۶- زنی عمره را انجام داد، بعد متوجه شده که طواف او باطل بوده است، پس از اینکه متوجه شد، ملاحظه نمود دید عذر زنانه دارد تکلیف او چیست؟

ج- هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف‌ها و نماز آنها و احتیاطاً سعی را اعاده کند، و اگر قبل از خروج از مکه پاک نمی‌شود برای

ص:۱۸۵

طواف‌ها و نماز آنها نایب بگیرد و احتیاطاً سعی را خودش اعاده کند.

س ۴۲۷- زنی مسأله را نمی‌دانست، بعد از پاک شدن از حیض، خیال می‌کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می‌کرد و با همین حال عمره انجام داد، بفرمایید عمره او چگونه است؟

ج- اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملشصحیح است.

س ۴۲۸- آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر بکند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج- برای هر یک غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.

س ۴۲۹- زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است، ولی در مکه خون می‌بیند، بنابر این آیا در یائسگی او می‌توان تردید داشت یا نه؟ و وظیفه او چیست؟

ج- اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیّده نیست حکم مستحاضه را دارد.

س ۴۳۰- آیا نماز و طواف، برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟

ج- مستقل هستند.

ص:۱۸۶

س ۴۳۱- زنی بعد از ورود به مکه حیض می‌شود، با مصرف قرص، خون قطع می گردد و اعمال را انجام می‌دهد ولی بعد از آن لک می‌بیند، وظیفه او چیست؟

ج- اگر شرایط حیض را نداشته با انجام وظیفه مستحاضه عمل اوصحیح است و اگر شرایط حیض را داشته و اعمال را هم تمام کرده باید طواف و نماز طواف و احتیاطاً سعی را اعاده نماید.

س ۴۳۲- زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می‌شود، وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را تمام کند، و اگر بعد از نصف طواف و قبل از ۴ شوط بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید، و اگر به نصف طواف نرسیده پس از تطهیر و تجدید وضو طواف را از سر بگیرد.

س ۴۳۳- زن مستحاضه‌ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، در اثنای طواف لک می‌بیند، وظیفه او چیست؟

ج- اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر اینصورت حکم حدث جدید را دارد.

س ۴۳۴- زنی به تصوّر اینکه پاک شده است، طواف انجام می‌دهد و در اثنای سعی متوجه می‌شود که هنوز پاک نشده است،

ص:۱۸۷

آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

ج- در فرض اوّل سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز سعی را اتمام و اعاده نماید، و در فرض دوّم نیز اعاده طواف و نماز لازم، و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.

س ۴۳۵- زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله‌ای بین اعمال پیش می‌آید که شاید طولانی هم باشد، مثلًا باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج- اگر خون قطع نمی‌شود برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابر این اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد.

س ۴۳۶- زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه‌اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اوّل، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافشصحیح است؟

ج- اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طوافصحیح است، و در غیر اینصورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید.

ص:۱۸۸

س ۴۳۷- زنی که حیض نمی‌شود ولی هر دو ماه یکبار، دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر خون استمرار تا سه روز ندارد ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

س ۴۳۸- هرگاه زن قُرَشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ج- حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی درصورت توالی یا داشتنصفات.

س ۴۳۹- زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هرصورت به طواف ضرر می‌زند یا خیر؟

ج- حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثنای طواف لک دیده تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن نصف طواف و بعد از آن تا اتمام شوط رابع و مابعد دور چهارم هست که در مناسک ذکر شده است.

س ۴۴۰- زنی که حیض بوده و نمی‌دانست و اعمال عمره را کلًا بجا آورد بفرمایید باید دوباره بجا آورد یا کافی است؟

ص:۱۸۹

ج- اگر می‌توانـد در مکه بمانـد تا پاک شود پس از پاک شدن از حیض و انجام غسل باید طواف‌ها و نماز آنها را اعاده کند و اگر نمی‌تواند بماند باید برای طواف‌ها و نماز آنها نایب بگیرد و در هرصورت عمره‌اشصحیح است.

س ۴۴۱- اگر زنی به نیت عمره مفرده مُحرم و بعـد از آن عـادت شود و در همه روزهـایی که می‌توانـد در مکه باشـد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلًا به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- در فرض سؤال بایـد برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و چنانچه به ایران آمده، اقدام کند و برگردد و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را بجا نیاورد، آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده، بر او حلال نمی‌شود.

س ۴۴۲- دختری در کودکی و یا اوائل سـنین بلوغ جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به اینکه جاهل قاصـر بوده و در سـنین بالا‌تر نمی‌دانسـته به واسـطه فعلی که در کودکی انجـام شـده جنب گشـته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نـداده است و بـا این کیفیت به عمره نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسـلهایی که یقینـاً انجـام داده است، حیض و جمعه بوده است با

ص:۱۹۰

توجه به موارد یاد شده فوق، این سؤالها مطرح است؟

۱- وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چیست؟

۲- آیا در زمان حال مُحرم است، و بهصورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و درصورت مُحرم بودن آیا تا زمانی که اعاده عمره نکند، جمیع مُحرمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می‌باشد یا خیر؟

۳- درصورتی که فقط عمره‌اش باطل باشد ولی مُحرم نباشد چگونه می‌تواند با وضع اعزام زائرین به بیت‌اللّه الحرام که چند سال یکبار این توفیق حاصل می‌شود، اعاده عمره کند؟

ج- اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف اوصحیح نیست و غسلهای دیگر کفایت از غسل جنابت نمی‌کند، و در فرض مسأله نمازهایی را که با این حال خوانده باید قضا کند، و اگر نمی‌دانسته جنب است و روزه گرفته روزه‌های اوصحیح است و قضا ندارد، و عمره در مفروض سؤال صحیح است ولی طوافهای عمره و نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه بجا آورد، و احتیاطاً سعی را نیز بعد از طواف عمره انجام دهد و اگر خودش نمی‌تواند برود برای آنها نایب بگیرد، و تا طواف عمره و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او بجا

ص:۱۹۱

نیاورده باید از بوی خوش و ازدواج و مُحرماتی که با طواف نساء حلال می‌شود، اجتناب نماید.

س ۴۴۳- زنی نماز طواف خود را در حِجْر اسماعیل خوانده است و چون به منزل آمده ملتفت شده که حائض شده است و تا زمانیکه در مکه است پاک نمی‌شود وظیفه او نسبت به نماز چیست؟ و آیا عمل اوصحیح است یا خیر؟

ج- در فرض سؤال عمره اوصحیح است و باید برای نماز طواف نایب بگیرد.

س ۴۴۴- زنی مُحرم به احرام عمره شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف قبل از اینکه نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- اگر می‌تواند تا زمان پاکی در مکه بماند پس از تطهیر نماز طواف و باقی اعمال را بجا آورد و اگر نمی‌تواند بماند برای نماز طواف و طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد ولی سعی و تقصیر را خودش باید انجام بدهد.

س ۴۴۵- آیا زنهایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می‌گیرند در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

ج- محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان بجا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

س ۴۴۶- گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی

ص:۱۹۲

ناچار است از مسجدالحرام عبور کند، در اینصورت تکلیف حائض و نفساء چیست؟ و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

ج- اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند و اگر آنهم ممکن نیست نوبت به نیابت می‌رسد، و بر فرض مخالفت چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیشصحیح است هر چند گناه کرده است.

س ۴۴۷- اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می‌زند یا نه؟

ج- ضرر نمی‌زند.

س ۴۴۸- آیا حائض و جنب می‌توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی -ص- عبور کند یا خیر؟

ج- نمی‌تواند.

ص:۱۹۳

فصل یازدهم:

«مسائل متفرقه»

مسأله ۴۴۹- در وقتی که در «مسجدالحرام» یا «مسجدالنبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

مسأله ۴۵۰- سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آنکه پخته شود، جایز است. و سنگهایی که در «مسجدالحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همینطور در «مسجد رسول اللَّه»صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم.

مسأله ۴۵۱- در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل مناسب نیست نماز را به جماعت بخوانند و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

مسأله ۴۵۲- تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد و در تمام مکه و مدینه جاری است. پس مسافر می‌تواند نماز را در این دو شهر تمام بخواند

ص:۱۹۴

همانطور که می‌تواند شکسته بخواند.

مسأله ۴۵۳- در تقصیرهایی که در عمره مفرده کرده است احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد، و اگر ترک کرد آنرا و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد وصدقه بدهد.

مسأله ۴۵۴- کسی که در میقات یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می‌کرد مُحرم شد نمی‌تواند احرام خود را بهم بزند و مُحل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش بهم نمی‌خورد، و آنچه بواسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود، و اگر کاری که موجب کفاره است بجا آورد باید کفاره بدهد.

مسأله ۴۵۵- اگر بواسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد باید در میقات نیت عمره کند و لبّیک بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

مسأله ۴۵۶- کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از مُحرّمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگرصید که در هرصورت کفاره دارد، پس در غیرصید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

ص:۱۹۵

مسأله ۴۵۷- در هر یک از اعمال عمره اگر شک کند بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست اعتنا نکند، چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد.

مسأله ۴۵۸- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچیک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.

مسأله ۴۵۹- غیر از هدی تمتع از هدی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می‌شود نمی‌تواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد، و امّا از قربانی استحبابی، جایز است بخورد.

مسأله ۴۶۰- مصرف کفارات؛ بنابر احتیاط فقرای مؤمن غیر سیّد می‌باشند.

مسأله ۴۶۱- اگر در حرم چیزی پیدا کرد بنابر احتیاط واجب آنرا برندارد.

مسأله ۴۶۲- اگر «لقطه» حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می‌تواند قصد تملک آنرا بکند و آنرا مصرف کند، و ضامنصاحبش نیست، و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد وصاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را بهصاحبش رد کند به احتیاط واجب.

ص:۱۹۶

مسأله ۴۶۳- اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و ازصاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر: یکی آنکه آن را برایصاحبش حفظ کند، در اینصورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست درصورت تلف. دوّم آنکه برایصاحبشصدقه بدهد، لکن اگرصاحبش پیدا شد و راضی بهصدقه نشد باید عوضش را به او بدهد، و جایز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

مسأله ۴۶۴- کسی که بعد از مُحرم شدن نتوانسته باشد وظیفه‌ای انجام دهد که مُحلّ شود اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسک فصل دوازدهم ذکر شده عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست در بعض موارد با انجام عمره مفرده می‌تواند محلّ شود.

مسأله ۴۶۵- در مسجدالنبی-صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم- اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت نما شدن نشود باید در محلی نماز بخوانند که بتوانند پیشانی خود را هنگام سجده بر سنگ‌های مسجد قرار دهند و در غیر اینصورت سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر

ص:۱۹۷

برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأکید می‌شود که از عملی که موجب هتک و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب نمایند.

س ۴۶۶- در مسجدالنبیصلی الله علیه و آله بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می‌توان روی فرشهای مسجد سجده نمود و یا اینکه باید برود در جایی که سنگفرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج- باید مراعات تقیه بشود و موجب هتک یا انگشت‌نما شدن نشود.

س ۴۶۷- کسی که نماز را در مسجدالحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج- اگر تقیةً به طریق مذکور نماز خوانده اعاده ندارد و در غیر مورد تقیّهصلاة استداره‌ای جایز نیست.

س ۴۶۸- درصورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می‌تواند نماز را فُرادی بر طبق شرایط موجود بجای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آنصحیح است انجام دهد؟

ج- باید در منزل با رعایت شرایط معتبره نماز بخواند مگر تقیّه اقتضای غیر آنرا داشته باشد.

ص:۱۹۸

س ۴۶۹- حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده زائرین ایرانی و غیر ایرانی واقع می‌شود سجده بر آن جایز است یا خیر؟ با ملاحظه اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج- اگر عرفاً روی حصیر سجده می‌شود مانع ندارد.

س ۴۷۰- اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزارانصف جلو، و عدم رعایت اتصال و ... آیا نماز در اینگونه موارد باید اعاده شود؟

ج- اعاده دارد.

س ۴۷۱- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می‌شوند و نمازهای خود را با جماعت می‌خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشاء را بخوانند یا نه؟

ج- مانع ندارد، و اگر وقت نشده بایدصبر کنند.

س ۴۷۲- کسی خیال می‌کرد که بر سنگ فرشهای مسجدالحرام- زاده اللّه شرفاً- سجدهصحیح نیست و بر پشت دست سجده می‌کرده است، آیا نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج-صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

س ۴۷۳- در لیالی مقمره در مکه کسانی که نمازصبح را به جماعت با سایر مسلمین می‌خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن فجر هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده‌اند، کافی است؟

ص:۱۹۹

ج- فرقی بین لیالی مقمره و غیر مقمره نیست و در فرض مرقوم جماعتصحیح است و اعاده ندارد.

س ۴۷۴- شخصی مقلد هیچ یک از فقها نبوده، مثلًا ده سال، حالا می‌خواهد تقلید کند، در این ده سال مکه هم رفته است، آیا عبادت‌های او مثل نماز و روزه و عمره و حجّصحیح است یا نه؟

ج- اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشدصحیح است.

س ۴۷۵- قرآنهایی که در مسجدالحرام است، بر بعضی نوشته شده که وقف است، ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهم وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

ج- برداشتن آنها بدون اینکه از متصدی ذیربط بگیرند، جایز نیست و باید بر گردانده شود.

س ۴۷۶- آیا مقداری از سنگصفا و مروه، یا از مشعر را می‌شود با خود آورد یا نه؟

ج- ازصفا و مروه جایز نیست، و از مشعر مانع ندارد.

س ۴۷۷- نیت تیمم از حدث اکبر در مَسْجِدَین چیست؟

ج- اگر در مسجد جنب شده باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند، مگر آنکه زمان خروج کوتاه‌تر

ص:۲۰۰

باشـد از زمـان لازم برای تیمم یا مساوی باشـد با آن، که در اینصورت تیمّم واجب نیست و با این التفات اگر تیمم کندصحیح و با نیت است.

س ۴۷۸- در تطهیر مسجدالحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می‌کننـد و بعـد بـا ظرف آب می‌ریزنـد و می‌شوینـد و از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می‌کند، آیا جواز سجده بر آن سنگها از باب عسر و حرج است یا جهات دیگر؟

ج- علم پیدا نمی‌شود، و با فرض شک نباید اعتنا شود.

س ۴۷۹- شخصی بـدون اینکه خمس مـال خود را بپردازد به مکه رفته است و الآن می‌خواهـد بپردازد، آیا عمره اوصحیح است یا خیر؟

ج- اگر لباس احرام با پول غیر مخمس نبوده، عمل او اشکال ندارد.

س ۴۸۰- اینجانب که تحت تکفل پـدرم هسـتم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشـرف خواهم شد، لازم بـه یـادآوری اسـت که هزینه این سـفر را از پولهـایی که پـدرم طی هفت یـا هشت سـال به عنـوان هفتگی و یـا پـولی که برای پس‌انداز به ما داده پرداخته‌ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی به عنوان خمس نپرداخته است، خواهشـمندم مرقوم بفرمایید که عمره ما با این پول چه صورتی پیدا می‌کند؟

ص:۲۰۱

ج- اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید عمره اشکال ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید لازم است احرام را از مال حلال یقینی تهیه نمایید.

س ۴۸۱- آیا شخص فقیر می‌تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نانخور او هستند برساند؟

ج- برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی‌شودصرف نمود.

س ۴۸۲- کفاراتی که در احرام عمره بر گردن انسان می‌آید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا بایدصبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع ندارد؟

ج- در فرض سؤال تأخیر مانع ندارد، در محل ذبح کند و به فقرای مؤمن غیر سید بدهد.

س ۴۸۳- اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی‌داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج- با یأس از پیدا شدنصاحبش از طرف او به فقیرصدقه بدهد علی‌الاحوط.

س ۴۸۴- در مواردی که فرموده‌اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد ... بفرمایید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج- باید خصوص مسأله ملاحظه شود، و اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی از آن منظور است.

ص:۲۰۲

س ۴۸۵- اگر کسی تمام اعمال عمره را انجام داده و بعد فهمید وضویش باطل بوده است، آیا با تدارك طوافها و نماز، عمره اوصحیح است یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه از احرام خارج شود، و وظیفه او چیست؟

ج- بلی با تدارك طوافها و نماز و بنابر احتیاط واجب سعی، عمره اوصحیح است.

س ۴۸۶- اگر شخصی مبلغی ازر به فردی بدهد که عوض آنرا- به قیمت دولتی یا آزاد- پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج- در تبدیل پول باید باهم تراضی نمایند. و خلاف مقررات هم نباشد.

س ۴۸۷- شخصی بعد از احرام عمره دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه برایش نایب می‌گیرند و یا تبرعاً باقی اعمال او را انجام می‌دهند، آیا این اعمال برای شخص اوّل مُجزی است و از احرام خارج می‌شود یا نه؟ و اگر پولی خرج شد، آیا می‌شود از ولیّ کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

ج- نیابت مزبور کفایت نمی‌کند و شخص اوّل همچنان در احرام باقی است و پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی‌تواند به دیگری رجوع کند، مگر آنکه مغرور شده باشد.

س ۴۸۸- آیا قصد ابطال عمره یا بعض اجزای آن، مُبطل است یا نه؟

ص:۲۰۳

ج- قصد ابطال، مُبطل نیست.

س ۴۸۹- آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می‌رسد، جایز است یا نه؟

ج- اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود، درصورتی محکوم به حلیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

س ۴۹۰- اگر زائرین در مکه ۱۰ روز بمانند و در بین این ده روز برای زیارت اماکن مقدسه به عرفات و مشعر و منی بروند حکم نمازشان از نظر قصر و اتمام چیست؟

ج- در مکّه نمازشان تمام است.

س ۴۹۱- آیا غار حرا و ثور جزء محدوده مکه است؟

ج- در زمان ما هر دو جزء محدوده مکه است.

ص:۲۰۴

فصل دوازهم:

«حکم مصدود و محصور»

مسأله ۴۹۲- مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره، و محصور آن است که بواسطه مرض ممنوع شود از عمره.

مسأله ۴۹۳- کسی که مُحرم شد به احرام عمره مفرده، واجب است عمره را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

مسأله ۴۹۴- اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن به مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آنرا نداشته باشد می‌تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند، و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد، و می‌تواند بجای تقصیر سر بتراشد و در اینصورت بر او همه چیز حلال می‌شود حتی زن.

مسأله ۴۹۵- اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از بجا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم

ص:۲۰۵

مسأله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.

مسأله ۴۹۶- کسی را که بواسطه بدهکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

مسأله ۴۹۷- اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه بجا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آنکه حرجی باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

مسأله ۴۹۸- اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود، و باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود.

مسأله ۴۹۹- کسی که مصدود است اگر امید یا گمان برطرف شدن مانع را داشته باشد نمی‌تواند در ابتداء به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

مسأله ۵۰۰- کسی که مُحرم به احرام عمره مفرده شد و بواسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد مُحلّ شود یا باید در همانجا هدی کند و بعد تقصیر نماید و یا باید هدی یا پول آنرا بفرستد بوسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آنرا در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند، پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن

ص:۲۰۶

و احتیاط آن است که نایب در ذبح، قصد تحلیل منوب عنه کند.

مسأله ۵۰۱- کسی که بواسطه مرض محصور شد زن بر او حلال نمی‌شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال عمره را بجا بیاورد و طواف نساء بکند ولی اگر بوظیفه محصور عمل کرده و یا توسط نایب در مکه قربانی کرده و خودش تقصیر نموده یک طواف نساء کافی است، امّا اگر عاجز شد از آمدن به مکه، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او و لکن احتیاط واجب آن است که درصورت امکان خودش برود.

مسأله ۵۰۲- اگر مریض بعد از آنکه هدی یا پولش را فرستاد قبل از تحلّل به هدی و تقصیر حالش خوب شد بطوریکه توانایی رفتن به مکه را داشت باید برود و اعمال عمره را بجا آورد.

مسأله ۵۰۳- مصدود به دشمن در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده مانند اوست.

مسأله ۵۰۴- کسانیکه مریض نیستند لکن بعلّت دیگر بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا بواسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده حکم مریض را دارند بنابراین اگر بتوانند به مکه بروند باید اعمال عمره را انجام دهند و اگر ممکن نشد باید آنها را طواف و سعی بدهند و اگر آن هم ممکن نشد نایب بگیرند، و چنانچه نمی‌توانند به مکه بروند حکم محصور را دارند.

ص:۲۰۷

«مسائل متفرقه مصدود و محصور»

س ۵۰۵- شخصی به نیت عمره برای یکی از معصومین علیهم السلام یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را بجا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج- اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی‌تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی‌تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

س ۵۰۶- آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می‌دهد بجا آورد؟

ج- بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می‌شود.

س ۵۰۷- شخصی بعد از آنکه مُحرم شده دچار سکته قلبی می‌شود بگونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ج- حکم محصور را دارد.

س ۵۰۸- شخصی در مدینه مصدوم می‌شود، او را به مسجد شجره می‌آورند و مُحرم می‌نمایند آیا احرام اوصحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند عمره انجام دهد تکلیف او چیست؟

ص:۲۰۸

ج- احرام اوصحیح است و چنانچه بتواند به مکه برود باید اعمال عمره را انجام دهد و اگر نتوانست باید او را طواف و سعی بدهند و اگر ممکن نشد باید برای طواف و سعی نایب بگیرد و چنانچه نتواند به مکه برود حکم محصور را دارد.

س ۵۰۹- اگر شخصی بعد از احرام توسط مأمورین دولت دستگیر شده و او را به ایران فرستاده‌اند و اجازه ندادند در آنجا قربانی کند و یا قربانی پیدا نشد تکلیف او چیست؟

ج- می‌تواند در محل خود هدی کند و پس از تقصیر از احرام خارج شود.

ص:۲۰۹

فصل سیزدهم:

«احرام اطفال و کودکان»

مسأله ۵۱۰- از برای بچه ممیّز مستحب است عمره رفتن وصحیح است عمره او اگر چه ولیّ او اذن ندهد.

مسأله ۵۱۱- مستحب است ولیّ طفل غیر ممیّز مُحرم کند او را و لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که «این طفل را مُحرم می کنم برای عمره» و اگر می‌شود تلبیه را تلقین کند به او، والاّ خودش به عوض او بگوید.

مسأله ۵۱۲- مقصود از ولیّ در این امر همان ولیّ شرعی است مانند: پدر و جدّ و یا وصیّ یکی از آن دو و همچنین حاکم و امین از طرف حاکم یا وکیل یکی از آنها بنابراین عمو و دایی و برادر و مادر و دیگران نباید بچه را مُحرم کنند.

مسأله ۵۱۳- بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولیّ، او را از محرمات احرام بازدارد، و اگر ممیّز نیست خود ولیّ حفظ کند او را از محرمات.

مسأله ۵۱۴- بعد از اینکه طفل مُحرم شد اگر محرمات احرام را بجا

ص:۲۱۰

آورد یا ولیّ، او را از آنها بازنداشت کفّاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل بنابر اقوی درصید و بنابر احتیاط واجب در غیر آن.

مسأله ۵۱۵- در تمام اعمال عمره باید ولیّ، طفل را وادار کند که بجا آورد و اگر نمی‌تواند ولیّ او به نیابت طفل بجا آورد و در اعمالی که نیاز به وضو دارد احتیاطاً طفل را هم وضو بدهد.

س ۵۱۶- اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد و در طواف عمره و سعی بینصفا و مروه و طواف نساء، مادر از طرف دختر نیّت نموده و خود دختر را طواف و سعی بدهد و آنچه از اعمال عمره که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می‌تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج- ولیّ شرعی می‌تواند طفل را مُحرم کند و اعمال عمره را از طرف او انجام دهد و مادر ولیّ شرعی نمی‌باشد.

س ۵۱۷- اگر اطفال غیر ممیز- پسر یا دختر- را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند آیا واجب است که پدر یا مادر درصورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و طواف نساء را از جانب اطفال بجا آورند و اگر هیچ کدام کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می‌توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند

ص:۲۱۱

و عمره و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند، و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج- بر ولیّ طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او عمره انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه‌ای که در مناسک و رساله ذکر شده است انجام دهند و گرنه در بعضصور، طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید و مادر، ولیّ شرعی طفل نمی‌باشد.

س ۵۱۸- پدری بچّه غیر ممیّز خود را همراه خود برای عمره برده، اکنون طبق فتوای چه کسی باید او را مُحرم کند؟

ج- به فتوای مجتهدی که خودش از او تقلید می‌کند.

تذکّر و یادآوری:

گرچه مُحرم کردن اطفال و کودکان مستحب است لیکن توصیه می‌شود کسانی که فرزندان خردسال و اطفال را همراه خود به مکه می‌برند و آشنایی کامل به مسایل و مناسک و اعمال عمره خصوصاً مسائل طواف ندارند از مُحرم کردن اطفال خود پرهیز کنند زیرا ممکن است نتوانند از عهده اعمال بخوبی برآیند وعلاوه بر اینکه در انجام مُحرّمات مرتکب معصیت می‌شوند در بعض موارد اطفال در احرام باقی می‌مانند و مشکلاتی را برای آنان بوجود می‌آورند، بنابر این بهتر است اطفال را در مسجدالحرام در طواف‌های مستحبی شرکت دهند.

ص:۲۱۲

اماکن مقدّسه مکّه معظّمه و حوالی آن

اماکن مقدّسه در مکّه معظّمه و حوالی آن، بسیار است و به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مسجد الجنّ: در نزدیکی قبرستان ابوطالب واقع شده و سوره مبارکه جِنّ در این مکان نازل گردیده است.

مسجد الرایه: در نزدیکی مسجدالحرام واقع شده و در هنگام فتح مکه معظّمه، پرچم فتح و پیروزی در این مکان نصب گردید.

مسجد خیف: در مِنی واقع است و نماز در آنجا ثواب بسیاری دارد و امام جعفرصادق علیه السلام می‌فرماید که هزار پیامبر در آنجا نماز خوانده است و در مستحبّات منی ذکر گردید.

مسجد ابراهیم: در بالای کوه ابوقُبَیْس واقع است.

مسجد البیعه: مسجدی است که نزدیک جمره عَقَبه واقع شده و در این مسجد، عدّه‌ای از انصار با حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردند.

مسجد النّحْر: بین جَمره اوّل و جمره دوّم واقع شده است.

مسجد الصَّفایِح: در جنوب مسجد خیف، و در دامنه کوه صَفایِحْ واقع شده است.

در تمامی این مساجد، نماز خواندن مستحبّ می‌باشد.

ص:۲۱۳

حَطیم: بین درب کعبه مکرّمه و رکن حجرالاسود را حَطیم می‌گویند و جایگاهی است بسیار مقدّس که دعا در آنجا به هدف اجابت رسیده و از شریفترین امکنه در مسجدالحرام بشمار می‌رود.

مُستجار: نزدیک رکن یمانی و محاذی درب کعبه از پشت بیت را مُستَجار می‌گویند و در فضیلت آن مکان شریف، اخبار زیادی است که در مستحبّات مسجدالحرام ذکر گردید.

محلّ ولادت حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم: در میدانی، نزدیک سوق‌اللّیل واقع شده و فعلًا آن محلّ شریف، کتابخانه است.

محلّ ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام: در داخل کعبه مکرّمه واقع است.

محلّ ولادت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام: و معروف به زقاق الحَجَر است و فعلًا آن خانه بصورت مسجد درآمده است.

و در این مکان گروهی از علویات و ذریّه حضرت فاطمه زهراء علیها السلام به رهبری جناب حسین بن علی بن حسن بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب- سلام اللّه علیهم اجمعین- قیام نموده و در روز تَرویه سال ۱۶۹ هجری بدست دژخیمان هادی عباسی بشهادت رسیدند و در آن مکان دفن گردیدند.

قبرستان ابوطالب: در شمال شرقی مکّه معظّمه واقع شده و قبرستان قریش، قبرستان بنی هاشم، حُجون نیز خوانده می‌شود.

مزار مقدّس جناب عبدالمطّلب (جدّ حضرت پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله و سلم) و جناب ابوطالب (پدر بزرگوار حضرت علی علیه السلام) و حضرت خدیجه

ص:۲۱۴

(همسر گرامی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) و جناب عَبد مَناف، در آن قبرستان واقع است.

علاوه بر اینها عدّه‌ای از بزرگان و علماء نیز همانند علامه میرزا محمد استرآبادیصاحب رجال کبیر، علامه میرمحمد مؤمن استرآبادیصاحب کتاب الرَّجعه، و علامّه شهید میرزین‌العابدین حسینی کاشانی و محقق بزرگوار شیخ محمّد فرزندصاحب معالم نیز در آنجا مدفون هستند.

قبر جناب آمِنه (والده حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم): در محلّی بنام ابواء «(۱)» بین راه مکه معظّمه و مدینه منوّره واقع است.

قبر جناب مِیمونَه (همسر گرامی حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم): در دو فرسخی مکه معظمه، در محلّی بنام سَرِفْ واقع است.

کوه حَراء: در شمال شرقی مکه معظّمه و در راه عرفات قرار دارد و در آنجا غاری است که حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم در قبل از بعثت، مدّتها در آنجا به پرستش خداوند متعال می‌پرداخت و در همین محلّ بود که جبرئیل امین، اوّلین وَحی الهی را درباره نبوّت و رسالت برای آن حضرت آورد.

کوه ثور: در جنوب شهر مکه معظّمه واقع شده و در او غاری است که حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم در هنگام هجرت برای رهایی از خطر مشرکین، چند روزی در آن غار مخفی شدند.

۱- - ابواء تا جُحفه ۲۳ میل است، معجم البلدان، ج ۲، ص ۷۹

ص:۲۱۵

مدینه منوّره

اشاره

شهر مدینه منوّره

زیارت قبر شریف حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

زیارت حضرات ائمه بقیع علیهم السلام

قبرستان بقیع

کوه احُدْ

اماکن مقدّسه مدینه منوّره و حوالی

ص:۲۱۶

مدینه منوّره

مدینه منوّره در شمال شهر مکه معظّمه و شمال شرقی شهر جَدَّه قرار گرفته که فاصله‌اش تا مکّه معظّمه در حدود ۸۵ فرسخ «(۱)» و تا جَدَّه در حدود ۷۳ فرسخ است.

نام اصلی این شهر مقدّس، پیش از هجرت، یَثرِبْ بود که پس از هجرت بنام مدینةُالنَّبی مشهور گشت و جایگاه تَجَلِّیات انوار حق و مرکز پیدایش توحید و دوّمین شهر مقدّس و با عظمت اسلام است.

مدینه سرزمینی است که سالها مرکز نزول جبرئیل و وحی الهی بود، و شعاع نور اسلام از این سرزمین بسراسر جهان پرتو افکند و مردم را از مَنجلاب سقوط وبدبختی به شاهراه هدایت وسعادت‌راهنمایی کرد.

در هر بخشی از این شهر مقدّس، سرگذشتها، مجاهدتها، موعظه‌ها، اندرزها، مظلومیّت‌ها و ظلم‌های از حدّ فزون نهفته است.

در این شهر مقدّس است که یگانه منجی عالم بشریّت حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم و حضرتصدیقه طاهره علیها السلام و حضرت امام حسن و حضرت امام محمد باقر و حضرت امام زین العابدین و حضرت امام جعفرصادق- سلام اللّه علیهم اجمعین- بطور مظلومانه مدفون هستند.

۱- - الأعلاق النفیسة، ص ۱۷۸

ص:۲۱۷

و گذشته از این حَضَرات، گروهی نیز از خاندان حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب و یاران آنحضرت در این شهر مدفون می‌باشند.

لذا بر زائرین بیت‌اللَّه الحرام لازم است وقت را مُغتنم شمرده و از فیوضات و برکات این شهر مقدّس بهره‌مند شوند.

در شهر مدینه منوّره، اماکن مقدّسه بسیاری وجود دارد که مهمترین آنها مسجدالنبی است.

ص:۲۱۸

مسجدالنّبی

اشاره

مسجدالنبی دوّمین مسجد مشهور جهان اسلام بشمار می‌رود که قسمت اصلی «(۱)» آن بوسیله خود حضرت پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله و سلم ساخته شده و بعدها بمقتضای ضرورت، بارها توسعه یافته است و دارای ستونهای متعدّدی می‌باشد که مشهورترین آنها استوانه توبه «(۲)» و مَحْرِس و وفود است. مسجدالنّبی درب‌های ورودی متعدّدی دارد. «(۳)»

صُفَّه

در جهت شمالی حجره مطهّره، نزدیک باب جبرئیل، سکّوئی به ارتفاع ۴۰ سانتیمتر و بطول ۱۲ متر و عرض ۸ متر وجود دارد که بنام محلّ اصحابصُفَّه معروف است.

۱- – قسمت اصلی مسجدالنبی از شمال بجنوب ۳۵ متر و از مشرق بمغرب ۳۰ متر بود. مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۴۶۱

۲- – استوانه توبه، که استوانه ابولُبابِه نیز گفته می‌شود. می گویند ابولبابه بشیر بن عبدالمنذر در سپاه اسلام در غزوه تبوک، مرتکب خلافی شد و بعد پشیمان گشت و خود را بهمین ستون بست و سوگند یاد کرد که نخورد و نیاشامد تا خداوند توبه او را قبول کند و مدّت هفت روز در این حال بود تا خداوند توبه او را قبول نمود

۳- – مشهورترین دربهای مسجد عبارتند از: بابالسّلام، باب الرّحمه، بابالنساء، باب جبرئیل و ..

ص:۲۱۹

اصحابصُـِفَّه جماعتی از فقرای مدینه بودند که چون در مدینه مسکن و مأوایی نداشتند در این محل که جایی سقف‌دار بود سکونت می‌کردند و حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم توانگران را امر می‌فرمودند که به آنها کمک کنند و خود آنحضرت با آنان می‌نشست و غذا تناول می‌فرمود و به آنها قرآن را می‌آموخت و تعداد آنان را از ۱۰ تا ۹۳ نفر و بعضی تا ۴۰۰ نفر نقل نموده‌اند.

***

در روایت وارد شده یک رکعت نماز در مسجدالنبی از ده هزار رکعت نماز در مساجد دیگر (غیر از مسجدالحرام) افضل است و بهترین مکان در مسجد، مابین قبر و منبر است چنانکه فرموده: «مَا بَیْنَ قَبْرِی وَمَنْبَرِی رَوْضَهٌٔ مِنْ رِیَاضِ الجَنَّهِٔ».

لذا بر زائرین محترم وظیفه است تا بتوانند فرصت را مغتنم شمرده و بسیار، نماز بجای آورند که زیارت این مکان شریف همیشه میسّر نمی‌شود.

ص:۲۲۰

قبر شریف پیامبر

اشاره

در جنوب شرقی مسجدالنبی، آرامگاه حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که بر حسب وصیّت آنحضرت در خانه مسکونی خود مدفون گردید.

قبر مطهّر دارای یک ضریح فولادی است که چهار درب ورودی دارد و گنبد بارگاهِ شریف نیز یک گنبد بسیار باشکوهی است که به سال ۱۲۵۵ ه. ق. رنگ سبز زده شده و به قُبَّةُالخَضْراء معروف می‌باشد.

آداب زیارت

علماء و فقهاء همانند مرحوم شهید و مجلسی- رضوان اللّٰه علیهم اجمعین- آداب و اعمالی را برای زائرین، بیان فرموده‌اند که به برخی از آن اشاره می‌شود.

۱- پیش از ورود به حرم مطهّر، غسل زیارت نماید.

۲- در اثناء غسل، این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لی نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَشِفَاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَآفةٍ وَعَاهَةٍ اللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبی وَاشْرَحْ بِهِصَدْری وَسَهِّلْ بِهِ أَمْری.

ص:۲۲۱

و پس از غسل نیز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لی نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَکَافِیاً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْم وَمِنْ کُلِّ آفَهٍٔ وَعَاهَهٍٔ وَطَهِّرْ بِهِ قَلْبی وَجَوَارِحی وَعِظَامی وَلَحْمی وَدَمی وَشَعْری وَمُخّی وَعَصَبی وَمَا اقَلَّتِ الأَرْضُ مِنّی وَاجْعَلْهُ لی شَاهِداً یَوْمَ الْقِیَامَهِٔ یَوْمَ حَاجَتی وَفَقْری وَفَاقَتی.

۳- جامه‌های نظیف و پاکیزه بپوشد.

۴- موقع ورود، اذن دخول بخواند.

۵- در هنگام وارد شدن پای راست و در موقع بیرون آمدن، پای چپ را مقدّم بدارد.

۶- پس از خواندن زیارت، نماز زیارت بخواند و مستحبّ است در رکعت اوّل بعد از حمد، سوره مبارکه یس و در رکعت دوّم پس از حمد، سوره الرّحمن بخواند.

۷- آنچه می‌تواند دعا کند.

۸- آنچه می‌تواند قرآن تلاوت نماید.

ص:۲۲۲

اذن دخول حرم شریف

(و هر یک از حرمهای شریفه)

مستحب است که از باب جبرئیل وارد روضه مطهّره شود و هنگام ورود بگوید:

اللهُمَّ انّی وَقَفْتُ عَلی بـابٍ مِنْ ابْوابِ بُیُوتِ نَبِیِّکَصَـلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَقَـدْ مَنَعْتَ النَّاسَ انْ یَـدْخُلوُا الَّا بِـاذْنِهِ فَقُلْتَ یا ایُّها الَّذینَ آمَنُوا لا تَـدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِ الَّا انْ یُؤْذَنَ لَکُمْ اللهُمَّ انّی اعْتَقِـدُ حُرْمَـةَصاحِبِ هذَا الْمَشْـهَدِ الشَّریفِ فی غَیْبَتِهِ کَما اعْتَقِدُها فی حَضْـرَتِهِ وَاعْلَمُ انَّ رَسُولَـکَ وَخُلَفائَکَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ احْیآءٌ عِنْـدَکَ یُرْزَقُونَ یَرَوْنَ مَقامی وَیَسْـمَعُوَن کَلامی وَیَرُدُّونَ سَـلامی وَانَّکَ حَجَبْتَ عَنْ سَـمْعی کَلامَهُمْ وَفَتَحْتَ بـابَ فَهْمی بِلَذیـذِ مُناجـاتِهِمْ وَانّی اسْـتَأْذِنُکَ یـا رَبِّ اوَّلًا وَاسْـتَأذِنُ رَسُولَکَصَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ثانِیاً «(۱)» وَالْمَلآئِکَةَ الْمُوَکَّلینَ بِهـذِهِ الْبُقْعَـةِ الْمُبارَکَةِ ثالِثاً ءَادْخُلُ یا رَسُولَ اللَّهِ ءَادْخُلُ یا حُجَّةَ اللَّهِ ءَادْخُلُ یا مَلآئِکَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبینَ الْمُقیمینَ فی هذَا الْمَشْـهَدِ فَأْذَنْ لی یا

۱- - اگر اذن دخول برای ورود به حرم مطهّر یکی از امامان باشـد بعد از کلمه ثانیاً بگوید: وَأَسْـتَأْذِنُ خَلِیفَتَکَ الامَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَیَّ طَاعَتُهُ و سپس نام آن امام را ببرد و تتمّه را بخواند

ص:۲۲۳

مَوْلایِ فی الدُّخُولِ افْضَلَ ما اذِنْتَ لِاحَدٍ مِنْ اوْلِیآئِکَ فَانْ لَمْ اکُنْ اهْلًا لِذلِکَ فَانْتَ اهْلٌ لِذلِکَ.

پس عَتَبه مبارکه را ببوسد و داخل شود و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفی سَبیلِ اللَّهِ وَعَلی مِلَّةِ رَسوُلِ اللَّهِصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اللهُمَّ اغْفِرْ لی وَارْحَمْنی وَتُبْ عَلَیَّ انَّکَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ.

ص:۲۲۴

کیفیت زیارت حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم

هنگامی که داخل روضه مطهّر شدصد مرتبه اللَّه اکبر بگوید و دو رکعت نماز تحیّت بگذارد و سپس به طرف حجره شریفه برود و بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَمَ النَّبِیّینَ اشْهَدُ انَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَهَٔ وَاقَمْتَ الصَّلاهَٔ وَآتَیْتَ الزَّکوهَٔ وَامَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّی اتیکَ الْیَقینُ فَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلی اهْلِ بَیْتِکَ الطَّاهِرینَ.

پس نزد ستونی که جانب راست قبر مطهّر است رو به قبله بایستد بطوریکه دوش چپ بجانب قبر ودوش راست بجانب منبر باشد و بگوید:

اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاشْهَدُ انَّکَ رَسُولُ اللَّهِ وَانَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَاشْهَدُ انَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّکَ وَنَصَحْتَ لِامَّتِکَ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتّی اتیکَ الْیَقینُ بِالْحِکْمَهِٔ وَالْمَوْعِظَهِٔ الْحَسَنَهِٔ وَادَّیْتَ الَّذی عَلَیْکَ مِنَ الْحَقِّ وَانَّکَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنینَ وَغَلُظْتَ عَلَی الْکافِرینَ فَبَلَّغَ اللَّهُ بِکَ افْضَلَ شَرَفِ

ص:۲۲۵

مَحِلِّ الْمُکَرَّمینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی اسْتَنْقَذَنا بِکَ مِنَ الشِّرْکِ وَالضَّلالَهِٔ اللهُمَّ فَاجْعَلْصَلَواتِکَ وَصَلَواتِ مَلآئِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ وَانْبِیآئِکَ الْمُرْسَلینَ وَعِبادِکَ الصَّالِحینَ وَاهْلِ السَّماواتِ وَالْارَضینَ وَمَنْ سَبَّحَ لَکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ مِنَ الْاوَّلینَ وَالْاخِرینَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَامینِکَ وَنَجِیِّکَ وَحَبیبِکَ وَصَفِیِّکَ وَخآصَّتِکَ وَصَفْوَتِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ اللهُمَّ اعْطِهِ الدَّرَجَهَٔ الرَّفیعَهَٔ وَآتِهِ الْوَسیلَهَٔ مِنَ الْجَنَّهِٔ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْاوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ اللهُمَّ انَّکَ قُلْتَ وَلَوْ انَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ جآؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحیماً وَانّی اتَیْتُکَ مُسْتَغْفِرًا تآئِباً مِنْ ذُنُوبی وَانّی اتَوَجَّهُ بِکَ الَی اللَّهِ رَبّی وَرَبِّکَ لِیَغْفِرَ لی ذُنُوبی.

پس دستها را بلند کرده و حاجت خود را بخواهد که انشاءاللَّه تعالی برآورده می‌شود آنگاه دعایی را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام می‌خوانده بخواند:

اللَّهُمَ الَیْکَ الْجَأْتُ امْری وَالی قَبْرِ مُحَمَّدٍصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ اسْتَنَدْتُ ظَهْری وَالْقِبْلَهِٔ الَّتی رَضیتَ لِمُحَمَّدٍصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ اللَّهُمَّ انّی اصْبَحْتُ لا امْلِکُ لِنَفْسی خَیْرَ ما ارْجُو لَها وَلا ادْفَعُ عَنْها شَرَّ ما احْذَرُ عَلَیْها اصْبَحْتُ وَالامُورُ بِیَدِکَ وَلا فَقیرَ افْقَرُ مِنّی انّی لِما انْزَلْتَ الَیَّ مِنْ

ص:۲۲۶

خَیْرٍ فَقیرٌ اللّهُمَّ ارِدْنی مِنْکَ بِخَیْرٍ وَلا رادَّ لِفَضْلِکَ اللَّهُمَّ انّی اعُوذُ بِکَ مِنْ انْ تُبَدِّلَ اسْمی اوْ تُغَیِّرَ جِسْمی اوْ تُزیلَ نِعْمَتِکَ عَنّی اللّهُمَّ زَیِّنی بِالتَّقْوی وَحَمِّلْنی بِالنِّعَمِ وَاغْمُرْنی بِالْعافِیَهِٔ وَارْزُقْنی شُکْرَ الْعافِیَهِٔ.

پس دو رکعت نماز به نیّت نماز زیارت بجا آورده و سپس بگوید:

اللّهُمَّ انّی صَلَّیْتُ هاتَیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ هَدِیَّهًٔ مِنّی الی سَیِّدی وَمَوْلایَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ رَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْها مِنّی وَاجْزِنی عَلی ذلِکَ جَزاءَ الْمُحْسِنینَ اللّهُمَّ لَکَصَلَّیْتُ وَلَکَ رَکَعْتُ وَلَکَ سَجَدْتُ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ لِأَنَّهُ لا تَکُونُ الصَّلوهُٔ وَالرُّکُوعُ الّا لَکَ لِأَ نَّکَ انْتَ اللّهُ لا الهَ الّا انْتَ اللَّهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنّی زِیارَتی وَاعْطِنی سُؤْلی بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ.

ص:۲۲۷

وداع حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم

هنگامی که اراده کرد آن حضرت را وداع نماید، بگوید:

اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَهِٔ قَبْرِ نَبِیِّکَ فَانْ تَوَفَّیْتَنی قَبْلَ ذلِکَ فَانّی اشْهَدُ فی مَماتی عَلی ما اشْهَدُ عَلَیْهِ فی حَیوتی انْ لا الهَ الَّا انْتَ وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَانَّکَ قَدِ اخْتَرْتَ مِنْ اهْلِ بَیْتِهِ الأَئِمَّهَٔ الطّاهِرینَ الَّذینَ اذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهیراً فَاحْشُرْنا مَعَهُمْ وَفی زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوائِهِمْ وَلا تُفَرِّقْ بَیْنی وَبَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَهِٔ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ.

و همچنین بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا الْبَشیرُ النَّذیرُ السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا السِّراجُ الْمُنیرُ السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا السَّفیرُ بَیْنَ اللَّهِ وَبَیْنَ خَلْقِهِ اشْهَدُ یا رَسُولَ اللَّهِ انَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْاصْلابِ الشّامِخَهِٔ وَالْارْحامِ الْمُطَهَّرَهِٔ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّهُٔ بِانْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْکَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِیابِها واشْهَدُ یا رَسُولَ اللَّهِ انّی مُؤْمِنٌ بِکَ وَبِالْائِمَّهِٔ مِنْ اهْلِ بَیْتِکَ مُوقِنٌ بِجَمیعِ ما اتَیْتَ بِهِ راضٍ مُؤْمِنٌ وَاشْهَدُ انَّ الْائِمَّهَٔ مِنْ اهْلِ بَیْتِکَ اعْلامُ الْهُدی وَالْعُرْوَهُٔ الْوُثقی

ص:۲۲۸

وَالْحُجَّةُ عَلی اهْلِ الدُّنْیا اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَةِ نَبِیِّکَ وَانْ تَوَفَّیْتَنی فَانّی اشْهَدُ فی مَماتی عَلی ما اشْهَدُ عَلَیْهِ فی حَیوتی انَّکَ انْتَ اللَّهُ لا الهَ الَّا انْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ وَانَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَانَّ الْائِمَّةَ مِنْ اهْلِ بَیْتِهِ اوْلِیآؤُکَ وَانْصارُکَ وَحُجَجُکَ عَلی خَلْقِکَ وَخُلَفآؤُکَ فی عِبادِکَ وَاعْلامُکَ فی بِلادِکَ وَخُزَّانُ عِلْمِکَ وَحَفَظَةُ سِرِّکَ وَتَراجِمَةُ وَحْیِکَ اللهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ فی ساعَتی هذِهِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ تَحِیَّةً مِنّی وَسَلاماً وَالسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرُ تَسْلیمی عَلَیْکَ.

ص:۲۲۹

زیارت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام

در محلّ دفن حضرتصدّیقه طاهره فاطمه زهراء- سلام‌اللَّه‌علیها- بین رُوات و محدّثین اختلاف است.

عدّه‌ای می گویند که قبر آن مظلومه در خانه خودش است.

جمعی نیز معتقدند که در روضه مطهّره، مابین قبر و منبر مدفون است.

بعضی دیگر می گویند که آن مخدّره در طرف جنوبی ائمه بقیع مدفون شده است.

و اظهر آنستکه در بقیع مدفون شده است ولی بهتر آنستکه آن مخدّره در هر سه موضع، زیارت شود و چنین گوید:

یـا مُمْتَحَنَـةُ امْتَحَنَكِ اللَّهُ الَّذی خَلَقَكِ قَبْلَ انْ یَخْلُقَكِ فَوَجِـدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِصابِرَةً وَزَعَمْنا انَّا لَكِ اوْلِیآءُ وَمُصَـدِّقُونَ وَصابِرُونَ لِكُلِّ ما اتانا بِهِ ابُوكِصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاتی بِهِ وَصِیُّهُ فَانَّا نَسْئَلُكِ انْ كُنَّاصَدَّقْناكِ الَّا الْحَقْتِنا بِتَصْدیقِنا لَهُما لِنُبَشِّرَ انْفُسَنا بِانَّا قَدْ طَهُرْنا بِوَلایَتِكِ.

و همچنین بگوید:

السَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ نَبِیِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ حَبیبِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ خَلیلِ اللَّهِ

ص:۲۳۰

السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ صَفِّیِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ امینِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ افْضَلِ انْبیآءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِکَتِهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِّیَهِٔ السَّلامُ عَلَیْکِ یا سِیِّدَهَٔ نِسآءِ الْعالَمینَ مِنَ الْاوَّلینَ وَالْاخِرینَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَهَٔ وَلِیِّ اللَّهِ وَخَیْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا امَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّهِٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الصِّدّیقَهُٔ الشَّهیدَهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الرَّضِیَّهُٔ الْمَرْضِیَّهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْفاضِلَهُٔ الزَّکِیَّهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْحَوْرآءُ الْانْسِیَّهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا التَّقِیَّهُٔ النَّقِیَّهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْمُحَدَّثَهُٔ الْعَلیمَهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْمَظْلُومَهُٔ الْمَغْصُوبَهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْمُضْطَهَدَهُٔ الْمَقْهُورَهُٔ السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُٔ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَهُٔ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکِ وَعَلی رُوحِکِ وَبَدَنِکِ اشْهَدُ انَّکِ مَضَیْتِ عَلی بَیِّنَهٍٔ مِنْ رَبِّکِ وَانَّ مَنْ سَرَّکِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَمَنْ جَفاکِ فَقَدْ جَفا رَسُولَاللَّهِ صَلَّیاللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذاکِ فَقَدْ آذی رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَمَنْ وَصَلَکِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَمَنْ قَطَعَکِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ لِانَّکِ بِضْعَهٌٔ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذیبَیْنَ جَنْبَیْهِ اشْهِدُ «(۱)» اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلآئِکَتَهُ انّی راضٍ عَمَّنْ رَضیتِ عَنْهُ ساخِطٌ عَلی مَنْ

۱- - کَما قالَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

ص:۲۳۱

سَخِطْتِ عَلَيْهِ مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّئْتِ مِنْهُ مُوالٍ لِمَنْ والَيْتِ مُعادٍ لِمَنْ عادَيْتِ مُبْغِضٌ لِمَنْ ابْغَضْتِ مُحِبٌّ لِمَنْ احْبَبْتِ وَكَفى بِاللَّهِ شَهيداً وَحَسيباً وَجازِياً وَمُثيباً.

پس بر حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلامصلوات می‌فرستد بدین طریق:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خاتِمِ النَّبِيّينَ وَخَيْرِ الْخَلائِقِ اجْمَعينَ وَصَلِّ عَلى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ ابيطالِبٍ اميرِ الْمُؤْمِنينَ وَامامِ الْمُسْلِمينَ وَخَيْرِ الْوَصِيّينَ وَصَلِّ عَلى فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ وَصَلِّ عَلى سَيِّدَيْ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَصَلِّ عَلى زَيْنِ الْعابِدينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ الْعِلْمِ وَصَلِّ عَلَى الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْكاظِمِ الْغَيْظِ فِى اللَّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصَلِّ عَلَى الرِّضا عَلِيِّ بْنِ مُوسى وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَصَلِّ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ الْحُجَّةِ الْقائِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اللَّهُمَّ احْيِ بِهِ الْعَدْلَ وَامِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الْأَرْضَ وَاظْهِرْ بِهِ دينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتّى لا يَسْتَخْفى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ احَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَاجْعَلْنا مِنْ اعْوانِهِ وَاشْياعِهِ وَالْمَقْبُولينَ فى زُمْرَةِ اوْلِيائِهِ يا رَبَّ الْعالَمينَ

ص:۲۳۲

اللَّهُ مَّصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الَّذينَ اذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً.

آنگاه نماز زیارت بخواند و سپس بگوید:

اللَّهُمَّ انّى اتَوَجَّهُ الَيْكَ بِنَبِيِّنا مُحَمَّدٍ وَباهْلِ بَيْتِهِصَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَاسْالُكَ بِحَقِّكَ الْعَظيمِ عَلَيْهِمْ الَّذى لا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِواكَ وَاسْالُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظيمٌ وَبِاسْمائِكَ الْحُسْنى الَّتى امَرْتَنى انْ ادْعُوكَ بِها وَاسْالُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذى امَرْتَ بِهِ ابْراهيمَ انْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاجابَتْهُ وبِاسْمِكَ الْعَظيمِ الَّذى قُلْتَ لِلنَّارِ كُونى بَرْداً وَسَلاماً عَلى ابْراهيمَ فَكانَتْ بَرْداً وَبِاحَبِّ الْأَسْماءِ الَيْكَ وَاشْرَفِها وَاعْظَمِها لَدَيْكَ وَاسْرَعِها اجابَةً وَانْجَحِها طَلِبَةً وَبِما انْتَ اهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاتَوَسَّلُ الَيْكَ وَارْغَبُ الَيْكَ وَاتَضَرَّعُ وَالِحُّ عَلَيْكَ وَاسْالُكَ بِكُتُبِكَ الَّتى انْزَلْتَها عَلى انْبيائِكَ وَرُسُلِكَصَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْراةِ وَالْإِنْجيلِ وَالزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ فَانَّ فيهَا اسْمُكَ الْأَعْظَمُ وَبِما فيها مِنْ اسْمائِكَ الْعُظْمى انْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبّيهِمْ وَعَنّى وَتَفْتَحَ ابْوابَ السَّماءِ لِدُعائى وَتَرْفَعَهُ فى عِلِّيّينَ وَتَاْذَنَ فى هذَا الْيَوْمِ وَفى هذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجى وَاعْطاءِ امَلى وَسُؤْلى فِى الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا مَنْ لا يَعْلَمُ احَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ الَّا هُوَ يا مَنْ سَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ

ص:۲۳۳

وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْماءِ وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ احْسَنَ الْأَسْماءِ يا مَنْ سَمّى نَفْسَهُ بالْاسْمِ الَّذى يُقْضى بِهِ حاجَةُ مَنْ يَدْعُوهُ اسْالُكَ بِحَقِّ ذلِكَ الْإِسْمِ فَلا شَفيعَ اقْوى لى مِنْهُ انْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَانْ تَقْضِيَ لى حَوائِجى وَتَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظِرِ لِاذْنِكَصَلَواتُكَ وَسَلامُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ عَلَيْهِمْصَوْتى لِيَشْفَعُوا لى الَيْكَ وَتُشَفِّعُهُمْ فِيَّ وَلا تَرُدَّنى خائِباً بِحَقِّ لا الهَ الَّا انْتَ.

حاجات خود را از خداوند بخواهد که انشاء اللّه تعالی برآورده می‌شود.

ص:۲۳۴

قبرستان بقیع

قبرستان بقیع مشهورترین و قدیمی‌ترین قبرستان در تاریخ اسلام است که در شرق مدینه واقع شده که فاصله‌اش تا مسجدالنبی ۴۳۳ ذراع است.

قبر مطهّر حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمّد باقر و امام جعفرصادق- سلام اللّه علیهم اجمعین- در این قبرستان و در کنار هم قرار گرفته و بنا به گفته بعضی از مورّخین، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز در این قبرستان مدفون است.

اوّل کسی که در قبرستان بقیع دفن گردید عثمان بن مظعون یکی ازصحابه وفادار حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم بود.

صاحب مرآةالحرمین «(۱)» می‌گوید: که بیش از ده هزار نفر از اصحاب و تابعین و بنی هاشم در این قبرستان مدفون هستند از جمله: ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم که قبرش نزدیک در بقیع واقع شده است.

مخدّره جلیله فاطمه بنت اسد والده گرامی حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام.

۱- - مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۴۲۵

ص:۲۳۵

عبّاس بن عبدالمطّلب، که قبر هر دو نزدیک قبور ائمه بقیع است.

صَفیّه و عاتِکه، عمّه‌های حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم.

امُّ البَنین، همسر گرامی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، که قبر آنها در بقیع قرار دارد.

زینب و رقیّه و امّ کلثوم دختران حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم که قبرشان نزدیک قبور ائمه بقیع است.

اسماعیل پسر حضرت امام جعفرصادق علیه السلام، قبرش در بقیع واقع شده است.

حَلیمه سَعدیّه مادر رِضاعی حضرت پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله و سلم که قبرش در انتهای بقیع است.

ص:۲۳۶

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

حضرت امام زین العابدین علیه السلام

حضرت امام محمد باقر علیه السلام

حضرت امام جعفرصادق علیه السلام

اگر کسی خواست این بزرگواران را زیارت نماید باید آنچه در آداب زیارت وارد شده همانند غسل و طهارت و پوشیدن جامه‌های پاک و استعمال بوی خوش و ... انجام دهد و پس از ورود به حرم مطهّر بگوید:

یا مَوالِیَّ یا ابْناءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُکُمْ وَابْنُ امَتِکُمُ الذَّلیلُ بَیْنَ ایْدیکُمْ وَالْمُضْعِفُ فی عُلُوِّ قَدْرِکُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّکُمْ جآئَکُمْ مُسْتَجیراً بِکُمْ قاصِداً الی حَرَمِکُمْ مُتَقَرِّباً الی مَقامِکُمْ مُتَوَسِّلًا الَی اللَّهِ تَعالی بِکُمْ ءَادْخُلُ یا مَوالِیَّ ءَادْخُلُ یا اوْلِیآءَ اللَّهِ ءَادْخُلُ یا مَلائِکَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقینَ بِهذَا الْحَرَمِ الْمُقیمینَ بِهذَا الْمَشْهَدِ.

با کمال خشوع و خضوع وارد شده و بگوید:

اللَّهُ اکْبَرُ کَبیراً وَالْحَمْدُ لِلَّهِ کَثیراً وَسُبْحانَ اللَّهِ بُکْرَةً وَاصیلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْماجِدِ الْاحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ

ص:۲۳۷

الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذی مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهَّلَ زِیارَةَ ساداتی بِاِحْسانِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنی عَنْ زِیارَتِهِمْ مَمْنُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.

آنگاه روبروی قبور مقدّسه ایستاده و بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ اَئِمَّةَ الْهُدی السَّلامُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ التَّقْوی السَّلامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْحُجَجُ علی اَهْلِ الدُّنْیا السَّلامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْقُوّامُ فی الْبَرِیَّةِ بِالْقِسْطِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ النَّجْوی اَشْهَدُ اَنَّکُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فی ذاتِ اللَّهِ وَکُذِّبْتُمْ وَاُسیءَ اِلَیْکُمْ فَغَفَرْتُمْ وَاَشْهَدُ اَنَّکُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَاَنَّ طاعَتَکُمْ مَفْرُوضَةٌ وَاَنَّ قَوْلَکُمُ الصِّدْقُ وَاَنَّکُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا وَاَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا وَاَنَّکُمْ دَعائِمُ الدّینِ وَاَرْکانُ الْاَرْضِ لَمْ تَزالُوا بِعَیْنِ اللَّهِ یَنْسَخُکُمْ مِنْ اَصْلابِ کُلِّ مُطَهَّرٍ وَیَنْقُلُکُمْ مِنْ اَرْحامِ الْمُطَهَّراتِ لَمْ تُدَنِّسْکُمُ الْجاهِلِیَّةُ الْجَهْلاءُ وَلَمْ تَشْرَکْ فیکُمْ فِتَنُ الْاَهْوآءِ طِبْتُمْ وَطابَ مَنْبَتُکُمْ مَنَّ بِکُمْ عَلَیْنا دَیَّانُ الدّینِ فَجَعَلَکُمْ فی بُیُوتٍ اَذِنَ اللَّهُ اَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَواتَنا عَلَیْکُمْ رَحْمَةً لَنا وَکَفَّارَةً لِذُنُوبِنا اِذِ اخْتارَکُمُ اللَّهُ لَنا وَطَیَّبَ خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَیْنا مِنْ وِلایَتِکُمْ وَکُنَّا عِنْدَهُ مُسَمّینَ بِعِلْمِکُمْ مُعْتَرِفینَ بِتَصْدیقِنا اِیَّاکُمْ وَهذا مَقامُ مَنْ اَسْرَفَ وَاَخْطَاَ وَاسْتَکانَ وَاَقَرَّبِما جَنی وَرَجی بِمَقامِهِ الْخَلاصَ وَاَنْ یَسْتَنْقِذَهُ بِکُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکی مِنَ الرَّدی فَکُونُوا لی شُفَعاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ اِلَیْکُمْ اِذْ رَغِبَ

ص:۲۳۸

عَنْکُمْ اهْلُ الدُّنْیا وَاتَّخَذُوا آیاتِ اللَّهِ هُزُواً وَاسْتَکْبَرُوا عَنْها یا مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا یَسْهُو وَدآئِمٌ لا یَلْهُو وَمُحیطٌ بِکُلِّشَیْ ءٍ لَکَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنی وَعَرَّفْتَنی بِما اقَمْتَنی عَلَیْهِ اذْصَدَّ عَنْهُ عِبادُکَ وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَمالُوا الی سِواهُ فَکانَتِ الْمِنَّةُ عَلَیْکَ مِنْکَ عَلَیَّ مَعَ اقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَنی بِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ اذْ کُنْتُ عِنْدَکَ فی مَقامی هذا مَذْکُوراً مَکْتُوباً فَلا تَحْرِمْنی ما رَجَوْتُ وَلا تُخَیِّبْنی فیما دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینَ وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

هشت رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) بخواند.

زیارت دوّم:

این زیارت را علّامه مجلسی در کتاب مزار بحارالانوار ذکر نموده است و در اینجا بجهت مزید ثواب ذکر می‌شود:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ ائِمَّةَ الْمُؤْمِنینَ وَسادَةَ الْمُتَّقینَ وَکُبَراءَ الصِّدّیقینَ وَامَراءَ الصَّالِحینَ وَقادَةَ الْمُحْسِنینَ وَاعْلامَ الْمُهْتَدینَ وَانْوارَ الْعارِفینَ وَوَرَثَةَ الأنْبیاءِ وَصِفْوَةَ الأصْفِیاءِ وَخِیَرَةَ الأتْقَیاءِ وَعِبادَ الرَّحْمنِ وَشُرَکاءَ الْفُرْقانِ وَمَناهِجَ الْایمانِ وَمَعادِنَ الْحَقائِقِ وَشُفَعاءَ الْخَلائِقِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ اشْهَدُ انَّکُمْ ابْوابُ نِعَمِ اللَّهِ الَّتی فَتَحَها عَلی بَرِیَّتِهِ وَالْأَعْلامُ الَّتی فَطَرَها لِإرْشادِ خَلیقَتِهِ وَالْمَوازینُ الَّتی نَصَبَها لِتَهْذیبِ شَریعَتِهِ وَانَّکُمْ مَفاتیحُ رَحْمَتِهِ

ص:۲۳۹

وَمَقالیدُ مَغْفِرَتِهِ وَسَحائِبُ رِضْوانِهِ وَمَفاتیحُ جِنانِهِ وَحَمَلَةُ فُرْقانِهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِهِ وَحَفَظَةُ سِرِّهِ وَمَهْبِطُ وَحْیِهِ وَمَعادِنُ امْرِهِ وَنَهْیِهِ وَاماناتُ النُّبُوَّةِ وَوَدائِعُ الرِّسالَةِ وَفی بَیْتِکُمْ نَزَلَ الْقُرآنُ وَمِنْ دارِکُمْ ظَهَرَ الْإِسْلامُ وَالإیمانُ وَالَیْکُمْ مُخْتَلَفُ رُسُلِ اللَّهِ وَالْمَلائِکَةِ وَانْتُمْ اهْلُ ابْراهیمَ الَّذینَ ارْتَضاکُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلإمامَةِ وَاجْتَباکُمْ لِلْخِلافَةِ وَعَصَمَکُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّاکُمْ مِنَ الْعُیُوبِ وَطَهَّرَکُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَفَضَّلَکُمْ بِالنَّوعِ وَالْجِنْسِ وَاصْطَفاکُمْ عَلَی الْعالَمینَ بِالنُّورِ وَالْهُدی وَالْعِلْم وَالتُّقی وَالْحِلْم وَالنُّهی وَالسَّکینَةِ وَالْوَقارِ وَالْخَشْیَةِ وَالْاسْتِغْفارِ وَالْحِکْمَةِ وَالآثارِ وَالتَّقْوی وَالْعَفافِ وَالرِّضا وَالْکَفافِ وَالْقُلُوبِ الزَّاکِیَةِ وَالنُّفُوسِ الْعالِیَةِ وَالاشْخاصِ الْمُنیرَةِ وَالْاحْسابِ الْکَبیرَةِ وَالأَنْسابِ الطّاهِرَةِ وَالأنْوارِ الْباهِرَةِ الْمَوْصُولَةِ وَالْأَحْکام الْمَقْرُونَةِ وَاکْرَمَکُمْ بِالْآیاتِ وَایَّدَکُمْ بِالْبَیِّناتِ وَاعَزَّکُمْ بِالْحُجَجِ الْبالِغَةِ وَالْأَدِلَّةِ الْواضِحَةِ وَخَصَّکُمْ بِالْأَقْوَالِ الصَّادِقَةِ وَالْأَمْثالِ النَّاطِقَةِ وَالْمَواعِظِ الشَّافِیَةِ وَالْحِکَم الْبالِغَةِ وَوَرَّثَکُمْ عِلْمَ الْکِتابِ وَمَنَحَکُمْ فَصْلَ الْخِطابِ وَارْشَدَکُمْ لِطُرُقِ الصّوابِ وَاوْدَعَکُمْ عِلْمَ الْمَنایا وَالْبَلایا وَمَکْنُونَ الْخَفایا وَمَعالِمَ التَّنْزیلِ وَمَفاصِلَ التَّأْویلِ وَمَواریثَ الْأَنْبیاءِ کَتابُوتِ الْحِکْمَةِ وَشِعارِ الْخَلیلِ وَمِفْسَئَةِ الْکَلیمِ وَسابِغَةِ داوُدَ وَخاتَمِ الْمُلْکِ وَفَضْلِ الْمُصْطَفی وَسَیْفِ الْمُرْتَضی وَالْجَفْرِ الْعَظیمِ وَالْإِرْثِ

ص: ۲۴۰

الْقَديمِ وَضَرَبَ لَكُمْ فِى الْقُرْآنِ امْثالًا وَامْتَحَنَكُمْ بَلْوَى وَاحَلَّكُمْ مَحَلَّ نَهْرِ طالُوتَ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمُ الصَّدَقَةَ وَاحَلَّ لَكُمُ الْخُمْسَ وَنَزَّهَكُمْ عَنِ الْخَبائِثِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ فَانْتُمُ الْعِبادُ الْمُكْرَمُونَ وَالْخُلَفاءُ الرَّاشِدُونَ وَالْأَوْصِياءُ الْمُصْطَفَوْنَ وَالْأَئِمَّةُ الْمَعْصُومُونَ وَالْعُلَماءُ الصَّادِقُونَ وَالْحُكَماءُ الرَّاسِخُونَ الْمُبَيِّنُونَ وَالْبُشَراءُ النُّذَراءُ الشُّرَفاءُ الْفُضَلاءُ وَالسَّادَةُ الْأَتْقِياءُ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّابِسُونَ شِعارَ الْبَلْوى وَرِداءَ التَّقْوى وَالْمُتَسَرْبِلُونَ نُورَ الْهُدى وَالصَّابِرُونَ فِى الْبَأْساءِ وَالضَّرّاءِ وَحينَ الْبَأْسِ وَلَدَكُمُ الْحَقُّ وَرَبَّاكُمُ الصِّدْقُ وَغَذَّاكُمُ الْيَقينُ وَنَطَقَ بِفَضْلِكُمُ الدّينُ وَاشْهَدُ انَّكُمُ السَّبيلُ الَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالطُّرُقُ الى ثَوابِهِ وَالْهُدى الى خَليقَتِهِ وَالْأَعْلامُ فى بَرِيَّتِهِ وَالسُّفَراءُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ وَاوْتادُهُ فى ارْضِهِ وَخُزَّانُهُ عَلى عِلْمِهِ وَانْصارُ كَلِمَةِ التَّقْوى وَمَعالِمُ سُبُلِ الْهُدى وَمَفْزَعُ الْعِبادِ اذَا اخْتَلَفُوا وَالدَّالُّونَ عَلَى الْحَقِّ اذا تَنازَعُوا وَالنُّجُومُ الَّتى بِكُمْ يُهْتَدى وَبِاقْوالِكُمْ وَافْعالِكُمْ يُقْتَدى وَبِفَضْلِكُمْ نَطَقَ الْقُرْآنُ وَبِوَلايَتِكُمْ كَمُلَ الدّينُ وَالْايمانُ وَانَّكُمْ عَلى مِنْهاجِ الْحَقِّ وَمَنْ خالَفَكُمْ عَلى مِنْهاجِ الْباطِلِ وَانَّ اللَّهَ اوْدَعَ قُلُوبَكُمْ اسْرارَ الْغُيُوبِ وَمَقاديرَ الْخُطُوبِ وَارْفَدَ الَيْكُمْ تَأْييدَ السَّكينَةِ وَطُمَأْنينَةَ الْوَقارِ وَجَعَلَ ابْصارَكُمْ مَالِفَ لِلْقُدْرَةِ وَارْواحَكُمْ مَعادِنَ لِلْقُدْسِ فَلا يَنْعَتُكُمْ الَّا الْمَلائِكَةُ وَلا يَصِفُكُمْ الَّا الرُّسُلُ انْتُمْ امَناءُ اللَّهِ

ص:۲۴۱

وَاحِبَّاؤُهُ وَعِبادُهُ لِلْقُدْسِ وَاصْفِياؤُهُ وَانْصارُ تَوْحيدِهِ وَارْكانُ تَمْجيدِهِ وَدَعائِمُ تَحْميدِهِ وَدُعاتُهُ الى دينِهِ وَحَرَسَةُ خَلائِقِهِ وَحَفَظَةُ شَرائِعِهِ وَانَا اشْهِدُ اللَّهَ خالِقى وَاشْهِدُ مَلائِكَتَهُ وَانْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ وَاشْهِدُكُمْ انّى مُؤْمِنٌ بِكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَقِدٌ لِإِمامَتِكُمْ مُؤْمِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ خاضِعٌ لِوِلايَتِكُمْ مُتَقَرِّبٌ الَى اللَّهِ سُبْحانَهُ بِحُبِّكُمْ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ اعْدائِكُمْ عالِمٌ بِانَّ اللَّهَ جَلَّ جَلالُهُ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ وَمِنْ كُلِّ رَجاسَةٍ وَدَناءَةٍ وَنَجاسَةٍ وَاعْطاكُمْ رايَةَ الْخَلْقِ الَّتى مَنْ تَقَدَّمَها ضَلَّ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْها ذَلَّ وَفَرَضَ طاعَتَكُمْ وَمَوَدَّتَكُمْ عَلى كُلِّ اسْوَدَ وَابْيَضَ مِنْ عِبادِهِ فَصَلَواتُ اللَّهِ عَلى ارْواحِكُمْ وَاجْسادِكُمْ.

آنگاه بگوید:

السَّلامُ عَلى ابيمُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍ سَيِّدِ شَبابِ اهْلِ الْجَنَّةِ السَّلامُ عَلى ابِى الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعابِدينَ السَّلامُ عَلى ابى جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ عِلْمِ الدّينِ السَّلامُ عَلى ابى عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمينِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ بِابى انْتُمْ وَامّى لَقَدْ رُضِعْتُمْ ثَدْىَ الايمانِ وَرُبّيتُمْ فى حِجْرِ الْإِسْلامِ وَاصْطَفاكُمُ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ وَوَرَّثَكُمْ عِلْمَ الْكِتابِ وَعَلَّمَكُمْ فَصْلَ الْخِطابِ وَاجْرى فيكُمْ مَوارِيثَ النُّبُوَّةِ وَفَجَّرَ بِكُمْ يَنابيعَ الْحِكْمَةِ وَالْزَمَكُمْ بِحِفْظِ الشَّريعَةِ وَفَرَضَ طاعَتَكُمْ

ص:۲۴۲

وَمَوَدَّتَکُمْ عَلَی النَّاسِ السَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ خَلیفَهِٔ امیرِ الْمُؤْمِنینَ الْإمام الرَّضِیِّ الْهادِی الْمَرْضِیِّ عَلَم الدّینِ وَامام الْمُتَّقینَ الْعامِلِ بِالْحَقِّ وَالْقائِمِ بِالْقِسْطِ افْضَلَ وَاطْیَبَ وَازْکی وَانْمی ماصَلَّیْتَ عَلی احَدٍ مِنْ اوْلِیائِکَ وَاصْفِیائِکَ وَاحِبَّائِکَصَلوةً تُبَیِّضُ بِها وَجْهَهُ وَتُطَیِّبُ بِها رُوحَهُ فَقَدْ لَزِمَ عَنْ آبائِهِ الْوَصِیَّهَٔ وَدَفَعَ عَنِ الْإِسْلام الْبَلِیَّهَٔ فَلَمَّا خافَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ الْفِتَنَ رَکَنَ الَی الَّذی الَیْهِ رَکَنَ وَکانَ بِما آتاهُ اللَّهُ عالِماً بِدینِهِ قائِماً فَاجْزِهِ اللَّهُمَّ جَزاءَ الْعارِفینَ وَصَلِّ عَلَیْهِ فِی الْأَوَّلینَ وَالْآخِرینَ وَبَلِّغْهُ مِنَّا السَّلامَ وَارْدُدْ عَلَیْنا مِنْهُ السَّلامَ بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّحِمینَ اللَّهُمَّصَلِّ عَلَی الْإمامِ الْوَصِیِّ وَالسَّیِّدِ الرَّضِیِّ وَالْعابِدِ الْأَمینِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعابِدینَ امام الْمُؤْمِنینَ وَوارِثِ عِلْم النَّبِیّینَ اللَّهُمَّ اخْصُصْهُ بِما خَصَصْتَ بِهِ اوْلِیائِکَ مِنْ شَرایِفِ رِضْوَانِکَ وَکَرائِمِ تَحِیَّاتِکَ وَنَوامِیَ بَرَکاتِکَ فَلَقَدْ بالَغَ فی عِبادِهِ وَنَصَحَ لَکَ فی طاعَتِهِ وَسارَعَ فی رِضاکَ وَسَلَکَ بِالْامَّهِٔ طَریقَ هُداکَ وَقَضی ما کانَ عَلَیْهِ مِنْ حَقِّکَ فی دَوْلَتِهِ وَادّی ما وَجَبَ عَلَیْهِ فی وِلایَتِهِ حَتّی انْقَضَتْ ایَّامُهُ وَکانَ لِشیعَتِهِ رَؤُفاً وَبِرَعِیَّتِهِ رَحیماً اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ مِنَّا السَّلامَ وَارْدُدْ مِنْهُ عَلَیْنَا السَّلامَ وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَرَحْمَهُٔ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَی الْوَصِیِّ الْباقِرِ وَالْإمامِ الطَّاهِرِ وَالْعَلَمِ الظَّاهِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ابی جَعْفَرٍ الْباقِرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیِّکَ الصَّادِعِ بِالْحَقِّ وَالنَّاطِقِ بِالصِّدْقِ

ص:۲۴۳

الَّذى بَقَرَ الْعِلْمَ بَقْراً وَبَيَّنَهُ سِرّاً وَجَهْراً وَقَضى بِالْحَقِّ الَّذى كانَ عَلَيْهِ وَادَّى الْأَمانَةَ الَّتى صارَتْ الَيْهِ وَامَرَ بِطاعَتِكَ وَنَهى عَنْ مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ فَكَما جَعَلْتَهُ نُوراً يَسْتَضىءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَفَضْلًا يَقْتَدى بِهِ الْمُتَّقُونَ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلى آبائِهِ الطَّاهِرينَ وَابْنائِهِ الْمَعْصُومينَ افْضَلَ الصَّلوةِ وَاجْزَلَها وَاعْطِهِ سُؤْلَهُ وَغايَةَ مَاْمُولِهِ وَابْلِغْهُ مِنَّا السَّلامَ وَارْدُدْ عَلَيْنا مِنْهُ السَّلامَ وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الْإِمامِ الْهادى وَصِيِّ الْأَوْصِياءِ وَوارِثِ عِلْمِ الْأَنْبِياءِ عَلَمِ الدّينِ وَالنَّاطِقِ بِالْحَقِّ الْيَقينِ وَابِ الْمَساكينِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمينِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ كَما عَبَدَكَ مُخْلِصاً وَاطاعَكَ مُخْلِصاً مُجْتَهِداً وَاجْزِهِ عَنْ احْياءِ سُنَّتِكَ وَاقامَةِ فَرائِضِكَ خَيْرَ جَزاءِ الْمُتَّقينَ وَافْضَلَ ثَوابِ الصَّالِحينَ وَخُصَّهُ مِنَّا بِالسَّلامِ وَارْدُدْ عَلَيْنا مِنْهُ السَّلامَ وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ.

ص:۲۴۴

زیارت وداع ائمّه بقیع علیهم السلام

چون خواست ائمّه بقیع را وداع کند، بگوید:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَعْدِنَ الرِّسالَةِ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ اهْلَ الْبَيْتِ انَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ سَلامَ وَلِيٍّ غَيْرِ راغِبٍ عَنْكُمْ وَلا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ وَلا زاهِدٍ فی قُرْبِكُمْ لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قُبُورِكُمْ وَاتْيانِ مَشاهِدِكُمْ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَحَشَرَنِیَ اللَّهُ فی زُمْرَتِكُمْ وَاوْرَدَنی حَوْضَكُمْ وَارْضاكُمْ عَنّی وَمَكَّنَنی فی دَوْلَتِكُمْ وَاحْيانی فی رَجْعَتِكُمْ وَمَلَّكَنی فی ايَّامِكُمْ وَشَكَرَ سَعْيی لَكُمْ وَغَفَرَ ذُنُوبی بِشَفاعَتِكُمْ وَاقالَ عَثْرَتی بِحُبِّكُمْ وَاعْلی كَعْبی بِمُوالاتِكُمْ وَشَرَّفَنی بِطاعَتِكُمْ وَاعَزَّنی بِهُديكُمْ وَجَعَلَنی مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحاً مُنْجِحاً سالِماً غانِماً مُعافاً غَنِيّاً فائِزاً بِرِضْوانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكِفايَتِهِ بِافْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ احَدٌ مِنْ زُوَّارِكُمْ وَمَواليكُمْ وَمُحِبّيكُمْ وَشيعَتِكُمْ وَرَزَقَنِیَ اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما ابْقانی رَبّی بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ وَايمانٍ وَتَقْوی وَاخْباتٍ وَرِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ وَاوْجِبْ لِیَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ

ص:۲۴۵

وَالْبَرَکَهَٔ وَالنُّورَ وَالْایمانَ وَحُسْنَ الْاجابَهِٔ کَما اوْجَبْتَ لِاوْلِیآئِکَ الْعارِفینَ بِحَقِّهِمْ الْمُوجِبینَ طاعَتَهُمْ وَالرَّاغِبینَ فی زِیارَتِهِمْ الْمُتَقَرِّبینَ الَیْکَ وَالَیْهِمْ بِابی انْتُمْ وَامّی وَنَفْسی وَمالی وَاهْلی اجْعَلُونی مِنْ هَمِّکُمْ وَصَیِّرُونی فی حِزْبِکُمْ وَادْخِلُونی فی شَفاعَتِکُمْ وَاذْکُرُونی عِنْدَ رَبِّکُمْ اللهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْلِغْ ارْواحَهُمْ وَاجْسادَهُمْ عَنّی تَحِیَّهًٔ کَثیرَهًٔ وَسَلاماً وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُٔ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ.

و همچنین بگوید:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ ائِمَّهَٔ الْهُدی وَرَحْمَهُٔ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ اسْتَوْدِعُکُمُ اللَّهَ وَاقْرَءُ عَلَیْکُمُ السَّلامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ عَلَیْهِ اللَّهُمَّ فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ.

و از خداوند بخواهد که بار دیگر زیارت ایشان را نصیب فرماید.

ص:۲۴۶

زیارت ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم

قبرش در قبرستان بقیع است. نزدیک قبر او ایستاده و بگوید:
السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ عَلی نَبِیِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلی حَبیبِ اللَّهِ السَّلامُ عَلیصَفِیِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلی نَجِیِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَیِّدِ الْاَنْبِیاءِ وَخاتَمِ الْمُرْسَلینَ وَخِیَرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فی ارْضِهِ وَسَمآئِهِ السَّلامُ عَلی جَمیعِ انْبِیائِهِ وَرُسُلِهِ السَّلامُ عَلَی الشُّهَدآءِ وَالسُّعَدآءِ وَالصّالِحینَ السَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللَّهِ الصّالِحینَ السَّلامُ عَلَیْکَ ایَّتُهَا الرُّوحُ الزّاکِیَةُ السَّلامُ عَلَیْکَ ایَّتُهَا النَّفْسُ الشَّریفَةُ السَّلامُ عَلَیْکَ ایَّتُهَا السُّلالَةُ الطّاهِرَةُ السَّلامُ عَلَیْکَ ایَّتُهَا النَّسَمَةُ الزّاکِیَةُ السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ خَیْرِ الْوَری السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ النَبِیِّ الْمُجْتَبی السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الْمَبْعُوثِ الی کافَّةِ الْوَری السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الْبَشیرِ النَّذیرِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ السِّراجِ الْمُنیرِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الْمُؤَیَّدِ بِالْقُرآنِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الْمُرْسَلِ اِلَی الْاِنْسِ وَالْجآنِّ السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَصاحِبِ الرّایَةِ وَالْعَلامَةِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الشَّفیعِ یَوْمَ الْقِیمَةِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ مَنْ حَباهُ اللَّهُ بِالْکَرامَةِ السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ اشْهَدُ انَّکَ قَدِ اخْتارَ اللَّهُ لَکَ دارَ انْعامِهِ قَبْلَ انْ یَکْتُبَ

ص:۲۴۷

عَلَيْکَ احْکامَهُ اوْ يُکَلِّفَکَ حَلالَهُ وَحَرامَهُ فَنَقَلَکَ الَيْهِ طَيِّباً زاکِياً مَرْضِيّاً طاهِراً مِنْ کُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّساً مِنْ کُلِّ دَنَسٍ وَبَوَّئَکَ جَنَّةَ الْمَاْوى وَرَفَعَکَ الَى الدَّرَجاتِ الْعُلى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْکَ صَلاةً تَقَرُّ بِها عَيْنُ رَسُولِهِ وَتُبَلِّغُهُ اکْبَرَ مَاْمُولِهِ اللهُمَّ اجْعَلْ افْضَلَ صَلَواتِکَ وَازْکاها وَانْمى بَرَکاتِکَ وَاوْفاها عَلى رَسُولِکَ وَنَبِيِّکَ وَخِيَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَعَلى مَنْ نَسَلَ مِنْ اوْلادِهِ الطَّيِّبينَ وَعَلى مَنْ خَلَّفَ مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرينَ بِرَحْمَتِکَ يا ارْحَمَ الرَّاحِمينَ اللهُمَّ انّى اسْالُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّکَ وَابْراهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّکَ انْ تَجْعَلَ سَعْيى بِهِمْ مَشْکُوراً وَذَنْبى بِهِمْ مَغْفُوراً وَحَيوتى بِهِمْ سَعيدَةً وَعاقِبَتى بِهِمْ حَميدَةً وَحَوائِجى بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَافْعالِى بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَامُورى بِهِمْ مَسْعُودَةً وَشُئُونى بِهِمْ مَحْمُودَةً اللهُمَّ وَاحسِنْ لِىَ التَّوْفيقَ وَنَفِّسْ عَنّى کُلَّ هَمٍّ وَضيقٍ اللهُمَّ جَنِّبْنى عِقابَکَ وَامْنَحْنى ثَوابَکَ وَاسْکِنِّى جِنانَکَ وَارْزُقْنى رِضْوانَکَ وَامانَکَ وَاشْرِکْ لى فيصالِحِ دُعائى والِدَىَّ وَوَلَدى وَجَميعَ الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ الْاحْيآءِ مِنْهُمْ وَالْامْواتِ انَّکَ وَلِىُّ الْباقِياتِ الصَّالِحاتِ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

دو رکعت نماز بگذارد و حاجتهای خود را از خداوند بخواهد.

ص:۲۴۸

زیارت جناب فاطمه بنت اسد

والده گرامی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که قبرش نزدیک قبور ائمّه بقیع است. کنار قبر آن مخدّره ایستاده و می گوید:
السـلامُ عَلی نَبِیِّ اللَّهِ السـلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ السلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْاَوَّلینَ السلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْآخِرینَ السَّلامُ عَلی مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَهً لِلْعالَمینَ السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلی فاطِمَهَ بِنْتِ اَسَدٍ الْهاشِمِیَّهِ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الصِّدّیقَهُ الْمَرْضِیَّهُ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ السَّلامُ عَلَیْکِ ایَّتُهَا الْکَریمَهُ الرَّضِیَّهُ «(۱)» السَّلامُ عَلَیْکِ یا کافِلَهَ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَهَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُها عَلی رَسُولِ اللَّهِ خاتِمِ النَّبِیّینَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا مَنْ تَرْبِیَتُها لِوَلِیِّ اللَّهِ الْامینِ السَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی رُوحِکِ وَبَدَنِکِ الطَّاهِرِ السَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی وَلَدِکِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ اشْهَدُ انَّکِ احْسَنْتِ الْکِفالَهَ وَادَّیْتِ الْامانَهَ وَاجْتَهَدْتِ فی مَرْضاتِ اللَّهِ وَبالَغْتِ فی حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عارِفَهً بِحَقِّهِ مُؤْمِنَهً بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَهً بِنُبُوَّتِهِ

۱- - الْمَرْضِیَّهُ

ص:۲۴۹

مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ کافِلَةً بِتَرْبِیَتِهِ مُشْفِقَةً عَلی نَفْسِهِ واقِفَةً عَلی خِدْمَتِهِ مُخْتارَةً «(۱)» رِضاهُ وَاشْهَدُ انَّکِ مَضَیْتِ عَلَی الْایمانِ وَالَّتَمَسُّکِ بِاشْرَفِ الْادْیانِ راضِیَةً مَرْضِیَّةً طاهِرَةً زَکِیَّةً تَقِیَّةً نَقِیَّةً فَرَضِیَ اللَّهُ عَنْکِ وَارْضاکِ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکِ وَمَاْویکِ اللهُمَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنی بِزِیارَتِها وَثَبِّتْنی عَلی مَحَبَّتِها وَلا تَحْرِمْنی شَفاعَتَها وَشَفاعَةَ الْائِمَّةِ مِنْ ذُرِّیَّتِها وَارْزُقْنی مُرافَقَتَها وَاحْشُرْنی مَعَها وَمَعَ اوْلادِهَا الطَّاهِرینَ اللهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتی ایّاها وَارْزُقْنِی الْعَوْدَ الَیْها ابَداً ما ابْقَیْتَنی وَاذا تَوَفَّیْتَنی فَاحْشُرْنی فی زُمْرَتِها وَادْخِلْنی فی شَفاعَتِها بِرَحْمَتِکَ یا ارْحَمَ الرَّاحِمینَ اللهُمَّ بِحَقِّها عِنْدَکَ وَمَنْزِلَتِها لَدَیْکَ اغْفِرْ لی وَلِوالِدَیَّ وَلِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النَّارِ.

پس دو رکعت نماز زیارت بگذارد و آنگاه حاجات خود را از خداوند بخواهد.

۱- – مُؤَثِّرَةً هَواهُ. خ ل

ص:۲۵۰

کوه اُحُد

اُحُد کوهی است به فاصله یک فرسخی که در شمال مدینه واقع شده است «(۱)» و در اینجا بود که در ماه شوّال سال سوّم هجرت، جنگ حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم با کفّار قریش اتّفاق افتاد و جناب حمزه عموی والا مقام حضرت پیغمبر اکرمصلی الله علیه و آله و سلم و عدّه‌ای حدود ۷۴ نفر بشهادت رسیده و خود حضرت نیز مجروح گشت.

جناب حمزه و عبداللَّه بن جَحش و مَصْعَب بن عُمَیر، هر سه در کنار هم و در پایین کوه مدفون هستند و بقیه شهدا نیز در آن نزدیکی‌ها دفن شده‌اند.

زیارت جناب حمزه رضی الله عنه

السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اللهُ مَّصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یا خَیْرَ الشُّهَداءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا اسَدَ اللَّهِ وَاسَدَ رَسُولِهِ اشْهَدُ انَّکَ قَدْ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَجُدْتَ بِنَفْسِکَ وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَکُنْتَ فیما عِنْدَ

۱- - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۲۷

ص:۲۵۱

اللَّهِ سُبْحانَهُ راغِباً بِابى انْتَ وَامّى اتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً الى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيارَتِكَ وَمُتَقَرِّباً الى رَسُولِ اللَّهِصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذلِكَ راغِباً الَيْكِ فِى الشَّفاعَةِ ابْتَغى بِزِيارَتِكَ خَلاصَ نَفْسى مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نارٍ اسْتَحَقَّها مِثْلى بِما جَنَيْتُ عَلى نَفْسى هارِباً مِنْ ذُنُوبِىَ الَّتى احْتَطَبْتُها عَلى ظَهْرى فَزَعاً الَيْكَ رَجآءَ رَحْمَةِ رَبّى اتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعيدَةٍ طالِباً فَكاكَ رَقَبَتى مِنَ النّارِ وَقَدْ اوْقَرَتْ ظَهْرى ذُنُوبى وَاتَيْتُ ما اسْخَطَ رَبّى وَلَمْ اجِدْ احَدًا افْزَعُ الَيْهِ خَيْراً لى مِنْكُمْ اهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَكُنْ لى شَفيعاً يَوْمَ فَقْرى وَحاجَتى فَقَدْ سِرْتُ الَيْكَ مَحْزُوناً وَاتَيْتُكَ مَكرُوباً وَسَكَبْتُ عَبْرَتى عِنْدَكَ باكِياً وَصِرْتُ الَيْكَ مُفْرَداً وَانْتَ مِمَّنْ امَرَنِىَ اللَّهُ بِصِلَتِهِ وَحَثَّنى عَلى بِرِّهِ وَدَلَّنى عَلى فَضْلِهِ وَهَدانى لِحُبِّهِ وَرَغَّبَنى فِى الْوِفادَةِ الَيْهِ وَالْهَمَنى طَلَبَ الْحَوائِجِ عِنْدَهُ انْتُمْ اهْلُ بَيْتٍ لا يَشْقى مَنْ تَوَلَّاكُمْ وَلا يَخيبُ مَنْ اتاكُمْ وَلا يَخْسَرُ مَنْ يَهْويكُمْ وَلا يَسْعَدُ مَنْ عاداكُمْ.

پس دو رکعت نماز زیارت بجا آورده و بگوید:

اللهُمَّصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللهُمَّ انّى تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومى لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيُجيرَنى مِنْ نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ وَمَقْتِكَ فى يَوْمٍ تَكْثُرُ فيهِ الْاصْواتُ وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِما قَدَّمَتْ وَتُجادِلُ عَنْ نَفْسِها فَانْ تَرْحَمْنِى الْيَوْمَ فَلا خَوْفٌ عَلَىَّ وَلا حُزْنٌ وَانْ تُعاقِبْ فَمَوْلىً لَهُ الْقُدْرَةُ عَلى

ص:۲۵۲

عَبْدِهِ وَلا تُخَيِّبْنى بَعْدَ الْيَوْمِ وَلا تَصْرِفْنى بِغَيْرِ حاجَتى فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ الَيْكَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِكَ وَرَجآءَ رَحْمَتِكَ فَتَقَبَّلْ مِنّى وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلى جَهْلى وَبِرَأْفَتِكَ عَلى جِنايَةِ نَفْسى فَقَدْ عَظُمَ جُرْمى وَما اخافُ انْ تَظْلِمَنى وَلكِنْ اخافُ سُوءَ الْحِسابِ فَانْظُرِ الْيَوْمَ تَقَلُّبى عَلى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ فَبِهِما فُكَّنى مِنَ النّارِ وَلا تُخَيِّبْ سَعْيى وَلا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهالى وَلا تَحْجُبَنَّ عَنْكَ صَوْتى وَلا تَقْلِبْنى بِغَيْرِ حَوائِجى يا غِياثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ وَيا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرانِ الْغَريقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْظُرْ الَىَّ نَظْرَةً لا اشْقى بَعْدَها ابَداً وَارْحَمْ تَضَرُّعى وَعَبْرَتى وَانْفِرادى فَقَدْ رَجَوْتُ رِضاكَ وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذى لا يُعْطيهِ احَدٌ سِواكَ فَلا تَرُدَّ امَلى اللهُمَّ انْ تُعاقِبْ فَمَوْلىً لَهُ الْقُدْرَةُ عَلى عَبْدِهِ وَجَزآئِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ فَلا اخيبَنَّ الْيَوْمَ وَلا تَصْرِفْنى بِغَيْرِ حاجَتى وَلا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصى وَوِفادَتى فَقَدْ انْفَدْتُ نَفَقَتى وَاتْعَبْتُ بَدَنى وَقَطَعْتُ الْمَفازاتِ وَخَلَّفْتُ الْاهْلَ وَالْمالَ وَما خَوَّلْتَنى وَآثَرْتُ ما عِنْدَكَ عَلى نَفْسى وَلُذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغآءَ مَرْضاتِكَ فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلى جَهْلى وَبِرَأْفَتِكَ عَلى ذَنْبى فَقَدْ عَظُمَ جُرْمى بِرَحْمَتِكَ يا كَريمُ يا كَريمُ.

ص:۲۵۳

زیارت قبور شهدای احُد

(رضوان اللَّه علیهم)

السَّلامُ عَلی رَسوُل اللَّهِ السَّلامُ عَلی نَبِیِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بنِ عَبْدِاللَّهِ السَّلامُ عَلی اهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرینَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ ایُّهَا الشُّهَدآءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهْلَ بَیْتِ الْایمانِ وَالتَّوْحیدِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انْصارَ دینِ اللَّهِ وَانْصارَ رَسُولِهِ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِماصَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ اشْهَدُ انَّ اللَّهَ اخْتارَکُمْ لِدینِهِ وَاصْطَفاکُمْ لِرَسُولِهِ وَاشْهَدُ انَّکُمْ قَدْ جاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ وَذَبَبْتُمْ عَنْ دینِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِیِّهِ وَجُدْتُمْ بِانْفُسِکُمْ دُونَهُ وَاشْهَدُ انَّکُم قُتِلْتُمْ عَلی مِنْهاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزاکُمُ اللَّهُ عَنْ نَبِیِّهِ وَعَنِ الْاسْلام وَاهْلِهِ افْضَلَ الْجَزآءِ وَعَرَّفَنا وُجُوهَکُمْ فی مَحَلِّ رِضْوانِهِ وَمَوْضِعِ اکْرامِهِ مَعَ النَّبِیّینَ وَالصِّدّیقینَ وَالشُّهَدآءِ وَالصَّالِحینَ وَحَسُنَ اولئِکَ رَفیقاً اشْهَدُ انَّکُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَانَّ مَنْ حارَبَکُمْ فَقَدْ حارَبَ اللَّهَ وَانَّکُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبینَ الْفائِزینَ الَّذینَهُمْ احْیآءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ فَعَلی مَنْ قَتَلَکُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلئِکَةِ وَالنَّاسِ اجْمَعینَ اتَیْتُکُمْ یا اهْلَ التَّوْحیدِ زائِراً وَبِحَقِّکُمْ عارِفاً وَ بِزِیارَتِکُمْ الَی‌اللَّهِ مُتَقَرِّباً وَبِما سَبَقَ مِنْ شَریفِ الْاعْمالِ وَمَرْضِیِّ الْافْعالِ عالِماً فَعَلَیْکُمْ سَلامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ وَعَلی مَنْ قَتَلَکُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ اللهُمَّ انْفَعْنی بِزِیارَتِهِمْ وَثَبِّتْنی عَلی قَصْدِهِمْ وَتَوَفَّنی عَلی ما تَوَفَّیْتَهُمْ عَلَیْهِ وَاجْمَعْ بَیْنی وَبَیْنَهُم فی مُسْتَقَرِّ دارِ رَحْمَتِکَ اشْهَدُ انَّکُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِکُمْ لاحِقُونَ.

ص:۲۵۴

اماکن مقدّسه مدینه منوّره و حوالی آن

اماکن مقدّسه در مدینه منوّره و حوالی آن، بسیار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مسجد قُبا: این مسجد در سابق به فاصله چند کیلومتری مدینه منوّره قرار داشت ولی فعلًا در اثر توسعه شهر مدینه منوّره، تقریباً جزو شهر شده و در شارع قُبا واقع است.

این مسجد از روز اوّل بر پایه پرهیزکاری بنا گشته و آیه شریفه «اسِّسَ عَلَی التَّقْوی» در این مورد نازل گردیده و بسیار مسجد با عظمتی است و وارد شده که حضرت می‌فرمود: هر کس در مسجد قبا نماز بخواند ثوابش معادل با ثواب عُمره است.

لذا افرادی که به مدینه منوّره می‌روند بسیار بجاست تا بتوانند در این مسجد نماز بجای آورند.

مسجد فتح: در شمال غربی مدینه منوّره کوهی بنام کوه سَلْع وجود دارد و بالای آن مسجدی بنام مسجد فَتْح قرار گرفته که مسجد (احْزابْ) نیز گفته می‌شود.

جابر روایت می کند که حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم در این مسجد، این دعا را خواندند و خداوند دعای آنحضرت را مستجاب فرمود و با

ص:۲۵۵

کشته شدن عمرو بن عبدود بدست توانای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، فتح و پیروزی نصیب مسلمانان گردید.

یاصَریخَ الْمَکْرُوبینَ وَیا مُجیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ اکْشِفْ هَمّی وَکَرْبی وَغَمّی فَقَدْ تَری حالی وَحالَ اصْحابی.

لذا مستحب است در مسجد فتح، پس از نماز چنین بگوید:

یاصَریخَ الْمَکْرُوبینَ وَیا مُجیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ وَیا مُغیثَ الْمَهْمُومینَ اکْشِفْ عَنّی ضُرّی وَهَمّی وَکَرْبی وَغَمّی کَما کَشَفْتَ عَنْ نَبِیِّکَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ وَکَفَیْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَاکْفِنی ما اهَمَّنی مِنْ امْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا ارْحَمَ الرَّحِمینَ.

سه مسجد دیگر: در طرف جنوب، کمی پایین‌تر از مسجد فتح، سه مسجد دیگر است که بنام ۱. مسجد حضرت علی علیه السلام ۲. مسجد حضرت فاطمه علیها السلام ۳. مسجد جناب سلمان رضی الله عنه نامیده می‌شوند و در هر سه مسجد، دو رکعت نماز مستحبّ است.

مسجد فَضیخْ: در شرق مسجد قُبا واقع است.

مسجد مُباهَلَه: در شمال بقیع واقع است و مسجد (الاجابه) نیز گفته می‌شود.

مسجد ابوذر: در شارع ابوذر واقع است.

مسجد غَمامَه: در طرف غرب مدینه منوّره و در شارع عینیّه واقع است و می گویند اوّلین مسجدی است که بسال دوّم هجری، نماز عید در آنجا خوانده شد.

ص:۲۵۶

دو مسجد دیگر: در شمال مسجد غَمامه، دو مسجد دیگر است که بنام ۱. مسجد حضرت علی علیه السلام ۲. مسجد حضرت فاطمه علیها السلام نامیده می‌شوند.

مسجد قِبلَتَین: در شمال غربی مدینه منوّره واقع شده و از مشهورترین مساجد مدینه منوّره بشمار می‌رود و تغییر قبله از بیت‌المقدس بسوی کعبه معظّمه در این مکان واقع شد.

مسجد الرّایه: در راه ورود به مدینه منوّره از طرف شام، بالای کوه (ذباب) واقع شده که مسجد ذباب نیز گفته می‌شود.

در همه این مساجد، دو رکعت نماز خواندن مستحب است.

قبرستان بقیع: قبلًا بطور مفصّل ذکر شد.

مَشْرَبهٔ امِّ ابراهیم: و آن حُجره مادر ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و مسکن و مُصلّای آنحضرت بود این محلّ در کنار مسجد قُبا واقع شده است.

بَدْرْ: قریه‌ای است که بین راه مکّه معظّمه و مدینه منوّره واقع شده و حدود چهارده نفر از شهدای جنگ بدر در این مکان دفن گردیده و بسیار بجاست که زائرین محترم به زیارت آن قبور شریفه مشرّف شوند.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹